

بشریت در روزگاری به درازای عمر خویش بر روی زمین مبارزه کرده است تا روشنائی را از تیرگی، داد را از بیداد، حقیقت را از غیر حقیقت و آنچه را که سد راه تکامل است از آنچه که هموار کننده راه کمال و تعالی میباشد، باز شناخته و جدا سازد و همواره در این مسیر و در صحنه تاریخ افرادی دائما حضور داشتهاند که مسئولیت این باز شناختن و تمیز دادن بر عهده آنان نهاده شده است تا با دادن ملاک و معیارهای ارزیابی ارزشهای توده های محروم، انگیزه های حرکت های اجتماعی

بقیه در صفحه ۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بیام تاریخی و انقلابی تان را در جمع قضات که در شب هشتم ماه رمضان ایراد فرمودید، با گوش جان شنیدیم و آنرا بمناسبت اعتراضی دردناک و صادقانه نسبت به فرصتی طلایی که از کف انقلاب و به نفع دشمنان ما

بقیه در صفحه ۱۱



بیت المقدس درتهاجم امپریالیسم وصهیونیسیم

سالیان درازی است که قلب منطقه عربی، فلسطین، در معرض تجاوز حکومت دست نشانده و نژاد پرست اسرائیل است. طنین نام و یاد فلسطین، در کالبد دیگر حرکت های آزادیبخش منطقه، روح تازه ای میدهد، و هر یورش و تجاوز به این قلب پرتیش یورش و تجاوز همه خلق های بپا خاسته جهان است و چنین است که حیات این سرزمین با حیات تمامی حرکت های آزادیبخش منطقه و جهان پیوندی ناگسستی دارد. فلسطین، سرزمین جهاد و شهادت، خون و پیام صحنه مبارزه، دلاوری است، که سرزمینهایشان مورد تجاوز صهیونیسیم واقع شده است. این از جان گذشتگان، سالهاست که دریافته اند، تنها راه غلبه بر این دشمن جنایتکار،



آیا سرانجام دولت انقلابی و مکتبی خواهیم داشت؟

آیا دست درکاران تعیین و معرفی دولت موفق می شوند، دولتی انقلابی و مکتبی به مجلس معرفی کنند؟
مقدمات کار نشان می دهد که متاسفانه نه! زیرا هیچیک از جریان ها و جناح های موثر در تعیین و معرفی دولت دارای آن ویژگی های انقلابی و مکتبی نیستند که بتوانند برخلاف گذشته یک ترکیب انقلابی برای دولت تعیین نمایند. همه بدون استثنا از کسانی هستند که از ابتدای تشکیل شورای انقلاب و تعیین دولت موقت مسئولیت مستقیم در اداره امور کشور داشته اند. رئیس جمهور که یک

بای مهم در تعیین دولت است، خود از نخستین روزهای سقوط رژیم و بلافاصله بعد از بازگشت به ایران، از اعضای موثر و دارای مسئولیت اجرایی در شورای انقلاب بود. و بعداً هم وزیر خارجه و دارائی و بالاخره رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب شد.
بقیه اعضای شورای انقلاب چه آنان که عضو دولت لیبرال بودند، و چه بقیه یعنی اعضای روحانی شورا هم از ابتدا نتوانستند با دولت در اداره امور و قبول مسئولیتها مشارکت مستقیم داشته اند و هم اکنون جز ایندو جناح نیروی دیگری در تعیین دولت دخالت ندارند.
در جناح زبور کیفیت کار، بیش و طرفیت انقلابی و مکتبی خود را در تجربه یکسال و نیم گذشته نشان داده اند. بنابر این چه انتظاری هست که از این مجموعه فرزندی انقلابی و مکتبی زاده شود؟
چه یکی از دو جناح در تعیین ترکیب دولت بر دیگری پیروز شود و چه هر دو به توافق برسند (که شق اخیر بیشتر محتمل است)، حاصل کارشان چنانکه از هم اکنون پیداست، بهتر از حاصل کار قبلی شان نخواهد بود. این حرف را نه از روی بدبینی که بر مبنای واقعیت های انکارناپذیر می گوئیم، دولتی اینچنین، هرگز نمیتواند

آیا فقط لیبرالها مفسرانند؟

آیا این انتقادات نسبت به لیبرالیسم و جریان سازشکاری، از جانب کسانی که دست در دست دولتمردان بر کشور حکومت می کردند، نشانه یک تغییر کیفی در دیدگاهها و خط مشی آنان است؟

این روزها بازار حمنه به نیربانیسم و دولت موقت به گرم ترین نقطه خود رسیده است و گرماسنج حملات به آنان سرعت رو به بالا می رود. حتی کسانی که تا چندین پیش جرات یک انتقاد ساده به دولتمردان را نداشتند، و بعکس همجا از دولت و وزراء و شورا و اقدامات آنها دفاع می کردند، اکنون یکی یکی دهان باز کرده شدیدترین حملات را منوجه سازشکاران کرده اند. آن روزها که در برابر انحرافات و سازشکاریها یا خاموش بودند و یا در تأیید و تمجید آنها سابقه می دادند ما و اندک از



اگر چنانچه ما دولتمدانان سابق باشد، و آنطور وضع و آنطور دید را داشته باشد، ما باید عزای این نهضت را بگیریم و پیروزی ما امکان ندارد. لذا باید این اشتباهات سابق را جبران کنیم...

بر اساس این گفتار یک شیوه و یا معیار خوب قضاوت درباره دولت آینده آنست که اقدامات و سیاست های دولتهای قبلی را در نظر بگیریم، ببینیم کدام پیش و روش و سیاست در زمامداران ما تاکنون انقلاب را بحرمله بحرانی و بنیست فعلی رسانده است و دولت آینده باید دارای چه خصوصیات و بینش و چه برنامه و سیاستی باشد تا انقلاب را از بحران خطرناک کنونی نجات دهد و راه تداوم و پیروزی آنرا هموار سازد. امام خمینی در پیام خود به بسیاری از ضعفها و ریشه اشکالات و اشتباهات اشاره کردند. بگذارید عوامل اساسی شکست زمامداران و دولتمردان را که از ۲۲ بهمن تا تشکیل دولت جدید مسئول اداره مملکت بودند، بشرح زیر خلاصه کنیم:

۱) ترکیب غیرانقلابی و غیرمکتبی شورای انقلاب، اگر این تشخیص و ایراد در روزهای نخست تشکیل شورای انقلاب - که توسط ما عرضه شد - بر بسیاری دست در کاران امور گران آمد و آنرا مستمسک حمل و ابراز بدبینی قرار دادند. امروز مورد قبول همه، حتی بعضی اعضای شورا نیز می باشد. بنظر ما ریشه اصلی همه اشکالات بهمین ترکیب اولیه شورا برمی گردد. زیرا دولت موقت از درون شورا جوشید و تا حدود زیادی با آن شخصیت مشترک داشت و شورا براحتی آنرا تحمل می کرد. همانگونه که امام در یک سخنش ساده ارزیابی کردند، اعضای شورای انقلاب و مسئولین اولیه "یکدسته از مدرسه آمده و وارد کار شده بودند که تجربه انقلابی نداشتند و یکدسته هم از خارج آمده بودند که روح انقلابی نداشتند". دردناکانه باید گفت که این تشخیص و پی آمدهای یک چنین ترکیب را از پیش یادآور شدیم و هشدار دادیم، اما... و امروز که یک سال و نیم از آن یادآور می گذرد، و بعد از تحمل این همه مصیبت و ضایعه بهمان نقطه اول رسیده ایم. اشتباه نشود، انقلاب بهر حال با دشواری و ضایعات همراه است، اما وقتی می شود جلوی بعضی زیانها را گرفت و قابل پیش بینی است، در آنصورت غفلت از آن قابل قبول نمی باشد.
فقدان بینش انقلابی در اعضای شورا و دولت اجازه نداد تا درک درستی نسبت به ضرورت های انقلاب و مسایل آن داشته باشند. از ابتدا راه غلطی برگزیدند و تا آخر آنرا دنبال کردند.
ترکیب اعضای دولت و شورا هم انسجام و هماهنگی نداشت و لذا حتی اگر عناصری انقلابی هم در آن میان قرار می گرفتند، گاری از پیش نمی رفت و اختلاف نظر و سلیقه، شورا و دولت را فلج می کرد.

دیدار سفیر جمهوری عربی سوریه با دکتر پیمان و دیگر برادران در جنبش مسلمانان مبارز

برادر سفیر سوریه:
"انقلاب شما ثمره اجتهاد است، ما این انقلاب را، انقلاب در اسلام می دانیم."
روز سه شنبه ۳۱ خرداد ساعت ۱/۵ بعد از ظهر آقای ابراهیم یونس سفیر جمهوری عربی سوریه به اتفاق آقای شیخ مصطفی رهنما، طبق قرار قبلی، برای یک دیدار و گفتگوی برادرانه با دکتر پیمان و دیگر برادران، در جنبش مسلمانان مبارز حضور یافتند.
در این گفتگو، که یک ساعت و نیم طول کشید، علاوه بر دکتر پیمان، برادر دکتر افتخار نیز شرکت داشت. صحبتها بقیه در صفحه ۸

باتصفیه شده ها چه باید کرد؟

یکی از آثار پیام های اخیر امام سرعت بخشیدن به کار پاکسازی ادارات و موسسات دولتی و ارتش و نیروهای انتظامی بود، کشف توطئه کودتا هم بر اهمیت ابتکار افزود و مردم را متوجه خطر نیروهای ضد - انقلاب نمود. معلوم شد، آزاد کردن ساواکیها و عفو عمومی ضدانقلاب و سیاست غیرانقلابی سازشکارانه دولت و دادگاههای انقلاب تا چه پایه می توانست مصیبت بار باشد. اکنون در غالب موسسات فعالیت فوق العاده ای در بازرسی مجدد پرونده ها جریان دارد و تصفیه با سرعت ادامه دارد. آنچه تاکنون میتوان گفت در مجموع کینه های پاکسازی و انجمن ها بدرستی عمل کرده اند. البته نمی توان احتمال خطاها و بیعدالتیها را کلاً نادیده گرفت. در همین زمینه دوستی معتقد بود، از آنجا که عناصر فرصت طلب بسیاری در کمیته ها و انجمن های اسلامی راه یافتند، لذا نباید بدرستی کار انجمن ها در امر پاکسازی کلاً اعتقاد کرد. مسلماً فرصت طلبان مزبور که نه بینش انقلابی دارند، و نه تقوی و انگیزه خدایی، یا از روی ندانم کاری و بینش نادرست و یا غرض ورزی بمنظور تصفیه حسابهای خصوصی، سعی خواهند کرد کار تصفیه را از مسیر عدالت و مصلحت انقلاب خارج سازند. بقیه در صفحه ۹

مقوله های اساسی مکتب

درک و شناخته نمی شود. در مرحله اول چنانکه می دانیم، تنها ظواهر محسوس مثل رنگ، شکل و اندازه، دریافت می شوند. تجربیات و مشاهدات بعدی خصوصیات تازه ای را مکشوف می سازند. مثلاً حرکت شیره گیاهی درون لوله ها و یا گردش خون در رگها، ضربان نبض، هیچیک در نگاه اول چشم نمی آید. اگر از شخصی که شیئی یا امری را در یک تجربه سطحی شناخته بخواهید تا آنرا تعریف کند، تصویری که ارائه می دهد اگر با همان ظواهر محسوس و واقعی پدیده مطابقت داشت، می گوئیم تصویر حقیقی است، یا تعریف آن شخص در باره آن پدیده حقیقت دارد. حال شخص دیگر که آن شیئی را با دقت بیشتری مطالعه و چندین بار روی آن تجربه انجام داده است، درباره اش برای ما تعریف می کند، مسلماً شخص اخیر خصوصیات بیشتری از شیئی ارائه می دهد. در این مورد هم اگر تعاریف وی با واقعیت های مربوط به آن شیئی مطابقت داشت، می گوئیم تصویر وی نیز حقیقی است. بطور مثال شخص اول شیئی را که درختی بوده است، در شکل و رنگ و اندازه تعریف می کند، با واقع مطابقت میدهم، می بینیم درست است، می گوئیم شناخت تو حقیقی بود. شخص دوم، ساختمان ساقه و برگ و وضع ریشه های آنرا

حقیقت

حقیقت عبارتست از برداشت و درک و شناخت ما از واقعیت. انسان هرگز امر واقعی را همانگونه که هست نمی شناسد. علاوه بر اینکه قادر به درک واقعیت وجود نیستیم، شناخت پدیده ها یا مظاهر وجود هم امری نسبی است. وجود امری است واقعی که مطلق است و وحد و مرزی ندارد و محدود به زمان و مکان نیست. بدلیل همین خصوصیتها در ذهن ما نمی گنجد. ما فقط قادر به شناخت امری هستیم که در زمان و مکان محدوداند. از این روشناسایی

در چه حقیقی بودن شناخت با افزایش معلومات ما درباره امر واقع بالاتر می رود، پس حقیقت در رابطه با واقعیت، امری نسبی است، یعنی با عمیق تر شدن شناخت، کامل تر می شود.

ما به نمودها یا پدیده ها که صرفاً مظاهری از وجود مطلق اند، تعلق می گیریم. درک ما از این مظاهر نیز نسبی است. یعنی در یک نگاه و یک تجربه همه خصوصیات یک پدیده

بقیه از صفحه ۱

معیار انتخاب دولت

۲) شورا و دولت انقلاب برنامه‌های مرحله‌ای برای اداره مملکت و رهبری انقلاب نداشتند، و از ابتدا به دنباله‌روی از حوادث، خرده‌کاری، سرهم‌بندی و اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات روزمره و موضعی دچار شدند و این حالت بدترین وضعیت برای رهبری یک انقلاب است. در نتیجه بجای آنکه آنان حوادث را هدایت کنند، خود به دنبال ماجراها و امواج کشیده شدند. مسایل اساسی از ابتدا نادیده گرفته شد و راه حلی اساسی برای آنان اتخاذ نگردید. در هیچیک از زمینه‌های اقتصادی (صنعت، کشاورزی، پول و بانکداری)، اداری، نظامی، ملیت‌ها، سیاست خارجی و... شورا و دولت به تدوین و اعلام یک سیاست روشن و برنامه مشخص و قاطع تا با امروز دست نزده و موفق نبوده است، حتی بعضی با همه ادعاهائی که در زمینه امور اقتصادی و داشتن راه - حل‌های معجزه‌آسای انقلابی داشتند و در این باره مرتب داد سخن می‌دادند و خلق‌الله را با وعده، مشغول و مجذوب می‌نمودند، حتی یک طرح اساسی و انقلابی عرضه نکردند، تصمیماتی که در زمینه صنایع، بانکها، کشاورزی و تقسیم اراضی و غیره اتخاذ شد، خیلی دیر و بیشتر تحت فشار خارج از شورا بود تا اینکه با طرح‌های مطالعه شده قبلی درون دولت و شورا، در موردی هم که طرح‌هایی توسط دولت و یکی دیگر از اقتصاددانان شورا، بطور جداگانه در مورد بانکها تهیه گردید، هیچیک روح انقلابی نداشت و شامل ملی کردن هم نمی‌گردید، و در جلسه شورا و ضمن بحث و گفتگو بود که روی اصرار بعضی وجود خواست عمومی، اصل ملی کردن تصویب شد و طرح پیشنهادی اصلاح گردید. بی‌برنامگی شورا و دولت تا امروز موجب شده است مسائل اساسی کشور لاینحل بماند و هر روز پیچیده‌تر گردد. چه کسی میتواند مسئولیت شورا و دولت را در بحران اقتصادی فعلی و افزایش روز در تورم و بیگاری نادیده بگیرد؟ غلط است اگر همه را به محاصره اقتصادی دشمن و به خرابکاری ضدانقلاب نسبت دهیم. آنان کار خود را می‌کنند، شما چه برنامه‌ای و راه حلی داشته‌اید؟ در مورد صنعت، یک طرح انقلابی به تصویب نرسانید، حتی صنایع ملی شده بحال خود رها شدند و تعطیل کارخانجات ادامه یافت. تورم و گرانی تنها مربوط به کمبود کالا و عرضه نیست. نابسامانی وضع بازار، تجارت و توزیع عامل مهمی است که ضعف دولت و نداشتن طرحی انقلابی برای اداره تجارت و توزیع و کنترل بازار و کوتاه کردن دست دزدان سرمایه‌دار آنرا بوجود آورده است.

دولت و شورا فاقد برنامه، ترکیب و تجربه انقلابی

۳) وقتی دولتی بینش و روح و تجربه انقلابی نداشت، و فاقد برنامه و دستور کار هم بود، مسلماً از قاطعیت هم بی‌بهره خواهد بود. قاطعیت در اداره مملکت دو شرط دارد. هم داشتن روح و تجربه انقلابی و هم داشتن برنامه. دولت غیرانقلابی همان اتومبیل نازک نارنجی است که در برخورد با اولین مانع و افتادن در دست‌اندازی کوچک در هم می‌شکند و متوقف می‌شود. همیشه باید هلش داد. در برابر دشمن ضعیف است و بجای مبارزه، راه مباحثات و سازشکاری پیش می‌گیرد. با ضد انقلاب مباحثات می‌کند، با

ملیت‌ها، در برابر توطئه‌های ضدانقلاب، بحرانهای کارخانجات، بحرانهای سیاسی در شهرها، در برخورد با گروه‌های سیاسی و تحریکات ضدانقلابی، در امر تصفیه ادارات و ارتش، در امر دادگاهها و محاکمات خائنانه، در سیاست خارجی، در هر موردی غالباً با ضعف، سستی، انفعال

حال اضطرار، استفاده از نیروهای جوان متعهد انقلاب برای اداره موسسات و ادارات و صنایع و نهادهای جدید انقلابی. دوم - آنکه به سیستم موجود اداری و استفاده از همان گادرها و کارکنان قدیمی که در رژیم گذشته مسئولیت داشتند.

برنامه دولت می‌باید بر اصول و ضوابط زیر استوار باشد:

- ۱ - کشور را به کمک نیروهای جوان و متعهد اداره کند.
- ۲ - از کلیه سرمایه‌داران وابسته خلعید کند.
- ۳ - تجارت خارجی ملی و امر تجارت و توزیع داخلی به نهاد انقلابی تازه‌ای سپرده شود.
- ۴ - تصفیه و تغییر بنیادی ادارات و ارتش بوسیله شوراهای انقلابی
- ۵ - نهادهای انقلابی پیشین مثل سپاه پاسداران و جهاد و کمیته‌ها تقویت و از عناصر فرصت‌طلب بکلی پاکسازی شوند.
- ۶ - وسایل کشاورزی، جاده‌سازی و... همراه با تعمیرگاهها و کارگاههای یدک‌سازی از کشورهای صنعتی در ازا نفی یا به نقد خریداری و...
- ۷ - سیاست خارجی باید بر اساس حمایت جدی و عملی از جنبشهای آزادیبخش و مبارزه جهانی علیه امپریالیسم و ایجاد زمینه وحدت با ملل آزاد شده استوار باشد.

و محافظه‌کاری برخورد نمودند. بعضی نه شعار دادند و نه عمل انقلابی انجام دادند. همانقدر که میتوانستند و میخواهند بکنند، ادعا می‌کردند - نمونه آن رئیس دولت موقت - اما بعضی مدعی انقلابی بودن بودند، شعارش را می‌دادند، خیلی هم حرف می‌زدند و مدعی بودند اما در عمل اقدامی انقلابی انجام ندادند: حرف و ادعا بر پایه جلب و جذب عوام الناس بود و افزایش آرا و موفق هم شدند. به قول مرحوم میرزا آقاسی اگر این ادعاها و حرف زدن‌ها برای مردم آبی از چاه بیلا نیارود، برای آنان نان قدرت و مقام در تنور سیاسی پزند.

فقدان قاطعیت انقلابی در روش کار دولت و شورا سبب شد، اغتشاشات داخلی به جنگهای تحلیل برنده بیانجامد. تضادهای درونی جامعه شدت پیدا کند، دادگاههای انقلاب راه مسامحه پیش گیرند و مجرمین و مفسدین را دست‌دسته آزاد کنند، به اصرار فرمان عفو از امام بگیرند و ساوکیها و ضدانقلابیون را برای توطئه رها کنند، فتودالها و سرمایه‌داران و وابستگان به رژیم که ابتدا ترسیده و مرعوب بودند، با وقاحت و آزادی عمل بازگردند و مورد حمایت قرار گیرند و در دولت نفوذ کنند و حتی طلبکار هم شوند. فرصت‌طلبان از همین روحیه و بینش حاکم استفاده کرده، کارها را در بسیاری جاها بدست گرفتند.

زامداران و توده‌های میلیونی

۴) زامداران و دولت‌مردان به مردم انکاء نگردند، یکی از بزرگترین ویژگیهای انقلاب ایران پایگاه وسیع مردمی آن است. مشارکت توده در امر انقلاب بی‌سابقه و بی‌نظیر بود. انقلاب فاقد تشکیلات سیاسی پیشتر بود، لذا تنها نقطه انکاء آن

فقدان بینش انقلابی در اعضای شورا و دولت اجازه نداد تا درک درستی نسبت به ضرورت‌های انقلاب و مسایل آن داشته باشند از ابتدا راه غلطی برگزیدند و تا آخر آنرا دنبال کردند.

توده‌ها بودند. شورای انقلاب و دولت برای اداره مملکت و هدایت انقلاب دو راه داشتند: اول - استفاده از توده‌های درحال بسیج برای مقابله با دشمنان انقلاب و خنثی کردن توطئه‌ها و کنترل کشور و نیز بازسازی اقتصاد، صنعت و کشاورزی در

بحال خود رها کرده، غالباً در برابر خواست مردم و نیروهای انقلابی و کارگران و دهقانان، از ایشان حمایت نمودند. دادگاهها سرمایه‌داران را که بیشترین خدمت را به رژیم پهلوی انجام داده و بزرگترین ضربه را به حیات و استقلال اقتصادی کشور وارد کرده بودند و عامل و دلال استعمارگران و شرکت‌های بین‌المللی و متشابه انواع مفاسد اخلاقی و جنایت‌ها و خیانت‌ها بوده و هستند، و از راه غارت اموال ملت و صنایع کشور و استثمار زحمتکشان به میلیاردها ثروت دست پیدا کرده‌اند، به محاکمه نگذاشتند و به مجازات نرساندند. آیا نیابت در دادگاههای انقلاب، زمین‌خواران، بورس‌بازان، بانکداران، رباخوار، محترکین، دلالان کمپانیهای بین‌المللی و تجار و شرکت‌های واردکننده‌ای که از راه‌های نامشروع، حساب‌سازی، معافیت‌ها و افزایش مصنوعی قیمت، و بالا بردن هزینه خرید و صدها حق‌بازی جیب مردم را خالی می‌کردند، محاکمه شوند؟ آیا جز این است که تا این لحظه دولت از مجازات محترکین و تجار دزد و متجاوز و فتودالها و خوانین خودداری کرده‌است و اگر افرادی از سپاه پاسداران یا جهاد سازندگی دست به تقسیم‌رأفی و مصادره اموال سرمایه‌داران و رباخواران می‌زنند یا فتودالها و خوانین را سرکوب می‌نمایند، بسختی مورد اعتراض دولت قرار می‌گیرند و بدخالت‌های غیرقانونی متهم می‌گردند؟ آیا اگر دولت خود به انجام این اقدامات ضروری دست می‌زد، باز هم جوانان متعهد و انقلابی ما پیشقدم می‌شدند؟ هرچه صبر کردند، جز مباحثات و سازشکاری با سرمایه‌دار و خان و فتودال و ساوکی، از دولت‌مردان ندیدند. سیاست وزارت کار و مقامات دولتی و مدیران یا کارگران چگونه بوده است. غالباً به فعالیت‌های شوراها دیده سوءنظن نگاه کرده، از سرمایه‌دار، کارفرما، حمایت کرده‌اند و با اینکار زمینه را جهت فعالیت‌های تخریبی و ضدانقلابی بعضی گروه‌ها و عناصر در کارخانجات مساعد کردند.

۶) شورا و دولت امر مبارزه با امریک را به جد نگرفتند و طرحی در این مورد ارائه نداده به شعار دادن و حرف زدن بسنده نمودند، تا اشغال لانه جاسوسی که دولت بسرعت در راه سازش پیش می‌رفت، بعد از آن هم، به تبعیت لفظی به ملت و امام انکفاء کرده، بازمه پایگاهها و منافع امپریالیست‌ها را مورد تهاجم قرار



ندادند. اشغال سفارت و بازداشت جاسوسان و محکوم و در راه افشای اسناد اشکالتراشی کردند و عمل دانشجویان را تخطئه و صحت اسناد را منکر شدند. شیوه کار دولت و شورا در این زمینه بصورتی بوده که اهمیت مبارزه با امریکا تاحدودی نزد توده‌ها لوٹ گردید، بطوریکه کم نیستند کسانی که هم‌اکنون با نظر دولت‌مردان و لیبرالها همراه‌اند که گروگان‌گیری درست نبوده و معتقدند هرچه زودتر امریکائیا باید آزاد شوند.

۷) سیاست کلی دولت‌مردان تاکیذ بر روی رفاه بجای استقلال و استفاده از امکانات خارجی بجای قدرتها و امکانات مردمی در حل مشکلات اقتصادی بوده است. برطبق این سیاست بطور کلی مشکلات اقتصادی ما مربوط به بحران روابط با امریکا و اروپاست و گروه‌هایی یکی از موانع راه‌حل بحران‌اند و حل مسأله بیگاری، تورم، مشکل صنایع و نظایر آن منوط به موافقت دول امریکایی و اروپایی به ارسال قطعات یدک، مواد خام و اعزام کمپانیها برای ایجاد کار و آزاد کردن پولهای ایران و... می‌باشد. پس سیاست دولت بر این بوده که بهرنحوه شده با امریکا و اروپا به توافق برسند، در صورتیکه این راه متضمن

شورا و دولت راه دوم را انتخاب کردند، مردم را به گاری نگرفتند جز آنکه از آنان تأکید بخواهند. نهادهائی چون سپاه پاسداران و کمیته‌ها را هم آنان بوجود نیاوردند و اگر دست دولت‌مردان بود، ایجاد نمی‌کردند چنانکه در تضعیف آنها سخت کوشیدند. دولت ارتش را مینا قرار داد و به ادارات تکیه کرد و لذا با امر تصفیه مخالفت ورزید و نظام اداری و ارتشی را تغییر نداد. با فعالیت‌های جهاد سازندگی مخالفت ورزیدند، که هنوز هم سیاست دولت آنستکه این نهادها را در شکم نظام اداری کهنه ادغام نماید.

سیاست حاکم در اینمدت بطور غالب در جهت بیرون راندن مردم از صحنه بوده است. ندانن کار و مسئولیت به مردم و مخالفت دولت با شوراها مبین این سیاست است. جوانان متعهد و انقلابی بی‌آزاری گرفته نشدند، وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها، موسسات را همه گادریهای قدیمی و حتی ساواکی و همکار رژیم و یا بقول امام خمینی تازه‌رسیده‌های از اروپا و امریکا و ناآگاه به مسائل ایران و یا فاقد روحیه انقلابی و بخصوص بیشتر توسط افراد فرصت‌طلب، اشغال شدند.

عدم برخورد انقلابی با پایگاه‌های امپریالیسم

۵) در امر مبارزه با سرمایه‌داری وابسته و مالکیت‌های ارضی و فتودالها، که هر کدام بنحوی پایگاه و تکیه‌گاهی برای امریکا و ضدانقلاب محسوب می‌شوند، بجای اتخاذ یک سیاست انقلابی به نفع توده‌های مستضعف و مصادره اموال و دارائی شرکتها و وابستگان به استعمار و سرمایه‌داران مفسد، و تبدیل آن به سرمایه و ابزار گاربرای بیگاران و دهقانان و کارگران و ایجاد فرصتهای تازه کار و اشتغال، آنانرا

نفی استقلال اقتصادی و تثبیت وابستگی می‌باشد. در برابر، خواست واقعی مردم و امام و نیروهای انقلابی آن بوده است که بجای چشم دوختن به کمکهای امریکا و اروپا، نیروهای مردم بسیج شوند و در صنعت و کشاورزی و جاده‌سازی و در دفاع بکار مشغول شوند. پول نفت بجای ذخیره شدن صرف خرید وسایل کشاورزی، جاده‌سازی و توسعه صنایع محلی گردد. بهرحال شعار انقلاب این است که: استقلال بالاتر از رفاه است.

چه باید کرد؟

مردم قهرمان ایران و رهبر انقلاب بعد از تجربه تلخ و عبرت‌آمیز یکسال و نیم گذشته برای رهایی از بن‌بستها، بحرانها، و حرکت دادن به چرخ‌های انقلاب، دولتی می‌خواهند جوان، انقلابی و مکتبی. این سه خصلت فی‌نفسه کافی است تا چنین دولتی برخلاف گذشته راهها و سیاست‌های نوینی پیش گیرد. ضرورت‌های اساسی و مصالح حیاتی انقلاب ایجاب می‌کند که دولت جدید برآستی دارای خصوصیات

یادشده باشد، یعنی: اولاً از بینش مکتبی، برخوردار و به روحیه انقلابی و قاطعیت در روش مجهز باشد. ثانیاً تجربه مبارزه و کار در میان مردم داشته، با مسایل جامعه از نزدیک آشنا باشد. برنامه‌های چنین دولتی می‌باید بر اصول و ضوابط زیر استوار باشد: ۱ - کشور را به کمک نیروهای جوان و متعهد اداره کند. دولت جدید اگر بخواهد وزرا و همکاران خود را باز هم از میان رجال و شخصیت‌ها انتخاب کند، شکست خواهد خورد و ترکیبی انقلابی نخواهد داشت. به اعتقاد ما وزراتخانه‌ها را باید به شوراهایی از جوانان مومن و در خط انقلاب سپرد. در راس نهادها و در سفارتخانه‌ها از این جوانان گمارد. اگر یک هدایت و راهنمایی قوی و مکتبی و پی‌گیر از جانب دولت بعمل آید، جوانان ما بخوبی از پس مشکلات برمی‌آیند. اشتباهات احتمالی در برابر ضرورت اجتناب‌ناپذیر اینکار قابل گذشت اند. ۲ - از کلیه سرمایه‌داران وابسته در صنایع خلع‌ید کند و اداره کل صنایع را به نهاد انقلابی تازه‌ای نظیر جهاد مشکل از جوانان متعهد و دانشجویان رشته‌های فنی بسپارد تا به کمک کارگران، متخصصین فن به بازسازی صنایع و قطع وابستگی بپردازند.

۳ - تجارت خارجی ملی و امر تجارت و توزیع داخلی به نهاد انقلابی تازه‌ای سپرده شود. اداره این نهاد نیز به جوانان متعهد واگذار گردد. به این وسیله دست تجار، محترکین و واسطه‌ها از تجارت و توزیع بکلی قطع شود. اموال سرمایه‌داران و تجار محترک و متجاوز، به نفع مردم ضبط شود.

۴ - تصفیه و تغییر بنیاد ادارات و ارتش بوسیله شوراهای انقلابی پاکسازی ادامه یابد و حجم سیستم اداری بکلی کوچک و عمده کارها به دست شوراهای محلی و ناحیه‌ای واگذار شود و وظیفه موسسات دولتی به برنامه‌ریزی، نظارت و راهنمایی محدود گردد.

۵ - نهادهای انقلابی پیشین مثل سپاه پاسداران و جهاد و کمیته‌ها تقویت و از عناصر فرصت‌طلب بکلی پاکسازی شوند و امر اصلاحات ارضی و کمک به دهقانان و اجرای طرح‌های عمران روستایی به این نهاد سپرده شود تا با همکاری شوراهای دهقانی امور فوق را اداره کنند.

۶ - وسایل کشاورزی، جاده‌سازی همراه با تعمیرگاهها و کارگاههای یدک‌سازی از کشورهای صنعتی در ازا نفی یا با پول نقد خریداری و امکانات کاربرای بیگاران و کارکنان زائد ادارات فراهم شود.

بهرتر است ماشین‌آلات مزبور در درجه اول از ممالک صنعتی غیروابسته نظیر هند و الجزایر و در درجه بعد از ممالک سوسیالیستی اروپایی خریداری شود. در همین زمینه باید صنایع دستی و روستایی مورد حمایت جدی دولت قرار گرفته، توسعه یابد. کمک فنی و جنسی به کشاورزان همراه با اجرای کامل طرح تقسیم اراضی و خلع ید از مالکان و فتودالها و حمایت از دامپروری بومی به رهایی کشور از بقیه درصفا ۱۲

امت

آیات همت و افترا به جنبش مسلمانان مبارز - بسود انقلاب و اسلام است؟

از مدتها قبل در گوشه و کنار، بعضی کویندگان در هر فرصت در جمع مردم و جوانان، بر منبر یا پشت میز خطابه، از رادیو یا در محافل خصوصی، با اشاره به جنبش مسلمانان مبارز و مبانی و مواضع فکری و سیاسی آن، ما را به نفاق و ضدیت با امام و انقلاب و یا داشتن افکار کمونیستی التقاتلی و نظایر آن متهم می کنند و حتی بعضی این طور تلقین می کنند که این افراد از کمونیستها و دیگر منافقان هم خطرناکتر اند و با اصرار از مردم می خواهند تا از مطالعه امت یا دیگر نشریات جنبش اجتناب ورزند.

از آنجا که در خط مشی جنبش، وارد شدن در کشمکشهای غیراصولی و برداختن به اختلافات و تضادهایی که ما را از هدف اصلی باز می دارد، مردود است و از آنجا که فکر می کردیم بهترین پاسخ به اتهامات وارده، عملکرد و سیاستهای صریح و روشن ما در برابر انقلاب و نیز نقطه نظرهای مکتبی است که در جزوات و یا در امت درج می شود. لذا تاکنون سکوت در برابر این حملات را بیشتر به مصلحت انقلاب تشخیص دادیم.

بعلاوه ناچندی پیش که خطوط سیاسی مختلف از هم تفکیک نشده و برای مردم تمایز و اختلاف خط امام از سایر خطوط انحرافی درون جبهه مردم، روشن نشده بود، به منتقدین که با یک برخورد سطحی و قالی به مواضع جنبش نگاه می کردند، می شد حق داد که وقتی در یکطرف می بینند ما از رهبری انقلاب حمایت می کنیم و از طرف دیگر از مسئولین در دولت انتقاد می کنیم - در صداقت ما تردید کنند و شاید در اندیشه گروهی، وفاداری به انقلاب و قبول رهبری امام خمینی، مستلزم آن بود که در برابر انحرافات، خطاهای، ندانم کاریها، ضعف و نارسائیهای زمامداران و دولت مردان سکوت کرده و همه را درست تأیید می کردیم. در صورتیکه ما از همان روزهای نخست این حقیقت را دریافتیم که بین سیاست و روش امام خمینی و دولت منصوب ایشان تفاوتی چشمگیر وجود دارد و انتصاب آنان از جانب امام، به این معنا نیست که

نباید اشتباهاتشان را گوشزد کرد و انحرافاتشان را افشانود، بلکه معتقد بودیم ما در برابر دو وظیفه قرار داریم: اول - دفاع از انقلاب و جلوگیری از تضعیف آن و رهبری در برابر دشمن، دوم انتقاد سالم و سازنده از دولت و مسئولان و دادن پیشنهاد و همکاری و مشارکت عملی در برنامه هایی که بسود انقلاب و در جهت مکتب است.

جریان فکری ارتجاعی که از اسلام سرمایه داران، مالکان و از تشیع صفوی دفاع می کند، نمی تواند وجود یک جریان اصیل اسلامی را تحمل کند.

بعضی ساده اندیشان یا کسانی که مسائل را از سطح و از روی شکل و ظاهر قضاوت می کنند، این روش ما را دلیل نفاق گرفتند، و انتقاد از دولت را محکوم ساختند. البته این اشخاص امروز باید به خطای خود بی پرده باشند و به صحت روش جنبش و تشخیص و قضاوت آن درباره زمامداران ایمان آورده باشند. لذا می گوئیم اگر این اشخاص در آن روزها به خود حق میدادند ما را مخالف خون و منافق قلمداد کنند، امروز که تجربیات همه گواه بر صحت و حقانیت مواضع جنبش مسلمانان مبارز است، چرا دست از بدگویی و حمله به جنبش بر نمی دارند.

ما در معرفی نقطه نظرهای سیاسی خود نسبت به انقلاب اسلامی ایران، رهبری انقلاب امام خمینی و خطوط اصیل و غیراصیل دشمنان و دوستان انقلاب و حتی نسبت به گروهها و سازمانهای عمده و جریانهای مختلف فکری و سیاسی از هیچ کوششی خودداری نکرده با صراحت و روشنی تمام آنچه را برحق و مکتبی تشخیص دادیم، بیان و تشریح نمودیم. از این

لحاظ جای هیچ نوع ابهام و تردیدی باقی نمانده است.

جای تأسف است که هنوز بعضی اشخاص بدون آگاهی درست از مواضع و عملکرد جنبش به پیشداوریهای غلط خود "وابسته مانده" هم چنان درباره ما بر خلاف حق و عدل سخن می گویند.

البته در اینجا روی سخن ما با آندسته از مخالفان جنبش مسلمانان مبارز نیست که بخاطر منافع مادی، دفاع از سرمایه و زمین و موقعیت اقتصادی ناروای خویش یا بخاطر حفظ و دفاع از موقعیتهای سیاسی و اجتماعی و فکری باطل و ناروای خود، آگاهانه و کینه توزانه ما را مورد انواع حملات و اتهامات قرار می دهند. ما میدانیم که در میان سرمایه داران وابسته و مالکین و فئودالها و خوانین، در میان سازشکاران و واپسگرایان وابسته، در میان فرصت طلبان و منافقان، دشمن زیاد داریم و از این افراد هرگز انتظار نداریم بر سر انصاف و عدل سخن بگویند و قضاوت کنند. این افراد با آگاهی کامل از مواضع برحق و مکتبی جنبش، علیه آن داد سخن می گویند و تحریک می نمایند و افشاکاری چاپ و پخش می کنند. بلکه روی سخن ما با آندسته از کویندگان جوانان و مردمی است که در تصوراتشان جنبش یک سازمان منحرف از مکتب و یا منافق و برضد انقلاب و رهبری آن امام خمینی است. ما از این افراد که به انگیزه علاقمندی به انقلاب و اسلام، علیه جنبش تحریک و اغوا می شوند سوال می کنیم آیا هرگز مستقیماً و خالی از تعصب و پیشداوری سعی کرده اند، شناختی حقیقی از اصول فکری و سیاسی جنبش بدست آورند؟ آیا میدانند که جنبش مسلمانان مبارز در میان گروهها و سازمانها اولین گروهی بود که از خط انقلابی امام خمینی علیه رژیم در برابر خطوط سازشکارانه دفاع کرد، و بعد از آن تا امروز صمیمانه و صادقانه روی مصالح انقلاب و مکتب و ویژگیهای اساسی خط امام پای فشرده و دفاع کرده است؟ آیا جنبش مسلمانان مبارز و نشریه امت از اولین جریانهای و نشریات نبودند که خطوط

انحرافی در انقلاب را در دولت و خارج از آن افشا کردند؟ مگر نه آنستکه ما جدا از هر نوع مصلحتگرایی غیراصولی و صرفاً به خاطر مصلحت مکتب و انقلاب، هر نوع اتهام و ناسزا از چپ و راست را بجان خریدیم و حاضر نشدیم حقیقت را حتی یک لحظه فدای مصلحتهای شخصی یا گروهی بکنیم؟

ابتدا چه کسانی جز سرمایه داران وابسته، سازشکاران و عناصر فرصت طلب ما را به کمونیست و منافق بودن متهم کردند؟ و سپس بسیاری از افراد ساده بدون توجه به منبع و ریشه این حملات و بدون آشنایی نزدیک و مستقیم با ماهیت جنبش - مسلمانان مبارز این اتهامات را تکرار کردند؟ کسانی که اصول فکری جنبش را منحرف از اسلام و التقاتلی معرفی می کنند، چه اندازه از مواضع فکری جنبش اطلاع دارند؟ این افراد ممکن است دو دسته باشند:

دستهای فقط شنیدهها را تکرار می کنند که اکثریت با این گروه است. افراد ساده و بی اطلاعی که خود امکان مطالعه و شناخت این مواضع را ندارند و تحت تاثیر جو ضدگروهي و تبلیغات و تلقیناتی که در این زمینه علیه ما انجام گرفته است، طرز فکر جنبش را التقاتلی خطاب می کنند.

دسته دوم، مدعود کسانی هستند که با برداشتی بسیار سطحی از نوشتهها دارند، و با مشاهده بعضی اصطلاحات و کلیات و عبارات و یا شواهد و قرائن تاریخی و اجتماعی مورد استناد، با روش قیاسی به قضاوت و تشخیص غلط رسیده اند و یا آنکه تنها قسمتی از یک نوشته یا اجزای پراکنده و ناصبی از نوشتهها را مطالعه کرده اند. و چون همه نوشتهها را در ذهن ندارند، نتوانستند به قضاوت درستی درباره

مواضع مکتبی جنبش دست بیاورند. در اینجا از کسانی که از روی غرض و بخاطر ضدیت و مخالفتی که جنبش با منافع طبقاتی، موقعیتهای سیاسی ناروای آنان دارد و منافع و امتیازات و یا قیافه های ظاهرالصلاح خود را در خطر می بینند و لذا هر اتهامی از جمله التقاتلی و منحرف بودن را علیه جنبش تبلیغ می کنند، کار نداریم. تکلیف آنان روشن است "و سوا علیهم انذرتمهم ام لم تنذرهم لایؤمنون" برای آنان فرقی نمی کند که از حقیقت آگاه شوند یا بی اطلاع بمانند، در هر حال به حق ایمان نمی آورند، زیرا پای بند منافع و علائق شخصی خویشاند.

بعضی منتقدین و خردمگیران با دیدن کلماتی چون طبقات، تضاد، استثمار، استثمار، برده داری و نظایر آن در کتابها و نوشتهها و یا استنادی که به بعضی مراحل تاریخی یا نظامات اجتماعی شده است از روی قیاس فوراً "آنها مارکسیستی خوانده اند" این نوع قضاوت سطحی ترین و غیرمنطقی - ترین شکل داوری است. نظام برده داری یک واقعیت تاریخی است که به اشکال و درجات مختلف در بسیاری جوامع در گذشته برقرار بوده است. قبول واقعیت رابطهای بنام رابطه بین برده و برده دار، از جانب افراد و جریانهای مختلف فکری دلیل تشابه تحلیلها و دیدگاههای آنان نیست. باید دید هر کدام درباره علل پیدایش و انگیزه ها و زیربنای یک جنبش رابطهای چگونه نظر می دهند و تحلیل می کنند. بنابراین اینگونه اشخاص بجای

آیا سرانجام دولت انقلابی و مکتبی ...

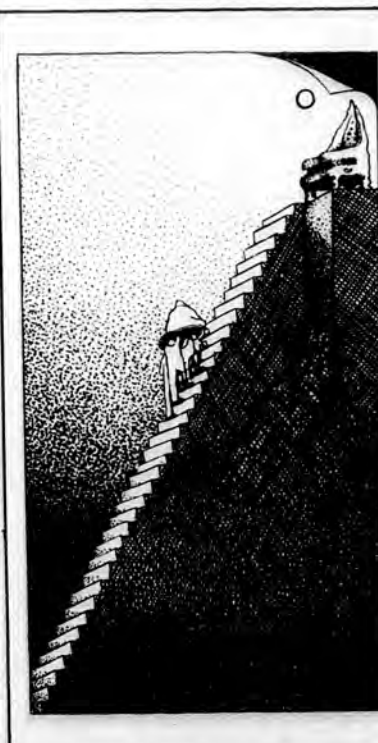
بقیه از صفحه ۱

جزم کرا که تحولی انقلابی نتوانند انجام داد، کابینه ای تشکیل می شود. مگر آنکه کار را بدست جوانان متعهد و وفادار به انقلاب بسپارند، که جرات و شهامت این اقدام را در مردان حکومت و دولت فعلی نمی شود یافت.

اگر تمایلات و ملاحظات جناحهای دوگانه هیئت حاکمه اجازه ندهد تا دولتی با ترکیب انقلابی - مکتبی تعیین و معرفی گردد - بر مجلس است که بی اعتنا به تمایلات و ملاحظات مزبور، خواست ملت و دستور امام را برای داشتن یک دولت انقلابی جامه عمل بپوشاند. مجلس جایی است که قاعدتاً نمایندگان مردم حضور دارند. مجلس باید تبلور اراده و خواست ملت باشد. بنابراین رابطه صحیح بین قوه مجریه و قوه مقننه اینست که قوه مجریه تابع اراده ملت باشد. امروز اراده ملت که در پیام امام تبلور یافت، خواهان یک دولت قوی و قاطع و انقلابی و مکتبی است. هر دولت دیگری که فاقد این خصوصیات باشد، قادر به هدایت انقلاب در خط صحیح نخواهد بود.

شاید برای مجلس تصمیم گیری مستقل از خواست و تمایل رئیس جمهور و جناح مقابل آن دشوار باشد، ولی نیروهای متعهد و انقلابی و پیروان واقعی خط امام نمی بایست تسلیم این نوع تمایلات بشوند و از خواست خود، بر داشتن یک دولت انقلابی و مکتبی عدول نمایند.

البته قضاوت قطعی درباره دولت پیشنهادی را باید بوقتی موکول کرد که برنامه ها و اصول کار و خط مشی آن در قبال مسایل اساسی انقلاب اعلام می شود. اما ترکیب احتمالی کابینه که از هم اکنون بر سر زبانهاست با ترکیب دولت های گذشته تفاوت مهمی ندارد. غالباً افرادی با همان بینشها و روحیه های وزراء و دولتمردان سابق اند. اصرار رئیس جمهور به معرفی یک دولت



خواستهای انقلابی و مکتبی ملت شهیدپرور ایران را برآورده سازد، نمی توانست پاسخگوی مشکلات و بحرانهای رو به رشد کنونی در مسیر رشد انقلاب باشد. چنین دولتی با آنچه توده های انقلابی امت و برادران و خواهران متعهد ما در سراسر ایران می خواهند تفاوت آشکار دارد. جوانان مسلمان و متعهد که خود را در خط انقلاب می یابند، چه آنان که در سپاه برای دفاع از انقلاب جانشان را فدا می کنند و رو در روی فئودالها و خوانین و مالکان و سرمایه داران از منافع و مصالح انقلاب و دهقانان و مستضعفان دفاع می کنند و چه آنان که در جهاد یا در لانه جاسوسی و یا در هر گروه و سازمان دیگری هستند خواستار دولتی انقلابی و مکتبی بودند و فرمان امام به تشکیل دولتی با آن خصوصیات امیدها در دلهای مردم برافروخت. ولی این بار هم جوانان گذشته جناحهای حاکم و عوامل ذی نفوذ مانع از تحقق آرزوهای مردم شدند. آخر دولت انقلابی و مکتبی از درون جریاناتی که خود انقلابی و مکتبی نیستند، بیرون نمی آید. ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش مگر آنکه یک بار دیگر سنت شکنی شود و کار از دست دولتمردان ورهبران برجسته خارج شود و بدست توده جوانان انقلابی بیفتد.

بنیست سیاسی انقلاب ایران را در این برهه از زمان یک دولت واقعا انقلابی و مکتبی و مستقل از جناحهای حاکم

دو جناح حاکم، کیفیت کار، بینش و ظرفیت انقلابی و مکتبی خود را در تجربه یکسال ونیم گذشته نشان داده اند - بنابراین چه انتظاری است که از این مجموعه فرزندی انقلابی و مکتبی زاده شود؟

هم از همان خارج برگشتهها و کسانی که با تجربه انقلابی ندارند، یا از روحیه انقلابی محروم اند، یا آنقدر ضعیف و عاجز که کاری نمی توانند، یا آنقدر قشری و

آنکه بر اساس شکل (فرم) و مشاهده قالبها، کلمات و عبارات، درباره اصول فکری و مکتبی جنبش مسلمانان نظر بدهند، باید تمییز ما را از قضایای اجتماعی و تاریخی و دیدگاههای ما را درباره مسائل و مقوله های اساسی مکتب مطالعه و بررسی نمایند. اگر نوشتهها و کتابها را با این دید و یا دقت بیشتری بررسی کنند، مطمئن هستیم قضاوت و تشخیص دیگری روی آنها خواهند داشت.

دوم - آنکه تشخیص حقیقت مواضع یک جریان یا مکتب فکری را نمی شود تنها از روی بعضی اجزای آن تعیین کرد. واقعیت و مجموعه کامل عقاید و نظریات مکتبی یک فرد یا یک جریان را از روی یک کتاب یا قسمتی از یک کتاب و نوشته و یک سخنرانی و خطابه نمی توان بدست آورد. چنانکه کل رسالت پیامبر و مجموعه پیام وحی الهی را هم تنها در یک آیه و سوره نمی توان یافت، بلکه اگر کسی بخواهد حقیقت توحید و کلیت پیام وحی را درک کند، باید همه قرآن را بخواند و بفهمد. کسی که همه قرآن و سنت و تاریخ را نمی شناسد، نمی تواند، با خواندن یک آیه معنای درست آنرا درک کند. کسانی که درباره عقاید و اصول فکری جنبش فقط یک یا بخشی از یک نوشته و کتاب را ملاک و مبنا قرار می دهند، باید بدانند که در قضاوت برای خطا رفتنند. اگر این افراد همه نوشته ها - و کتابهای مکتبی و مقولهها را مطالعه کردند، در اینصورت حق دارند در باره مواضع فکری جنبش اظهار رای و نظر کنند.

و اما حلاتی که بطور منظم و روبه رشد و گستردگی علیه جنبش و مواضع فکری و سیاسی آن، سازمان داده میشود، از جانب

ما از همان روزهای نخست این حقیقت را دریافتیم که بین سیاست امام خمینی و دولت منصوب ایشان تفاوتی چشمگیری وجود دارد و انتصاب آنان از جانب امام، به این معنا نیست که نباید اشتباهاتشان را گوشزد کرد و انحرافاتشان را افشا نمود.

هیچیک از این دو دسته نیستند. اظهار - نظرهای این اشخاص مورد استفاده آن جریان فکری ارتجاعی قرار می گیرد که با اسلام راستین دشمنی دارد، با شیعه علوی سر ستیز دارد، جریان فکری ارتجاعی که از اسلام سرمایه داران، مالکان و از تشیع صفوی دفاع می کند، نمی تواند وجود یک جریان اصیل اسلامی را تحمل کند و لذا وقتی می بیند مکتب اصیل اسلام و مواضع درست جنبش در میان جوانان رسوخ و نفوذ رو به رشد دارد، بهراس می افتد و بانمام قوا بر ضد آن تبلیغ و تحریک می کند.

وظیفه فوری برادران و خواهران مبارز ما در هر جا که هستند، اینستکه مردم را از حقایق مطلع سازند. بی آنکه با توده ها، با مردم ساده و بی اطلاع برخورد خصمانه کنند، منافع تحریک و انگیزه کسانی را که در همه جا علیه جنبش اقدام می کنند، معرفی نمایند.

مردم را از نقطه نظرهای سیاسی و مکتبی جنبش مطلع سازید، با آنان مستقیماً وارد گفتگو شوید، مرتجعین می گویند رابطه شما را با توده مردم قطع کنند. آنان از انحرافات، اشتباهات و چپ روییهای بعضی گروهها برای کوییدن افکار مترقی اصیل اسلامی بخوبی بهره برداری می کنند. کم نیستند کجسلیقه های خامی که ما را از اینکه دست به ماجراجویی و چپ رویی نمی زنیم سرزنش می نمایند. آنان مکتب را در ظرف شرایط عینی و در بستر تاریخ ندیده و نشناخته اند. ما وظیفه داریم که در همه حال با توده باشیم، نه برای بدست آوردن پایگاه و نه از روی عوام زدگی یا مجذوبیت که فقط بمنظور انذار دادن، آگاهی بخشیدن و تبلیغ و تعلیم مکتب و معرفی حقایق و بالابردن بینش مکتبی مردم، همین و بس!

بنیست سیاسی انقلاب ایران را در این برهه از زمان، یک دولت واقعا انقلابی و مکتبی و مستقل از جناحهای حاکم می تواند بشکند و از ارابه به گل مانده انقلاب را به پیش راند.

در خط و ربط خود و اصرار جناح مقابل در شورا به یک دولت کامل و وابسته بمان، یکی از موانع اساسی در راه تشکیل یک دولت جوان و انقلابی - مکتبی بوده است.

نابود باد امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع

گزارشی از شرکت پلی اکریل ایران - اصفهان

مشخصات شرکت پلی اکریل ایران - اصفهان

شرکت پلی اکریل ایران (سهامی خاص) در سال ۱۳۵۳ با سرمایه گذاری صاحبان سرمایه (لاجوردی ها)، بانکهای دولتی و خصوصی، کمیانی دویانت (Dopant) آمریکا که از قدیمیترین و بزرگترین کمیانی های تولید کننده انواع الیاف مصنوعی و مصنوعات پروسیمی دیگر در جهان است، بوجود آمده است (۱) طرح میزان تولید در مرحله اول ۵۰۰۰۰۰ (پنجصد هزار) تن در سال پیشبینی شده که احتیاجات کارخانجات نساجی ایران را تا مین می نماید و در مرحله دوم تا ۸۰۰۰۰۰ (هشتاد هزار) تن در سال قابل توسعه است. این واحد محصول "اکریلیک" و "پلی استر" را تولید می نماید. سرمایه ثابت و در گردش آن بیش از ۴۰ میلیارد ریال (۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) می باشد. پسررفته ترین واحد تولید الیاف مصنوعی از نوع خود در منطقه می باشد. قبل از انقلاب تعداد ۵۰ کارشناس آمریکایی به طور دائم و در حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ کارشناس آمریکایی نیز بصورت متناوب در این واحد صنعتی مشغول به کار بوده اند و کلیه آنان در جریان قیام ملت ایران با هدف بازگشت مجدد از کشور خارج شدند و فعالیت های تولیدی کارخانه که بیش از چند ماه از عمر آن نمی گذشت متوقف شد. این شرکت ترکیب شده است از کارکنان کارخانه پلی اکریل اصفهان (در حدود ۲۲۰۰ نفر)، کارکنان دفتر تهران (در حدود ۱۴۰ نفر) و کارکنان بندر خمینی (شاهپور سابق) در حدود ۳۰ نفر می باشند و پس از پیروزی انقلاب، این شرکت با تصویب قانون ملی شدن صنایع جزئی صنایع ملی شده کشور در آمده به صورت هیئتی سفند (هیئت عامل) مرکب از یک نماینده از وزارت صنایع و معادن (نماینده دولت) و یک نماینده از مدیریت و یک نماینده به انتخاب شورای منتخب کارکنان اداره می شود.

مشخصات کارخانه پلی اکریل اصفهان

این کارخانه در بین راه اصفهان - مبارکه در ۴۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان قرار دارد و در حدود ۲۲۰۰ نفر پرسنل دارد که از این تعداد در حدود بیش از ۱۰۰۰ نفر کارگر، حدود بیش از ۶۰۰ نفر تکنیسین و بیش از ۱۳۰ نفر کارمند دفتری و در حدود ۳۳۰ نفر کارمند ارشد (مهندسین و مدیران) می باشد. کارخانه از هفت بخش مختلف به نامهای اکریلیک - پلی استر - مهندسی - امور مالی - خدمات - امور اداری - برنامه ریزی تشکیل شده است و هر بخش به اداره های مختلف و هر اداره به قسمتهای مختلف تقسیم شده است. کارخانه بعد از خروج کارشناسان آمریکایی متوقف ماند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با طرح تشکیل شوراهای، در این کارخانه نیز شورایی ۹ نفره با انتخاب کلیه کارگران و کارکنان بوجود آمد که اساس کار و هدف اولیه خود را آغاز مجدد فعالیت کارخانه، بدون استفاده از کارشناسان خارجی قرار داد و علی رغم نابوری بسیاری، به همت و تلاش شایسته و پیوسته کلیه کارکنان قسمتهای مختلف کارخانه با وجود مشکلات فراوان از قبیل نابسامانی مالی و غیره یکی پس از دیگری براه افتاد. زمان راه اندازی هر واحد به ترتیب زیر است:

- تأسیس اکریلیک - ۱۰ شهریور ۱۳۵۸
 - الیاف اکریلیک - ۱۹ مهر ۱۳۵۸
 - فیلامنت پلی استر - ۱۰ دی ۱۳۵۸
 - نیروگاه برق - ۸ مهر ۱۳۵۸
- هم اکنون نیز کارکنان با تلاش فراوان مشغول برآوردن و ساختن کارخانه الیاف پلی استر می باشند که طبق برنامه پیش بینی شده، در همین ایام، شاهد بهره برداری و تولید این قسمت و پیروزی کارگران خواهیم بود. اگر به یاری خدا این کار با موفقیت انجام گیرد، کارگران و کارمندان بار دیگر در عمل ثابت خواهند کرد که نیازی به متخصص خارجی وجود ندارد. ظرفیت تولید کارخانه در حال حاضر بیش از ۱۲۰۰ تن نخ پلی استر و بیش از ۴۵۰ تن الیاف اکریلیک در ماه می باشد که با مجاهدت کارکنان در اوایل مرداد ماه ۵۹ تولید نخ پلی استر به ۱۷۰۰ تن در ماه و تولید اکریلیک به ۶۵۰ تن در ماه افزایش خواهد یافت.

بر طبق اطلاعات موجود این کارخانه می تواند مواد اولیه بیش از ۱۵۰،۰۰۰ (یکصد و پنجاه هزار) کارگر کارخانجات نساجی ایران را تا مین نماید (توضیحا) در سال ۱۳۵۶ از کل مصرف الیاف کارخانجات سلکت از قبیل پنبه - پشم - نایلون - پلی استر - اکریلیک و غیره که ۲۵۸ هزار تن بوده بالغ بر ۱۲۸ هزار تن را الیاف مصنوعی تشکیل می داده است. مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه از خارج کشور خریداری می شود و در بندر خمینی تخلیه و به اصفهان حمل می گردد و این کارخانه نیز همانند همه کارخانجات وابسته با دو مشکل اساسی مواد اولیه و قطعات یدکی روبروست. دولت نیز با قطع اجازه ورود محصولات مشابه تولیدی این کارخانه می نماید به فروش مواد تولیدی کارخانه کمک موزی بنماید. قسمتی از مواد اولیه مصرفی این کارخانه که اکثرا از نفت خام بوجود می آید، با اضافه کرد واحدهای قابل تولید در تأسیسات پتروشیمی جنوب قابل تهیه خواهد بود. و چنانچه این امر تحقق پذیرد، مشکل مواد اولیه این کارخانه تا حدود زیادی قابل رفع است. مقادیر مواد اولیه ای که از خارج کشور وارد می شوند، عبارتند از:

- مواد اولیه دی - ام - تی از آلمان، هلند، ژاپن - سالیانه ۳۰ هزار تن
- مواد اولیه اتیلن گلیکول از اروپا - ژاپن سالیانه ۱۲ هزار تن
- مواد اولیه دی متیل فرم آمید از اروپا - ژاپن سالیانه ۲ هزار تن
- مواد اولیه اکریلونیتریل از انگلیس - هلند - ژاپن - سالیانه ۱۸ هزار تن
- مواد اولیه متیل اکریلیت از اروپا - ژاپن - سالیانه ۲ هزار تن

مشخصات و جگونگی تشکیل شوراهای منتخب کارکنان

الف: شورای اول (۹ نفره)
بعد از پیروزی قیام ۲۲ بهمن و فکر آغاز کار مجدد کارخانجات تولیدی مملکت، با آغاز فعالیت شوراهای، در این کارخانه نیز کارکنان هر قسمت یک با چند نماینده بر حسب تعداد کارکنان انتخاب کردند (با توجه باینکه هر ۵۰ نفر یک نماینده داشته باشند) از این انتخابات جمعا ۴۳ نفر نماینده برگزیده شدند (طرز انتخاب و رای گیری بدون توجه به طبقات کارگر - کارمند و تکنیسین صورت گرفت). این شورای ۴۳ نفره از بین خود رای گیری به عمل آورده و ۹ نفر حائزین اکثریت را به عنوان شورای منتخب کارکنان (شورای ۹ نفره) برگزیدند. این ۹ نفر می باید در کلیه امور با شورای ۴۳ نفره در ارتباط و هر یک از ۴۳ نفر نیز به نوبه خود با کارکنان قسمت در تماس باشند. این شورا مدت یکسال فعالیت کرده و پس از آن جای خود را به شورای دوم (شورای ۱۱ نفره) دادند.

ب: شورای دوم (۱۱ نفره):
در ابتدا به همان ترتیب هر واحد یا قسمت نماینده های انتخاب کردند بدون توجه به طبقات کارکنان این بار شورایی ۴۶ نفره بوجود آمد، ولی به خلاف سال قبل کاندیداهای ۴۶ نفره جهت شورای ۱۱ نفره منتخب کارکنان به رای عمومی گذارده شد و ۱۱ نفر نماینده منتخب حدافل از هر بخش یک نماینده وجود داشته باشد، برگزیده شدند. توضیحا روش و جگونگی انجام انتخابات چه مرحله اول (۴۲ نفر) و چه مرحله دوم (۱۱ نفر) از یک آیین نامه که به تصویب کلیه کارکنان (از طریق نظرخواهی و اعمال نظر اکثریت) رسیده بود، انجام گرفته است.

اقدامات و فعالیتهای شوراهای منتخب کارکنان، از بدو تأسیس

۱ - قبل از تصویب قانون حمایت از صنایع که طبق آن تعداد زیادی از صنایع و کارخانجات ملی شد، قرار بر این بود که دولت موقت به سرمایه داران قبلی واحدهای تولیدی برای فعالیت مجدد وام بدهد. شورای اول با این کار مخالفت نمود و پس از صحبت های زیاد و پی گیری طرح هیئت عامل را پیشنهاد و این طرح توسط وزیر صنایع و معادن و با دولت تصویب گردید.

این هیئت ترکیب شده بود از:

- ۱ - نماینده های از دولت از طرف وزیر صنایع و معادن بعنوان سرپرست هیئت.
- ۲ - نماینده کارفرما که بعد از تصویب قانون ملی شدن صنایع به نماینده مدیریت شرکت تغییر یافت.
- ۳ - نماینده های به انتخاب شورای منتخب کارکنان.

این طرح برای اولین بار در ایران در شرکت پلی اکریل (جهت راه اندازی واحدها بعد از انقلاب با اجرا درآمد. و هم اکنون نیز این شرکت به وسيله هیئت عامل اداره می شود.

- ۲ - جلوگیری از حیف و میل کردن اموال شرکت به خصوص لوازم کامل منازل خارجیان و فروش آنها به کارکنان در مراحل مختلف.
- ۳ - منابع مختصر مالی که شرکت از زمان تعطیلی تا زمان فعالیت مجدد کارخانه در دست داشت، با نظر شورا به طریقی که قبل از همه طبقات کم درآمد (کارگران) حقوق خود را دریافت دارند، تقسیم می شد. در مورد تأمین این حقوق، شورا از ترس سهم امام نیز استفاده کرده است.
- ۴ - بعد از تشکیل هیئت عامل رئیس کارخانه توسط شورا انتخاب و توسط هیئت عامل تأیید شد.
- ۵ - با رئیس منتخب کارخانه در مورد انتخاب مدیران و همکاران مشورت به عمل آمد.
- ۶ - شرکت در سمینار سراسری مربوط به شورای کارخانجات.
- ۷ - تعدیل حقوقها در سطح شرکت به طریقی که قبل از انقلاب میزان حداقل حقوق ۱۲۰۰ تومان و حداکثر ۶۰،۰۰۰ تومان (۵۰ برابر اختلاف) بوده و در حال حاضر به حداقل ۳۰۰۰ تومان و حداکثر ۱۹۰،۰۰۰ تومان (در حدود ۶ برابر) رسیده است.
- ۸ - یکسان کردن ناهارخوری کارخانه (دورزما) کارشناسان خارجی کارگران و تکنیسین ها از یک قسمت و کارمندان دفتری و ارشد از یک قسمت مجزای دیگر استفاده می کردند.
- ۹ - یکسان کردن سروسر رفت و آمد برای همه کارکنان (سروسپه ای رفت و آمد برای کارگران و کارمندان متفاوت بود).
- ۱۰ - یکسان کردن حق استفاده از باشگاه (کارگران و تکنیسین ها حق استفاده از باشگاه را نداشتند).
- ۱۱ - یکسان کردن حق رفت و آمد (خارج از مرکز) - قبلا کارمندان ارشد مبلغ ثابت ۱۰۰۰ تومان و طبقه از ۱۵۰ تا ۴۵۰ تومان می گرفتند در حالیکه الان همه کارکنان مبلغ ثابت ۷۰۰ تومان دریافت می دارند.
- ۱۲ - یکسان کردن ساعات کار برای همه کارکنان.
- ۱۳ - اخراج ۱۰ نفر از ۲ سغلی ها که بعضی از آنها جزا مقصدین بودند.
- ۱۴ - بازگرداندن حدود ۶۰ نفر از کارکنان که به ناحق و بعضی به دلایل سیاسی اخراج شده بودند.
- ۱۵ - یکسان کردن مرخصی برای همه کارکنان (۲۱ روز در سال).
- ۱۶ - دادن حق استفاده از مرخصی با حقوق به کارگران.
- ۱۷ - حذف مبالغ کرایه خانه که فقط به بعضی از افراد (کارمندان ارشد) پرداخت می شد.
- ۱۸ - گرفتن بودجه وام ضروری برای کارکنان.
- ۱۹ - تماس مداوم با مقامات وزارت صنایع و معادن و بازرگانی از طریق هیئت عامل در مورد جلوگیری از ورود محصولات مشابه و همچنین خرید مواد اولیه و قطعات یدکی.
- ۲۰ - کوتاه کردن دست بیمانکار حمل نقل (اتوبوسهای) شرکت به درخواست کارکنان و تأیید دادگاه انقلاب.
- ۲۱ - دعوت از سخنرانان و تشکیل جلسات سخنرانی مذهبی به منظور ارشاد.
- ۲۲ - انتخاب معاون مردمی برای بعضی از مدیران بخشها جهت حل و فصل مسائل پرسنلی.
- ۲۳ - تجدید نظر در آئین نامه های انضباطی و شرکت در شورایی جهت تدوین آئین نامه های مختلف که در دست تهیه بوده و نتیجه به نظرخواهی عموم کارکنان گذاشته می شود.

مشکلات و نارسائیهای موجود برای شوراهای کارکنان

- ۱ - کمبود آموزش ایدئولوژی مذهبی - سیاسی در سطح کارخانه.
- ۲ - نبودن قانون کار مطابق با انقلاب اسلامی و استفاده از قانون کار قبلی که در اکثر موارد غیرقابل اجراء است.
- ۳ - نداشتن اساسنامه و مقررات مربوط به شوراها که قابل قبول اکثریت افراد باشد باعث بداخل وظایف شده، و با گاهی فکر بداخل وظایف را بوجود می آورد.
- ۴ - بعلت نبودن قوانین انقلابی و وجود قوانین و مقررات طاغوتی در سطح مملکت بسیاری از کارهای انقلابی عملی نشده است.
- ۵ - بعلت تازه بودن ارگانی به نام شورا، افراد شورا هم وظایف خود را دقیقاً نمی دانند و گاهی اغراض شخصی و منافع خصوصی و گروهی را با منافع کلی انقلاب و نفوذ آنها و آگاهی کم کارگران شورایی تشکیل گشت که به وظائف خویش عمل نمی کرد.
- شورا بدون در نظر داشتن مالکیت شرکت و فساد سرمایه داران شروع به یک سری کارهای رفاهی کرد از جمله مقداری از عقب افتادگی کارگران را تصویب ۱۰٪ شیفت به ۲۵٪ را برای کارگران گرفت. شورایی که اسما شورا، ولی بصورت سندیکا بود و در جهت منافع کارفرما حرکت میکرد کارگران که ماهیت این شورا را دریافته بودند با آن مخالفت کردند تا اینکه کارگران موفق شدند که این شورا را منحل کنند و شورایی را بانمایندگان واقعی خود انتخاب و جایگزین نمایند، شورای جدید با زحمات شبانه روزی خود توانست با کمک کارگران برنامه حفاظت از شرکت، رسیدگی به شعبه اهواز و تشکیل شورا در آن شعبه و بالا بردن تولید و قیمت گاز و ایجاد جو تفاهم و اتحاد در بین کارگران را بوجود آورد.
- از این پس شورا در جهت خلع ید از کارفرما شروع به تلاش و مبارزه نمود. تا دادستانی انقلاب آبادان بالاخره با کوشش و پشتکار و حمایت و همکاری کارگران توانست شرکت را مصادره نماید.

کارخانه کره می زند. علت را می شود در عدم شناخت تکنیکی و آگاهی کافی بعضی از افراد شورا دانست که بناچار از یکبارگی و یکدستی لازم برخوردار نبوده و جو عدم اعتماد به یکدیگر متأسفانه در شورا وجود دارد.

- ۶ - بعضی از کارکنان بخصوص کارگران فکر می کنند که شورا نقش سندیکا دارد و فقط حافظ منافع مادی و صنعتی آنهاست و بیشتر خواسته های آنها از شورا خواسته های مادی و شخصی و رفاهی بوده است.
- ۷ - بعضی از سرپرستان موقعیت فکلی کشور را درک نمی کنند و عملاً حاکمیت نوده های مردم را قبول ندارند و سیستم مدیریت آمریکایی را اعمال و سیستم شورایی شورا را قبول ندارند (نمی پذیرند).
- ۸ - بعضی از کارکنان که تعداد آنها هم زیاد نیست، چنان تصور می کنند که چون انقلاب شده، هر نوع تصمیم گیری و عملی مجاز است و احتیاج به نظم و انضباط) نیست و سرپرستان را (اگر هم در مواردی حق با آنها باشد)، محق نمی دانند و عملاً از دستورات آنها سرپیچی می کنند و از این عده اکثریت تحت تأثیر اقلیت مغرض واقع می شوند.
- ۹ - جو عدم اطمینان به ارگانهای اجرایی شرکت و عدم اطمینان شورا به مدیریت و بالعکس وجود دارد.
- ۱۰ - بعضی از کارکنان فکر می کنند هنوز برای سرمایه داران کار می کنند و می خواهند حق خود را از سرمایه داران بگیرند.
- ۱۱ - به علت کم بودن زمان تولید این کارخانه در وقتیکه کارشناسان خارجی کار می کردند به دلیل نیاز به تخصص افراد عده ای از مدیران و سرپرستان در پستهای قبلی خود ابقا شدند. این برنامه با صلاحدید شورای منتخب کارکنان و نظارت دائم شورا صورت گرفته ولی باعث عدم اعتماد و اطمینان کارکنان نسبت به شورا شده است.
- ۱۲ - بعضی از مدیران مشکلات پرسنلی خود را به بالاتر و در اکثر موارد به شورا ارجاع می کنند که با توجه به نداشتن نقش اجرایی شورا خواست کارکنان برآورده نشده و موجب بدبینی آنها می شود.
- ۱۳ - چون افراد شورا شغل اصلی خود را نیز دارا بوده و به دلیل حساسیت شغل آنها و کارشان مجبور به صرف وقت در آن مورد می باشند لذا وقت کافی برای شرکت در جلسات متعدد را ندارند.
- ۱۴ - چون بیشتر از کل کارکنان در نوبتکاری (شیفت) کار می کنند و هر دو شیفت حداکثر نبضاعت بیشتر همزمان کار نمی کنند، بنابراین در هر جلسه گروههایی عمومی همیشه یک شیفت بدون اطلاع وجود دارد و این خود از مشکلات شورا در رابطه با نارسائی اطلاعات به کارکنان است.

مصاحبه بایکی از اعضای شورای اسلامی شرکت اکسیژن آبادان

س - لطفاً مختصری از وضعیت کارخانه را قبل از پیروزی انقلاب توضیح دهید.
ج - کارخانه اکسیژن آبادان دارای ۶۷ کارگر و ۳ کارمند است. مالکیت آن متعلق به رضا صدر و بلقور نصراللهی بوده. این شرکت اکسیژن، ازت و استیلین تولید می کند. کارگران قبل از انقلاب بشدیدترین وضع استعمار میشدند بطوریکه بعضی از آنان با ۹۰ یا ۱۰۰ ریال مزد در روز بکار مشغول بودند. شدت کار آنقدر زیاد بود که عده ای از کارگران نقص عضو پیدا کردند و باکر و کور شدند- اختناق در کارخانه بشدت اعمال میشد بطوریکه در دوران انقلاب با شروع حرکت مردم کارفرما سعی میکرد یکمک آیدای خود در بین کارگران شگاف ایجاد کند.

س - وضعیت کارخانه بعد از پیروزی انقلاب به چه صورتی درآمد؟
ج - پس از انقلاب، کارفرماهای شرکت قرار کردند ولی آیدای آنها چه در داخل کشور و چه در خارج وجود داشتند، کارگران برای قطع نفوذ و دست کارفرما و ایجاد یک سیستم، بانظم انقلابی شروع به مبارزه کردند. در ابتدا آنها برای پیشبرد کارها دست به تشکیل شورا زدند، اما با بودن آیدای کارفرما در داخل کارخانه و اعمال نفوذ آنها و آگاهی کم کارگران شورایی تشکیل گشت که به وظائف خویش عمل نمی کرد.

س - شورا بدون در نظر داشتن مالکیت شرکت و فساد سرمایه داران شروع به یک سری کارهای رفاهی کرد از جمله مقداری از عقب افتادگی کارگران را تصویب ۱۰٪ شیفت به ۲۵٪ را برای کارگران گرفت. شورایی که اسما شورا، ولی بصورت سندیکا بود و در جهت منافع کارفرما حرکت میکرد کارگران که ماهیت این شورا را دریافته بودند با آن مخالفت کردند تا اینکه کارگران موفق شدند که این شورا را منحل کنند و شورایی را بانمایندگان واقعی خود انتخاب و جایگزین نمایند، شورای جدید با زحمات شبانه روزی خود توانست با کمک کارگران برنامه حفاظت از شرکت، رسیدگی به شعبه اهواز و تشکیل شورا در آن شعبه و بالا بردن تولید و قیمت گاز و ایجاد جو تفاهم و اتحاد در بین کارگران را بوجود آورد.

س - از این پس شورا در جهت خلع ید از کارفرما شروع به تلاش و مبارزه نمود. تا دادستانی انقلاب آبادان بالاخره با کوشش و پشتکار و حمایت و همکاری کارگران توانست شرکت را مصادره نماید.

س - عملکرد شورا در رابطه با کارگران به چه شکل بود؟
ج - شورا همواره اصالت را به کارگران میداد هیچ عملی بدون در میان گذاشتن با کارگران... اعلام نمیداد و هر هفته جلسات آزاد داشت حتی در موارد حساس نیز با مشورت و نظر خواهی همه کارگران شورا عمل میکرد. شورا همواره اتحاد و یکبارگی را در نظر داشت و به آن اهمیت میداد.

س - پس از مصادره شرکت، نحوه برخورد بنیاد با شورا به چه نحوی است؟
ج - پس از مصادره شرکت، نظر شورا این بود که نماینده بنیاد بعنوان یک عضو ساده شورا در شرکت عمل کند ولی بنیاد میگفت که گرمدریست جدا از کار شورا است و شورا نباید به کار شرکت مداخله نماید. نماینده بنیاد با زدن برجسب هائی به اعضای شورا و اینکه شورا بمدت دو ماه از خود صداقت نشان نداده است شورا را کنار میزند و بجای آن نماینده کارفرمای سابق را مدیر عامل شرکت شعبه اهواز مینماید.

س - در حال حاضر مدیریت، اداره این کارخانه را بعهدده دارد و شورا در کارخانه هیچگونه نقش و قدرتی ندارد.

مبارزه علیه فئودالیزم را با قاطعیت بسراسر کشور گسترش دهیم

مقوله‌های اساسی مکتب

بقیه از صفحه ۱

ارزیابی کنیم، اینطور می‌گوئیم که آنچه الان هست و اتفاق افتاده و یا اتفاق می‌افتد واقعیت دارد. که در معنای اخیر این واقعیت‌ها اموری هستند که بر اساس معیارهای ارزشی بزم بعضی نباید باشند چون غلط، ظالمانه و نابودشونده هستند. اما آنچه بعداً باید بوجود آید یا اتفاق افتد که درست، عادلانه و ماندنی است، حقیقت می‌نامند. اما این حقیقت موقتی که پدید می‌آید، ورخ می‌دهد، واقعیت پیدا می‌کند و آن‌ها که نیست حقیقت می‌نامندش.

این بحث اولاً به مقوله‌های زندگی اجتماعی انسان اختصاص دارد و مبتنی بر نظام ارزش‌هاست و در زمینه شناخت هستی مطرح نیست. در واقعیت هستی بحث از حقیقت و واقعیت معنای اخیر مورد ندارد، هرچه هست، برحق است، در مسائل انسانی است که این بحث مورد پیدا می‌کند و قضیه برمی‌گردد به تقسیم پدیده‌های انسانی و اجتماعی بدو دسته: یکی اعمال و رفتار یا سیستم‌های اجتماعی که بر طبق قوانین و سنت‌های جهان واقعی (مستقل از ذهن) جریان دارند، یکدسته اعمال و رفتار و سیستم‌هایی که مقید به مصالح شخصی و گروهی و برخاسته از شناخت ذهنی و نه واقعی (غیرحقیقی) افرادند.

وقتی اعمال و نظام دست‌اندرکار جاری است مثلاً استبداد شاه، دزدی، فساد، ظلم و استثمار می‌گوئیم واقعیت دارند اما نه بر پایه منطق و واقعیت هستی (که در آن واقعیت رابطه استقامتی وجود ندارد) بلکه بر اساس منافع و شناخت ذهنی افراد سرمایه‌دار و طبقه حاکم (که بعضی را در خلقت برده و بعضی را ارباب می‌پندارند) ولی حقیقت آن روابطی است که بر اساس قوانین واقعی (مستقل از ذهن)، تنظیم و پیاده شوند.

ما هر دو نوع روابط (درست و غلط، باطل و حق) را واقعی می‌دانیم، هر دو واقعیت دارند، یعنی هم ظلم و هم عدل، هم برابری و هم استثمار همه واقعیت دارند. چنانکه شیطان نفس واقعیت دارند. تمایلات و محرک‌های نفس واقعیت دارند. اگر انسان از تمایلات سرکش نفس پیروی کرد، زیاده‌طلبی نمود، ظالم شده است.

اینها امور واقعی هستند، اگر از حس عدالتخواهی و همدردی و تعاون پیروی کرد و بر حق بود قناعت نمود، عادل است. اینها هم امور واقعی هستند. منتهی امور دسته اول را انحرافی، ظالمانه و باطل می‌شماریم و امور دسته دوم عادلانه و بر حق. امور دسته اول از بین رفتنی هستند، زیرا مخالف سنت تکاملی جهان و مانع ضرورت بسوی خدا هستند، با قوانین واقعی هستی انطباق ندارند ولی، امور دسته دوم رشد و توسعه پیدا می‌کنند، زیرا منطبق با سنت تکاملی جهان بسوی الله می‌باشند.

ادامه دارد

۲۱ رمضان ۱۳۵۹

پیوندی نتوانگ با او داشت، پیوست و پیش بینی اش که میدانست در غافلگیری و بوسیله فردی گمنام به قتل میرسد رنگ حقیقت بخود گرفت. آری ضربت عمیق ارتجاج از طرف فردی که بر پیشانی‌اش جای مهر نقش بسته بود همانگونه که برای نابودی فرزند برخاسته از دل توحید کارگر افتاد، بر دل توده مردم نیز نشست زیرا توده فردی را از کف داد که دیگر قادر به دست یابی مجدد به آن نبود، فردی که آنچنان فقیرانه زیست تا خود را با محرومترین انسانی که ممکن بود در قلمرو حکومتش باشد شبیه سازد. و پس از مرگ علی بود که مسجدها این جایگاه تودم‌های مفرح روحمان تبدیل به جایگاه خلفای کاخ سبزینش گردید و توده‌ها با وجود کثرتشان اوج تنهایی خویش را احساس نمودند. مرگ علی اوج شادی رذیلتان ارتجاج و مرگ اسلام انقلابی و برای طریقت و استثمار بود. اسلامی که پس از قرون متمادی فرو رفتن در زیر عیار جهل و تزویر نتوانسته سر برآورد و چهره خالص و ناب و استثمار زدای خود را به نمایش خلق خلیه تحت ستم بگذارد.

بمب گذاری و یا حمله به دفاتر گروهها، و جراید

نقض آشکار قانون اساسی است.

در هفته گذشته موج تازه‌ای از حمله و اشغال، تعدادی از گروهها و دفاتر را فرا گرفت، در رابطه با این مسئله در جمعی گفتگویی میان آمد و هر کس قضیه را از دیدگاهی بررسی و قضاوت میکرد. در میان منشا و ریشه و محرک این حملات، یکی از حاضران با شتاب و به تندی گفت که این مسئله نیاز به بحث و

در صحنه نبرد اندیشه‌ها، زور عامل مخرب و باطلی است - اندیشه‌ها باید در برخورد باهم قرار گیرند تا حق با قدرت رشد خود، باطل را از صحنه خارج سازد.

کفنگو ندارد، ریشه و محرک آن معلوم است که در کجاست، انتظار دارید، دست‌هایی جز دست ارتجاع محرک این یورشها باشد، اینها همه از آثار پیام امام است و تا نابودی کامل همه گروهها و باقیماندن فقط یک حزب ادامه خواهد یافت.

نفر دومی که خود را آماده صحبت کرده بود، تقریباً سخن گوینده را قطع کرد و گفت: رفیق بنظر خیلی تند رفتی و باز هم همان حرفهای تکراری گذشته را ردیف و با یک مارک ارتجاعی مشکل را به آسانی حل نمودی، این مردم که انقلاب کرده‌اند حاضر نیستند وجود گروههایی را که بر ضد انقلاب فعالیت دارند یا داد سخن میدهند و تبلیغات راه می‌اندازند، تحمل کنند. مردم نسبت به این گروهها و احزاب بدبین هستند، بعضی را وابسته به امریکا و بعضی را منافق و یا ضد انقلاب می‌شمارند و لذا بخود حق میدهند که جلوی فعالیت آنان را بگیرند.

به اعتقاد آنان تا کنون این گروهها بودند که در کار انقلاب کارکنی کرده‌اند، غائله کردستان، ترکمن صحرا و سایر نقاط، کارانه‌هاست، خرین‌ها را چه کسانی آتش میزنند؟ اعتصابات کارخانجات را چه کسانی تحریک و تشویق میکنند؟ همه بدبختی‌ها از بحران اقتصادی تا جنگ خونریزی و اغتشاش و درگیریهای خیابانی و تبلیغات روزنامه‌ها علیه انقلاب همه زیر سر این گروههاست. سیمانی و تبلیغات آنان آبروی انقلاب ما را میبرد و در مردم تفرقه و چند دستگی بوجود می‌آورد. اگر اینها وابسته نیستند چرا رادیوهای امریکا و بغداد و اسرائیل و اوپسی و بختیار از آنان پشتیبانی، و با آنان اظهار همدردی میکند؟ این گروههای مخالف هستند که امام را تضعیف میکنند و بر ضد اسلام هستند، بعضی ملیت را در برابر اسلام علم کرده‌اند و بعضی دموکراسی را و بعضی... شخص سومی که بی تاب از روده درازی گوینده مرتب میخواست توی حرفش بدود سرانجام طاق تیاورد و گفت: آقا جون، اجازه بده، اجازه بده، شاهم خیلی تند روی میکنی. چطور به خود اجازه میدهی همه گروهها را با یک چوب وابسته و ضد انقلابی و یا منافق بنامی، مگر ما برای آزادی قیام نکردیم؟ پس چرا باید آزادی گروهها و فعالیت آنان گرفته شود؟ چرا باید روزنامه‌ها تعطیل شوند.

گوینده دوم فوراً "برید توی صحبت و

موقع را منتقم شمرد و برای آنکه نگذارد گفتگو به دعوا و مرافعه بیانجامد گفت: آقایان در همین صحبت کوتاه متوجه شدید که مسئله بهمان سادگی نیست که هر طرف بحث تصور میکنند. باید از چند جنبه موضوع ارزیابی شود، اول باید مرز انقلاب و ضدانقلاب تفکیک شود، در هیچیک از انقلابات حتی اجازه و آزادی به دشمنان انقلاب داده نشده چرا بعضی انتظار دارند که در انقلاب ایران همه حتی ضد انقلابیون آزادانه فعالیت داشته باشند؟ ضد انقلاب در هر لباسی و تحت هر عنوان و گروه و حزبی، باید سرکوب شود، در این اصل تردیدی که ندارید؟ اولین نفر گفت از این کلمه ضد انقلاب سو استفاده میشود، هر کس را میتوان به اتهام ضد - انقلاب خفه کرد.

دوستم جواب داد: بله همه نوع سو استفاده ممکن است. استالین هم بنام انقلاب صدها هزار نفر را نابود کرد. مگر در هفته گذشته کسی را محاکمه نکردند که بنام انقلاب و سازمان انقلابی، چند نفر از هم‌زمان خود را بگلوله بسته بود؟ همه جا

نباید همه گروهها و جراید را با یک چوب جاروب، از میان برداشت. اگر فعالیت ضدانقلابی دارند، درست، در غیر این صورت این شیوه بضرر انقلاب است.

از آرمانها و اصول درست سو استفاده شده و میشود. اما این سو استفاده‌ها فاعده اصل را بی اعتبار نمیکند، که در یک انقلاب جایی برای فعالیت آزاد ضد انقلاب نیست.

هرکس بنحوی با دشمن در ارتباط است و برای نابودی انقلاب میزند، باید متوقف شود. خوب، حال اگر روزنامه‌های در ارتباط با محافل ضد انقلابی و عوامل دشمن باشد، یا گروهی مسلحانه علیه انقلاب قیام کند، و قیام مسلحانه علیه انقلاب را مجاز شمارد، نسبت به آن چه باید کرد؟ کدام انقلاب در جهان از این نوع فعالیتها و گروهها را تحمل کرده است.

اما نکته بعدی اینست که در هر انقلاب اختلاف نظر و سلیقه و رای و برداشت وجود دارد، ضمن آنکه انقلابیون، در اصل مبارزه با دشمن وحدت دارند، ممکن است در مورد شیوه مبارزه و یا اولویت‌ها و

بقیه در صفحه ۸

سالگرد انقلاب

بیاگر این سیاست نادرست میباشند. همین امر هم باعث شد تا مصر در جنگ ۱۹۶۷ دچار شکست شود. کنار کشیدن نیروهای شوروی و سامحه ناصر، سبب شکست این جنگ شدند. تاریخ مبارزات سیاسی معاصر مصر، با نام ناصر عجین است و هر چند نقاط ضعفی دارد و در انقلاب مصر مشاهده میشود، اما هرگز سبب نشد که محبوبیت او در مردم بعنوان یک قهرمان ملی و قهرمان عرب از یاد برود. حتی پس از شکست جنگ ۱۹۶۷ نیز که ناصر خود را مقصر میدانست و استعفا داد، مردم به خیابانها ریختند و خواستار بازگشت ناصر شدند.

مصر پس از ناصر

بعد از مرگ ناگهانی ناصر، معاون او

تضعیف جنبش فلسطین است، نشانه این خیانت بزرگ است.

دادگاه محاکمه جاسوسهای آمریکائی، دادگاه محاکمه امپریالیسم جنایتکار آمریکاست

سادات رئیس‌جمهور شد. اما تا مدتی سیاست آینده مصر روشن نبود، چرا که سادات مورد شناسائی جهان واقع نشده بود. اما بزودی با اخراج ۱۵۰۰ تن کارشناس شوروی از ارتش مصر، و نزدیکی به غرب، و پذیرش مجدد سرمایه‌های خارجی، سادات عملاً راهی در جهت خلاف ناصر برداشت. سادات بگمان اینکه با نزدیکی به غرب خواهد توانست، مشکل اعراب و مسئله اسرائیل را حل کند، به راهی قدم نهاد که نهایت آن وابستگی به امپریالیسم بود.

عملاً در چهارچوب سیاست سادات، کیسینجر حرکت کردو کم کم بصورت آلت دست امپریالیسم و صهیونیسم درآمد. خیانت دیگری که سادات به خطانقلاب مصر و ناصر کرد، انعقاد قرارداد جداگانه با اسرائیل بود، که بر خلاف ناصر که در جهت اتحاد ملل عربی میکوشید. او با این عمل خود ضربه مهلکی به این اتحاد وارد آورد. قرار داد کمپ دیوید که اهدافش حفظ منافع امپریالیسم، تقویت اسرائیل و

تضعیف جنبش فلسطین است، نشانه این خیانت بزرگ است.

امت

سنت‌های انقلاب در پرتو مکتب تجلی استکبار واستضعاف در جامعه

بعضی به غلط شرایط اجتماعی را مبنای می‌گیرند و در میان عوامل اجتماعی، به ابزار و مناسبات تولیدی، اصالت می‌دهند و انسان را دست‌پرورده محیط اجتماعی و مناسبات تولیدی فرض می‌نمایند. افکار و اندیشه‌ها، تمایلات و حوصله‌ها، استعدادها همگی روپناهایی هستند، زائیده و پرورده زیربنای تولیدی. با این تقسیم‌بندی و در صورتیکه شرایط تولیدی زیربنای فرض شود، ظهور تضادهای اجتماعی بین افراد پدیده‌هایی هستند که پس از آغاز یک مرحله خاص از تولید اجتماعی بروز می‌کنند و پیش از آن مرحله‌ای وجود ندارد. در آن شرایط تولیدی، استثمار و ظلم و تجاوز اموری جبری و اجتناب‌ناپذیرند. تمایلات تجاوز طلبی و زورگویی، تحت این شرایط بوجود می‌آیند. یعنی از پیش وجود ندارد ریشمای در وجود انسان برای آنها نمی‌توان یافت. اگر آن شرایط وجود نداشته باشد، از آن دسته تمایلات و مظاهر هم چیزی نخواهد بود. لذا تنها با تغییر شرایط تولیدی آن تمایلات جای خود را به تمایلات تازه‌ای می‌دهند. در این دیدگاه همچنانکه ظهور تمایلات توسعه‌طلبی و استثمار و برده‌سازی مربوط به شرایط تولیدی خاص است و تحت آن شرایط امکان بروز و ظهور نوع دیگری از تمایلات وجود ندارد. تمایلات عدالت‌خواهی و تساوی‌طلبی هم تنها در شرایط تولیدی ویژه پدید می‌آیند و در غیر آن شرایط ظهور و بروز آنها غیرممکن است.

مردم و شاهان، بین کارگران و سرمایه‌داران، بین خلقها و امپریالیسم، این یک شکل از تغییر است، تغییری است در شکل استثمار و نظام سلطه، در فرم و نه محتوا - در قالب روابط و مناسبات درونی جامعه. برده‌داری قالبی است خاص محتوای استثمار و بهره‌کشی. نظام ارباب و رعیتی فرم دیگری است برای محتوای روابط استثمار و سرمایه‌داران و بورژوازی هم قالبی‌تازهای برای مضمون و محتوای مناسبات استثمار می‌باشند. روابط استثمار و سلطه امپریالیستی هم به نوبه خود قالب دیگری بر این مناسبات استثمار و بهره‌کشی است. اصل و محتوای همه انواع تشکلهای و قالبها و نظامات اجتماعی - مناسبات سلطه‌جویانه است. در یک کلمه استکبار و استضعاف است. بدیهی است که با وجود پیدایش انواع تازه از اشکال استکبار و استضعاف، بعضی اشکال قدیمی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. این نوع تغییر که در شکل و قالب و چهارچوب نظام رخ میدهد، متأثر از تغییرات در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شیوه‌های تولید است.

لکن محتوای استکباری رابطه سلطه‌گر و زیرسلطه، استثمارگر و استثمار شده، برده و برده‌دار، مالک و رعیت، سرمایه‌دار و کارگر استثمارگر و استثمارزده، خلق و امپریالیسم همیشه ثابت است و ارتباطی با شیوه تولید و شرایط خارجی ندارد، زیرا در تمام اعصار و مراحل و ادوار وجود داشته و برقرار است و علیرغم تغییر در شیوه تولید اقتصادی و قالبها و فرم مناسبات اجتماعی، ثابت مانده است، تنها کیفیت و شدت و ضعف آن تغییر کرده است، بالا و پائین رفته است، مبنای این مناسبات و روابط دیرپا، انسان و تمایلات متضاد درون انسان است.

و ادراک ساختن آنان به اطاعت و فرمانبرداری توسط صاحبان قدرت و ثروت به کمک دو عامل صورت می‌گیرد. گار این دو عامل اینست که برانگیزه اصلی مردم که زنده ماندن است، غلبه کند و آنرا بنحوی ارضا کرده یا آن مربوط باشد.

گفتم که محرومان هم چون مستکبرین در وهله اول برای انگیزه‌های مناسبتی تلاش می‌کنند. یکی از ایندو عامل زور است. زور میتواند جان یا حیات فرد را بخطر بیندازد، کسی که برای حیات خویش می‌جنگد، و خواسته‌های مادی را دنبال می‌کند حاضر نیست اصل آنرا، بمخاطره بیندازد. پس تا آنجا برای جنگ آوردن مایحتاج مادی پیش می‌رود که اصل حیات را از دست ندهد، مستکبرین با اعمال زور ارباب و کاربرد شلاق و مجازات و اعدام و کشتار، مستضعفان را به اطاعت و تسلیم وا می‌دارند. این وسیله از همان ابتدا و زودتر از هر وسیله دیگری برای تسلط بر دیگران و استخدام و استثمار آنان بکار می‌رود و تاوقتی استکبار وجود دارد، استفاده از آن ادامه می‌یابد. لذا زور و

بعضی به غلط شرایط اجتماعی را مبنای می‌گیرند و در میان عوامل اجتماعی به ابزار و مناسبات تولیدی اصالت می‌دهند و انسان را دست‌پرورده محیط اجتماعی و مناسبات تولیدی فرض می‌نمایند.

قدرت ابزار اصلی استکبار است. عامل دوم که وسیله مطمئن‌تری برای خاموش کردن محرومان می‌باشد، استثمار است. با ابتکار مردم داوطلبانه و بدون احتیاج به زور از خواسته‌هایشان صرفنظر کرده، داوطلبانه تن به اطاعت و فرمان‌برداری می‌دهند. این عامل عقیده و مذهب است که وسیله توجیه ظلم و ستم و

قفر و محرومیت و روابط استکباری قرار می‌گیرد. زور و عقیده در تمام تاریخ دو مستکبرین بر محرومان بوده است. هر تلاشی برای رفع سلطه و دفع شر مستکبرین باید متوجه خنثی کردن این دو عامل گردد. جوهر اصلی مبارزه اجتماعی، چیزی جز تلاش برای غلبه بر این دو مانع حرکت اجتماعی نیست.

وقتی عامل مذهب ضعیف است یا بین دو حریف تفاوت و تضاد عقیدتی آشکاری وجود ندارد، تضاد و ستیز با سلاح زور پیش می‌رود. مثلا در جنگ بین مستکبرین در یک جامعه واحد، در اصل با سلاح و سیاست انجام می‌گیرد و عقیده و مذهب نقش مهمی ندارند. مگر اینکه هر یک از طرفین بخواهند به کمک عقیده و مذهب مردم را در جنگ علیه رقیب به کمک بگیرند. در اینگونه موارد اختلافات مذهبی و عقیدتی در داخل جامعه دامن زده می‌شود و هر یک سعی می‌کنند با اثبات و تاکید روی حقانیت عقاید خویش مردم بیشتری را بسوی خود جلب نمایند.

وقتی دو وجهت‌دوگمکنش، مستکبرین می‌باشند، مذهب و عقیده‌ای که هر یک تبلیغ و حمایت می‌کنند، منطبق با سافع آنانست. از این رو جنگ بین جنبه‌های مستکبر در ایجاد نظامی، سیاسی و عقیدتی توأما جریان پیدا می‌کند. در این نزاع هر یک پیروز شوند، نتیجه از لحاظ مردم فرق نمی‌کند. در هر حال نظام استکباری دست نخورده می‌ماند. فقط مستکبرین عوض می‌شوند. اربابان و مالکان نازدای جانشین اربابهای قبلی می‌گردند. حکام و فرمانروایان جدیدی راس گارها قرار می‌گیرند. مناسبات همچنان محتوای استکباری دارد. یعنی بر اساس استبداد و استثمار استوار است.

حتی همین نوع تضادها و کشمکشها و تحولات و جنگها منبایشان در تمایلات نهاد انسانست و انگیزه خصومت و جنگ چیزی جز تمایلات توسعه‌طلبی و سلطه - جویانه نمی‌باشد. ادامه دارد

طرفداران جنبش مسلمانان مبارز را از این نهادها حذف و یا از شرکت آنان مانعیت بعمل می‌آورند.

شما برادران و خواهران جهاد سازندگی، بخوبی واقفید که جنبش مسلمانان مبارز و نشریه "امت"، از برشورترین مدافعان این نهاد، و فعالیتهای صادقانه اعضای آن بوده است، و همیشه از آن بعنوان یک نهاد انقلابی و خدمت صادقانه و مردمی یاد کرده و میکند. بر اساس همین داوری است، که برادران و خواهران، مشتاقانه میخواهند، دوش بدوش دیگر برادران خود خدمت کنند. ولی با کمال تأسف که روز با موانع بیشتری روبرو میشوند، و چقدر برای آنان دردناک است وقتی می‌شنوند که بعضی "صریحا" فقط به این دلیل که گرایش به مواضع فکری جنبش دارند و چنانکه گفتم حتی تنها بجرم خواندن امت آنانرا طرد می‌نمایند.

چرا نباید با سعه صدر کافی انقلاب را باور کنیم. استعدادهای خلق را جذب و

هستند. و یا اگر مسئولان نهادهای مزبور متوجه شوند، که داوطلب فعالیت در جهاد، خواننده امت است، از قبول وی خودداری میکنند. نمونه هائی از این نوع برخورد، در نقاط مختلف کشور وجود دارد و رو به کسرتن است، و بنظر می‌رسد بعضی افراد با یک جریان خاصی در سراسر کشور بطور منظم و سازمان یافته‌ای میخواهند همه افرادی که نوعی گرایش به مواضع جنبش دارند، و یا حتی کمی طرفدارو یا خواننده ساده امت هستند از خدمت برمرد محروم و مشمول مصفیة قرار بدهند.

ما از برادران خود در جهاد سازندگی، یادر کمیسیونهای ۷ نفری اصلاحات ارضی، سؤال میکنیم، آیا شما این منطق را تأیید میکنید که برادران و خواهران شما، تنها به این جرم که خواننده امت هستند، باید از خدمت صادقانه و بی نام و نشان به مردم محروم شوند؟ آیا تاکنون حتی یک مورد تبلیغ در داخل جهاد با ایجاد کشمکش و ستیز در بین افراد آن، از جانب این برادران و خواهران مشاهده شده است؟ چرا شما اجازه میدهید چنین گرایش غیر-مکتبی در جهاد، یا نهادهای دیگر رشد کند و حاکم شود؟ آیا برادران شما در جنبش مسلمان نیستند آیا همانها نیستند که تا پیش از پیروزی دوش بدوش هم علیه رژیم و در مسیر مکتب مبارزه میکردید؟ شما در مسلماتی و صداقت انقلابی آنان تردید دارید؟

چرا باید تسلیم تمایلات انحصار طلبانه بعضی جریانات شد. آیا اگر صرف وابستگی یا طرفداری از یکی از گروههای اسلامی مانع از فعالیت در جهاد می‌باشد، پس چرا این قاعده و اصل در مورد کسانی که به جریانات فکری دیگر وابسته‌اند اجرا نمیشود؟ آیا جهاد، وابستگی به همه انواع گروهها، انجمن‌ها و احزاب را رد میکند، یا استثنا قائل است. چه تفاوتی بین یک انجمن، گروه، حرکت و حزب است. در صورتیکه همه مسلمان اسلامی اند، اما تفاوتی از نظر برداشتهای سیاسی و مکتبی باهم دارند. اگر قرار است هیچ نوع وابستگی پذیرفته نشود، نباید تعییش قائل شد، البته ما این قاعده را درست نمیدانیم که افراد را بخاطر علاقمندیشان بیک خط فکری اسلامی از شرکت در فعالیتهای جهاد ممنوع کنند، و اگر این قاعده حاکم نیست، چرا

چرا برادران ما را از فعالیت در جهاد محروم می‌سازند؟

یکی از اصول مورد اعتقاد ما بعد از پیروزی ۲۲ بهمن این بود که با وجودیکه دولت موقت را دولت مکتبی و انقلابی گرایشهای بعضی جریانات و یا اندیشه‌های قشری بعضی دیگر، نهال نورس انقلاب و مکتب را آسیب می‌رساند.

نمی‌سناخیم، اما برادران و خواهران ما وظیفه دارند که هر جا امکان خدمت در مسیر انقلاب و مکتب بدست آورند، حتما ادا وظیفه کرده، از انجام آن خدمات، از هیچ کوششی فرو گذار نکنند.

بر این اساس وقتی فعالیت جهاد سازندگی آغاز گردید، و با تلاشهایی در زمینه اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین دهقانان آغاز گشت، و بخصوص بعد از تصویب طرح تقسیم اراضی و تشکیل کمیسیونهای ۷ نفری، و در موارد مشابه، برادران و خواهران ما سعی کردند با همه امکانات ناچیز خود، در این برنامه شرکت کنند و کردند.

اما جندی نگذشت که تبلیغات ضد گروهی دامن برادران ما را هم گرفت، و "تدریجا" جوی بر نهادهای مزبور حاکم گردید، که بموجب آن هر کس بنحوی دارای تمایلاتی با علاقه‌ای به یکی از گروهها باشد، نباید در این نهادها فعالیت کند.

این تمایل را عده‌ای با اصرار تمام دامن زده و هنوز هم شدت تقویت میکنند. ما از سیاست کلی حاکم بر این نهادها، که تبلیغات گروهی را در داخل آنها ممنوع میکند، اطلاع داریم و برادران و خواهران ما، برای آنکه تضادها و کشمکشهای داخلی و بین گروهها، نهادهای مزبور را فلج نسازد، اصل مزبور را با دقت تمام رعایت کرده‌اند. با اینحال، در موارد متعددی این برادران از ادامه فعالیت در جهاد یا در اصلاحات ارضی محروم و ممنوع شده‌اند، تنها باین دلیل که گرایشهای گروهی دارند و مثلا "خواننده امت

مستکبرین کسانی هستند که انگیزه‌های فزون خواهی و برتری جویی بر شخصیت انسانی آنان غلبه دارد و وسائل و امکانات و قدرت دنبال کردن خواسته‌های خویش را هم دارند.

تغییر نوع دومی که در تاریخ اتفاق می‌افتد، در محتوا است، در ماهیت مناسبات بین افراد، گروهها و طبقات است. اگر تغییر نوع اول نتیجه کشمکش انسان با طبیعت برای تولید بیشتر است، اگر تغییر و تکامل در شیوه‌های تولید و شرایط اقتصادی حاصل مبارزه انسان با موانع طبیعی یعنی تضاد مرگ و زندگی است، تغییر نوع دوم مربوط به کشمکش و مبارزه دو نوع تمایلات، دو دسته افراد یا گروهها و طبقات با دو دسته انگیزه‌ها و تمایلات متضاد است که قبلا شرح دادیم

یعنی تمایلات شیطانی و انسانی. تغییر در روابط و مناسبات بین انسانها حاصل جنگ بین تمایلات توسعه‌طلبانه و فزون خواهی و تمایلات حق طلبانه انسانست تضاد بین وسوسه‌های شیطانی و نهاد و تمایلات انسانی و به تعبیر دکتر شریعتی تضاد بین روح و لجن است که در نهایت راه، به نفی طبقات مستکبر و نفی رابطه استکباری و برقراری جامعه توحیدی و تشکیل امت واحد می‌انجامد.

صنعتی و بانکها و امپراطوریهای مالی و بالاخره رقابت در تسلط بر دریاها، منابع نفتی، یا فضای بالای کره زمین و سیارات، آشکار می‌شود و در مقابل این تظاهرات، جلوه‌های عدالتخواهی و تساوی طلبی و دفاع از ارزشهای معنوی و انسانی قرار دارند که در هر مرحله از تاریخ جامعه جلوه و ظهور خاص دارند.

از این رو در تاریخ باید دو نوع تغییر را جستجو کنیم: یکی تغییراتی که در قالب و شکل تضادهای اجتماعی و اقتصادی رخ می‌دهند و مبنای آنها تمایلات سرکش نفریند، یعنی تغییر در کشمکش و تضادهای فردی و خانوادگی و احیانا غیر تولیدی بین افراد در جامعه ساده اولیه به کشمکش و تضاد در جامعه برده‌داری بین برده و ارباب تغییر از تضاد و کشمکش بین بردگان و برده‌داران به تضاد و کشمکش بین رعایا و ملاکین، تغییر از این تضاد به کشمکش بین

مسئولان نهاد جهاد سازندگی وقتی متوجه می‌شوند که داوطلب فعالیت در جهاد خواننده امت است، از قبول وی خودداری می‌کنند.

سکوناً سازیم. بخدا این تنک نظریها و این گرایشهای انحصار طلبانه بعضی جریانات و یا اندیشه‌های قشری بعضی دیگر، نهال نورس انقلاب و مکتب را آسیب میرساند، و از آفتاب حیات بخش، محروم کرده، لاغر و نحیف و شکننده میکند. نگذارید در گلستان مکتب توحید و انقلاب اسلامی هزاران گل سرخ بروید و بشکند. نخواهیم همه قفازا به خود اختصاص دهیم. ما به صداقت و بی نظری شما برادران مؤمن هستیم، ولی نمیتوانیم بر شما خرده بگیریم که چرا اجازه میدهید چنین گرایشی هر روز بیشتر و بیشتر بر جهاد حاکم شود.

تجلی استکبار و استضعاف در جامعه

ظهور عینی این تضاد در جامعه بصورت طبقات و جنبه‌های متخاصم است. در یک تقسیم‌بندی کلی در ابتدا جامعه بدو طبقه مستکبرین و مستضعفین تقسیم می‌گردد، مستکبرین کسانی هستند که

امت

بیت المقدس در تهاجم امپریالیسم و صهیونیسم

جانب دیگر اشغال بیت المقدس، امکان دیگری را از خلق مبارز فلسطین، در رابطه با نوار مرزی اردن با اسرائیل گرفته. امکان نفوذ آنان را از این منطقه به حداقل می‌رساند.

دوم - حتی کردن اثرات جنبش فلسطین و سایر جنبشهای آزادیبخش، رسالتی است که امپریالیسم به اسرائیل واگذارده، و از جمله خواستههای اسرائیل در شرایط کنونی است. بالاخر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، و تا نبر مثبت آن در حرکتهای آزادیبخش منطقه، بویژه جنبش فلسطین، اجرای این امر برای حکومت

فرصت را داده، تا از وضعیت موجود بین دو ابر قدرت سود برده، نظریات خود را تحمیل کند و یون های مثبتی!! در این رابطه کسب نماید.

۵- اسرائیل ماهیبا "تجاوز گر و توسعه طلب است، و همواره در رابطه با جنبش فلسطین، در صدد کسب پیروزیهای بیشتر و تحکم مواضع قدرت خویش میباشد، تا در مقابله با رزمندگان فلسطین و ساله" سر- زمینهای اشغالی و تشکیل دولت مستقل فلسطین، از مواضع محکمتری برخوردار باشد.

بسیاری از منافع استراتژیک و سوق الجیشی امپریالیسم امریکا رابه خطر انداخته است. در این رابطه امپریالیسم که خواستار حفظ و گسترش منافع خود در منطقه میباشد، پس از دست دادن حکومت سربرده" شاه، به اهمیت بیش از پیش اسرائیل، در منطقه پی برده است. از این رو نه تنها به هیچ قیمتی حاضر نخواهد بود اسرائیل را از کف بدهد، و حتی لطمه‌ای به او وارد آید، بلکه در صدد تجهیز هرچه بیشتر اسرائیل از نظر نظامی و اقتصادی و سیاسی بر خواهد آمد. اخباری که حاکی از ارسال سلاحهای جدید از جانب امریکا به اسرائیل هستند، این واقعیت را تصدیق میکند.

این شرایط در مجموع، موقعیتی را فراهم ساخته‌اند، که مناسبات بین این مرور صهیونیست و سر سربرده" امپریالیسم به جنبش عملی که آشکارا، تجاوز به حقوق خلق فلسطین است، دست بزند.

حکومت اسرائیل در صدد بهره برداری هرچه بیشتر، از این شرایط مساعد جهت رسیدن به اهداف اساسی خود است.

این اهداف بطور خلاصه عبارتند از:

اول - حکومت صهیونیستی اسرائیل، همواره در جهت تثبیت فرهنگی و سیاسی حوس قدم برداشته و از مقاصد اساسی اثر نسبت موجودیت صهیونیسم است، که لزوماً این امر نفی فرهنگی، سیاسی فلسطین را در بر خواهد داشت. اسرائیل با اشغال بیت المقدس و تسخیر مسجد الاقصی، در این اندیشه است، تا خلق فلسطین را از نظر فرهنگی خلع سلاح کند. سنت المقدس، یا یگانه مبارزه خلقی است که سالها، علیه قدرتهای زمان خویش مقابله نموده و پایداری کرده‌اند. مسجد الاقصی، بناگر بیوند ادیان توحیدی است. و از

باززه گسترده سرزمین فلسطین، و بیوند همیشگی اش با سرنوشته سایر نهضت‌های آزادیبخش منطقه، آنرا از ویژگی خاصی برخوردار ساخته است، و بر ماست که در هر زمین و زمان، بر سرنوشته مبارزه ملت قهرمان فلسطین خاموش ننشینیم.

تاریخ این سرزمین، از آن هنگامیکه با اشغال صهیونیستها درآمد، تا اهداف سوم خویش و امپریالیسم را در منطقه تحقق بخند، سراسر تجاوز به حقوق فلسطین و سرزمینهای عربی است. منافع استراتژیک، سوق الجیشی، و اقتصادی امپریالیسم و ویژگی‌های پرستی و توسعه طلبی اسرائیل، همواره در طول این سالها، اجاره" هر گونه

امپریالیسم امریکا، جهت حفظ منافع خویش، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به اهمیت اسرائیل بیشتر واقف شده و در صدد تحکیم مواضع اقتصادی، سیاسی و نظامی اسرائیل است.

بی بر بانی است واحد اسلامی و حمایت از همه جنبشهای آزادیبخش منطقه جهان بوده، و از هیچگونه حمایتی دریغ نرزد. ثانیاً - توجه به این امر که پیروزی انقلاب ایران علیه امپریالیسم، بیوند ناگسستی با رشد سایر جنبشهای آزادیبخش، بویژه جنبشهای منطقه دارد، و ضربه به این جنبشها و بخصوص جنبش فلسطین که قلب برتیش و حیات بخش حرکت‌های آزادیبخش منطقه است، انقلاب ایران را نیز از تا" تیر منفی خود، مصون نخواهد داشت. ثالثاً - اهمیت بیت المقدس، از این دیدگاه که دومین قبله گاه مسلمین، مسجد الاقصی، در آن قرار دارد، و انقلاب اسلامی ایران، بلحاظ این ویژگی خاص، و سایر دول مترقی منطقه، دارای اهمیت بسیار بوده، و بر ما و آنهاست که در جبهه‌های متحد علیه تجاوز گری اسرائیل بمقابله برخیزیم.

این شرایط در مجموع، موقعیتی را فراهم ساخته‌اند، که مناسبات بین این مرور صهیونیست و سر سربرده" امپریالیسم به جنبش عملی که آشکارا، تجاوز به حقوق خلق فلسطین است، دست بزند.

حکومت اسرائیل در صدد بهره برداری هرچه بیشتر، از این شرایط مساعد جهت رسیدن به اهداف اساسی خود است.

این اهداف بطور خلاصه عبارتند از:

اول - حکومت صهیونیستی اسرائیل، همواره در جهت تثبیت فرهنگی و سیاسی حوس قدم برداشته و از مقاصد اساسی اثر نسبت موجودیت صهیونیسم است، که لزوماً این امر نفی فرهنگی، سیاسی فلسطین را در بر خواهد داشت. اسرائیل با اشغال بیت المقدس و تسخیر مسجد الاقصی، در این اندیشه است، تا خلق فلسطین را از نظر فرهنگی خلع سلاح کند. سنت المقدس، یا یگانه مبارزه خلقی است که سالها، علیه قدرتهای زمان خویش مقابله نموده و پایداری کرده‌اند. مسجد الاقصی، بناگر بیوند ادیان توحیدی است. و از

سائگردا انقلاب مصر

همین جهت بود - اما این اتحاد سه سال بیشتر دوام نیاورد - اعتقاد ناصر به صدور انقلاب نیز، از همین اعتقاد او سرچشمه میگرفت. اما متأسفانه ناصر این تلاش را از طریق دولت‌های عرب انجام میداد و این توجه به وجود سران مرتجع عرب، این تلاش عملاً" مواجه با شکست بود.

۲ - ضربه انقلاب به سرمایه داری و فتودالیسم، از خصوصیات دیگر انقلاب میباشد. منظور افسران آزاد از اصلاحات ارضی نابودی قدرت سیاسی و اقتصادی ملاکان بود. اجرای اصلاحات ارضی تا" مین این خواست افسران بود. صاحبان صنایع نیز، که اکثراً" با شرکت‌های بیگانه شریک بودند، در اثر رشد طبقه" متوسطی که با، کار در کارخانه ها تجربیاتی آموخته بود، ضربه خوردند. این گروه متخصص بنام " گروه مصر" نقش حیاتی در انقلاب بازی کردند.

انقلاب، ناسیونالیسم مصری بود که از علاقه" بیش از حد ناصر به تاریخ ایمن سرزمین نیز، سرچشمه میگرفت.

انقلاب پس از پیروزی اقدام به انجام اهداف خود نمود. از جمله به اصلاحات ارضی پرداخته، رسیدگی به مسائل کشاورزان و دهقانان را در اولویت قرار داد.

مصر در زمان ناصر از اهمیت ویژه‌ای در مسائل جهانی برخوردار شد، که تا آنروز سابقه نداشت. و اینهمه بخاطر ویژگیهای انقلاب بود، بطور خلاصه میتوان ویژگیهای انقلاب مصر را چنین بیان نمود:

۲ - بر طبق سوابق تاریخی، هر زمان که انتخابات ریاست جمهوری امریکا، در جریان بوده است، و هر یک از جناحهای رقیب در این تلاش بوده و هستند، تا حمایت سرمایه داران صهیونیست را جلب کنند، اسرائیل از موقعیتی که در این هنگام ایجاد میشود، بخوبی سود برده، و از این شرایط بفتح خویش بهره برداری مینماید. فشار کارتر به کشورهای اروپایی جهت حمایت از اسرائیل در آستانه" انتخابات ریاست جمهوری امریکا، بانگر این واقعیت است.

۳ - بطور کلی تا قبل از مرگ ناصر وجود



نجاوز و حمله های وحشیانه را به اسرائیل، این فرزند خلف امپریالیسم داده است. پس از تشکیل دولت اسرائیل، بعد دیگری نیز، بر ایجاد اسرائیل (دست - نشاندگی، نژاد پرستی، توسعه طلبی)، افزوده گشت و آن قهر و خوشبختی بود که علیه فلسطینیها بکار بست. چراکه ایمن رزمندگان را اصلی ترین مانع راه خویش میدید - کشتارهای دسته جمعی، دیربایسن، و کفر قاسم، و عین الزیتون... نمونه هایی از این جنایات وحشیانه" صهیونیستها و ارباب امپریالیستان است. از آن زمان تاکنون، اسرائیل همواره در صدد نفی کامل فلسطین، و هموار کردن راه، برای رسیدن به مقاصد شوم صهیونیسم قدم برداشته است، و در این مدت، دست یابی به مناطق دریای مدیترانه، فزات، و لبنان و نیل و خلیج فارس، و اثبات فرهنگی صهیونیسم، از عمده ترسی آرزوهای است که سران صهیونیسم آنرا سر لوحه" عمل خویش قرار داده‌اند.

اکنون، ما در شرایطی واقع شده‌ایم، که خلق فلسطین، پس از پشت سر گذاشتن بیش از ۳۰ سال تحمل تجاوزگری اسرائیل، برای چندمین بار، با توطئه انتقال پایتخت اسرائیل، از تل آویو به بیت المقدس، روبرو هستند.

اسرائیل در حال حاضر از شرایط مساعدی که در منطقه برایش وجود دارد، حداکثر استفاده را می نماید، و چنانکه مناسبات بکین در هفته های قبل اشاره کرده بود، می‌رود تا بسوی نفی فلسطین قدم بر- دارد.

۲ - بر طبق سوابق تاریخی، هر زمان که انتخابات ریاست جمهوری امریکا، در جریان بوده است، و هر یک از جناحهای رقیب در این تلاش بوده و هستند، تا حمایت سرمایه داران صهیونیست را جلب کنند، اسرائیل از موقعیتی که در این هنگام ایجاد میشود، بخوبی سود برده، و از این شرایط بفتح خویش بهره برداری مینماید. فشار کارتر به کشورهای اروپایی جهت حمایت از اسرائیل در آستانه" انتخابات ریاست جمهوری امریکا، بانگر این واقعیت است.

۳ - بطور کلی تا قبل از مرگ ناصر وجود

۱ - شعار وحدت ملیت های عربی، از مهمترین ویژگیهای انقلاب مصر بود. مشاهده" این امر که بقای اسرائیل در گرو پراکندگی کشورهای عربی است، ناصر را به اهمیت این مسئله واقف کرد. اگر به سیاست توسعه طلبی اسرائیل دقت کنیم، در می یابیم که اسرائیل نه تنها برای تسلط بر منافع نفتی تلاش میکند، بلکه خواب تصرف کل فلسطین و صحرای سینا و مصر را دیده است، از این رو بلحاظ موقعیت استراتژیک مصر در منطقه سعی دارد، او را از سایر اعراب جدا سازد. امریکا و انگلستان در زمان ناصر، تلاشهای بی گیری را در انجام این سیاست نمودند، اما هر بار با مخالفت ناصر روبرو گشتند. ناصر در راه اتحاد ملل عرب تلاشهای بسیاری نمود، و اتحاد او با سوریه نیز در

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

۱ - شعار وحدت ملیت های عربی، از مهمترین ویژگیهای انقلاب مصر بود. مشاهده" این امر که بقای اسرائیل در گرو پراکندگی کشورهای عربی است، ناصر را به اهمیت این مسئله واقف کرد. اگر به سیاست توسعه طلبی اسرائیل دقت کنیم، در می یابیم که اسرائیل نه تنها برای تسلط بر منافع نفتی تلاش میکند، بلکه خواب تصرف کل فلسطین و صحرای سینا و مصر را دیده است، از این رو بلحاظ موقعیت استراتژیک مصر در منطقه سعی دارد، او را از سایر اعراب جدا سازد. امریکا و انگلستان در زمان ناصر، تلاشهای بی گیری را در انجام این سیاست نمودند، اما هر بار با مخالفت ناصر روبرو گشتند. ناصر در راه اتحاد ملل عرب تلاشهای بسیاری نمود، و اتحاد او با سوریه نیز در

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

مصر، و همچنین نظریه" وحدت ملت‌های عرب برای اسرائیل مانع بزرگی بحساب می‌آید. پس از ناصر، با روی کار آمدن سادات و اتخاذ روش وابستگی به امپریالیسم امریکای همچین سرسپردگی بسیاری از حکومت‌های مرتجع منطقه به امپریالیسم، این موقعیت برای اسرائیل بوجود آمده است که با جسارت بیشتری به اعمال تجاوزگرانه" خویش بپردازد. توافق نامه" کپ دبوید، که عمده ترین اهدافش، حفظ منافع امپریالیسم امریکا، تقویت اسرائیل، و تضعیف جنبش فلسطین است از نمونه‌های بارز این عملکرد حکومت مرتجع مصر در حمایت از صهیونیسم میباشد.

۴ - در بعد وسیعتر، درگیری شوروی در افغانستان، و حضور نظامی وی در آنجا، کتمکنی که بر علیه خلق‌های جهان میان ابر قدرت‌ها در جریان است به اسرائیل این

دیدار سفیر جمهوری عربی سوریه با دکتر پیمان و...

حول انقلاب ایران و انقلاب فلسطین و چونگی مقابلها امپریالیسم و صهیونیسم و نقش اسلام و ایدئولوژی اسلامی در انقلاب ایران و نقش انقلاب ایران در جهان امروز و بخصوص در منطقه عربی خاورمیانه، و جنبشهای آزادیبخش در سایر کشورهای اسلامی و بالاخره زمینههای وحدت بین ملل مسلمان، دور می‌زد.

هر انقلابی باید ابتدا دشمنان خود را دسته‌بندی کند، اول به بزرگترین دشمن بپردازد، سپس دشمن درجه دو و سپس درجه سه و همینطور تا آخر

از دست می‌دهند و انقلاب از درون ضعیف می‌گردد. برای پیروزی انقلاب، قاطعیت و روش انقلابی و وحدت لازم است. در جواب این نکته که باید نقش ایدئولوژی اسلام در نهضت‌های انقلابی لیبی و ایران، تعیین شده و تجربیات بکار رفته، چه در زمینه برداشتهای مکتبی و چه در پیاده کردن اصول اسلام در عمل، مبادله گردد، آقای یونس گفت: ما در سوریه سوسیالیسم را که عدالت اجتماعی اسلام است و در حقیقت راه ابوذر است، دنبال می‌کنیم. ولی انقلابی که مستقلاً برپایه اسلام باشد، در ایران بوقوع پیوسته است، بهمین جهت می‌گوئیم شما انقلاب در اسلام کرده‌اید.

او در ادامه صحبت خود درباره راه مقابله با تهدیدهای امپریالیسم گفت: هر انقلابی باید ابتدا دشمنان خود را دسته بندی کند، اول به بزرگترین دشمن بپردازد، سپس دشمن درجه دو و سپس درجه سه و همینطور تا آخر. اگر در یک زمان با همه دشمنان درگیر شود، شکست می‌خورد و سپس با اشاره به شعار نه شرقی نه غربی گفت: ما از شوروی کمک دریافت می‌کنیم و از جانب آن خطری احساس نمی‌کنیم، و مرز مشترکی با شوروی نداریم، نمی‌شود در همه جبههها در یک زمان جنگید.

در توضیح شعار فوق برادر ما، از جنبش مسلمانان مبارز، اظهار داشت که: در ایران هم ما دقیقاً دشمنان خود را دسته‌بندی کرده‌ایم، چنانکه میدانید، امام خمینی رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند، در حال حاضر آمریکا دشمن اصلی ما با شیطان بزرگ است، و همه تفنگها و فریادها باید متوجه آمریکا باشد.

ما در ایران شوروی را بدلیل اشغال نظامی افغانستان نکوهش و محکوم کرده‌ایم و شعار نه شرقی و نه غربی به این معنا نیست که هم‌اکنون انقلاب ایران خود را در دو جبهه در حال جنگ می‌بیند، بلکه این شعار مکتبی به این معناست که، در مبارزه با دشمن اصلی به قدرت دیگری نباید متکی

آقای ابراهیم یونس که خود را ژنرال ارتش سوریه و یکی از نزدیکترین دوستان و همکاران حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه معرفی کردند، معتقد بودند که دولت سوریه، روی علاقه خاصی که به انقلاب ایران دارد، یکی از نزدیکترین یاران رئیس‌جمهور را به عنوان سفیر به ایران گسیل داشته است.

برای اطلاع خوانندگان، فرستاده‌های از نظریات آقای ابراهیم یونس را، درباره مسائل مورد گفتگو، و نظریات متقابل برادران، در جنبش مسلمانان مبارز را، در زیر می‌آوریم.

برادر ابراهیم یونس، یادآور شدند، که مدتهاست با افکار و اندیشه‌ها و مواضع جنبش مسلمانان مبارز آشنا هستند، و در پاسخ سوالی که برادر پیمان درباره مساله قومیت عرب و بعضی برداشتهای گرایشهای افراطی در این زمینهها، و اینکه گفته می‌شود، کسانی انقلاب اسلامی ایران را به زبان قومیت عربی می‌بینند، طرح کرد.

چنین توضیح داد که، از نظر ما، آرمان قومیت عاملی است در بسیج توده‌های عرب در مبارزه علیه استعمارگران، عاملی که ملل عرب را در برابر دشمن مشترک متحد می‌کند، و جز این هدف دیگری را در این شعار جستجو نمی‌کنیم.

برادر ما در تأیید این نقطه‌نظر، یادآور شد: جمال‌عبدالناصر نیز برداشتی مشابه از مساله ملیت عربی داشت، چنانکه در کتاب فلسفه انقلاب مصر، این معنا را تصریح کرده، و وحدت ملت عرب را مرحله‌ای ضروری برای رفتن بطرف شعار وحدت مسلمانان می‌شمارد، و می‌نویسد، پس از آن ما باید برای وحدت مسلمین جهان بکوشیم.

بقیه از صفحه ۵ بمب گذاری و با حمله به دفاتر و...

من معتقدم اگر دولتی انقلابی میداشتیم که با سرعت و قاطعیت ضدانقلاب را سرکوب میکرد، فتودالیسم را برمی چید، به خان خانی خاتمه میداد، دست سرمایه داران، محترمان، تجار غارتگر، قاچاقچی ها، ساواکی ها و همه عمال دشمن و... را قطع کرده و آنانرا مجازات و سرکوب میکرد و برنامه هائی انقلابی به نفع توده ها اجرا مینمود نه فقط هیچیک از گروههای مخالف نمیتوانستند مانعی بوجود آورند که به سرعت توسط مردم منزوی میشدند. در چنین اوضاعی است که مرزهای انقلاب وضد انقلاب و حق و باطل درهم فرو میرود و شبهات حاکم میگردد. می بینی یکسال و نیم بعد از پیروزی مردم و شکست دشمن، خانواده‌های که در دوشوارترین لحظات تاریخ ملت، چهار شهید تقدیم انقلاب کرده است، باید در ارباب و ترس و تهدید دائم و شبانه روزی به سر برد. اکنون همان دلپره های زمان رژیم و حاکمیت ساواک، اینبار از ترس بمب گذاری و حملات کسانی که ماهیت آنان هنوز معلوم نشده است تکرار میشود و باعث میگردد که آسایش و امنیت در خانه آنان استقرار نیابد. صرفنظر از اینکه چه عوامل و جریاناتی از انفجارات



امکانات کمی برخوردار می‌باشیم. ما به نقش ایران در مبارزه‌های که با دشمن صهیونیستی داریم اهمیت فوق العاده میدهیم، ایران برای ما بخصوص بعد از افتادن مصر در دست سادات اهمیت حیاتی دارد، انقلاب ایران توانست ضربه از دست دادن مصر را برای عربها جبران کند.

برادر ما در پاسخ گفت، درست است که هر جامعه و انقلاب، در هر سرزمینی ویژگی‌هایی دارد، اما همه انقلابات تابع یک مقدار اصول و قوانین و قواعد عام هستند که مربوط به یک سرزمین یا ملت معین نیست. اینها را سنت‌های تاریخ می‌گوئیم، و قرآن هم از این سنتها بگرات یاد می‌کند. از جمله همین اصل که در بین دو عنصر انسان، سلاح و ابزار، اصالت با انسان است، یک اصل مکتبی و یک سنت تاریخی است. یعنی توده‌ها وقتی در راه حق قیام می‌کنند، نسبت به دشمن خود که دارای سلاح و نیروی نظامی بیشتری است، برتری دارند. بنی اسرائیل، قدرت فرعون را که ارتش منظم و سلاح فراوان دارد، شکست می‌دهد. مردم الجزایر، ارتش مدرن فرانسوی را بزانو درمی‌آورند، در حالیکه غالباً بیش از یک تفنگ ندارند، و ملت ایران با مشتها و فریادها، ارتش شاه و اربابش آمریکا را وادار به تسلیم می‌کند، زیرا ملتها ایمان دارند و در راه حق می‌ایستند، اگر جز این باشد، ما قادر به شکست دادن دشمن نخواهیم بود.

در مورد پراکندگی سرزمینهای عربی، کاملاً درست است، این ضعف سبب رشد تمایل به اتکا و وابستگی به خارج می‌شود. لذا امر وحدت همه ملل عرب و ملل مسلمان، یک ضرورت حیاتی است. در پایان این گفتگو صحبت از زمینه‌های همکاری بین ملت‌های مسلمان، و در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، و کمک به آزادی فلسطین به میان آمد. برادر ما بر ضرورت مبادله تجربیات و دستاوردهای مکتبی و اجتماعی و مبارزاتی تأکید ورزید و گفت: در گذشته حکومت‌های دست‌نشانده استبدادی مانع از برقراری رابطه بین ملل مسلمان و جنبشهای آزادیبخش می‌شدند و

قدرت آتش نسبت به دشمن برتری کسب کند. بهمین جهت کشور شما هم که این سیاست را دنبال می‌کند، ناچار است برای خرید سلاحهای مدرن، به هر جا روی آورد و دولتهای عرب با وجود برتری، از لحاظ نیروی انسانی، بدلیل آنکه اسرائیل، از لحاظ سلاحها و قدرت آتش بر آنها برتری دارد، هنوز نتوانستند دشمن را از خاک خود بیرون کنند. علاوه این مشی، یک نیاز دائمی به قدرتهای بزرگ، برای تأمین سلاحها بدنیال دارد، و اگر روزی کشورهای بزرگ، بر مبنای مصالح و منافع خود به توافق برسند، کمک به شما را قطع کرده، و دست شما برای مبارزه با دشمن خالی می‌ماند، و ما بارها شاهد توافق ابرقدرتها و نداشتن حقوق و مصالح ملت‌های کوچک بوده‌ایم.

در صورتیکه بر طبق مشی دوم، در درجه اول اصالت به نیروهای ملیونی مردم داده می‌شود، و این نیرو، برتری دشمن را از لحاظ ساز و برگ نظامی خنثی می‌کند. چنانکه در الجزایر و در ویتنام دیدیم.

آقای یونس در پاسخ، با تأیید کامل نقطه‌نظرهای برادر ما و تأیید اصالت انسان در انقلابها و حرکتها، روی اهمیت اسلحه و قدرت جنگی تکیه کرد و گفت: بدون اسلحه نمی‌شود جنگید.

علاوه ما در مبارزه با اسرائیل به اندازه شهیدای ایران - شهید داده‌ایم و با اینحال همچنان از آرمان فلسطین دفاع می‌کنیم و در کنار برادران فلسطینی باقی می‌مانیم.

برادر ما در دنباله توضیحات خود، به انقلاب ایران اشاره کرد و گفت: در ایران رژیم دارای یکی از مدرن‌ترین ارتشها و پیشرفته‌ترین سلاحها بود، و آمریکا ۲۵ سال ارتش ایران را برای مقابله با جنبشها و انقلابات تعلیم داد، لکن سرانجام ملت ما، در بسیج ملیونی خود، با دستهای خالی، دشمن را به زانو درآورد، زیرا به سلاح ایمان مجهز بود، و انگیزه جنگیدن و شهید شدن داشت، اما در دشمن چنین انگیزه‌ای وجود نداشت. ما ملت‌های کوچک چاره‌ای نداریم جز آنکه اصالت را به قدرت

شویم. در قطع وابستگی از آمریکا، نباید وابسته به بلوک شرق یا هر قدرت دیگری بشویم، بلکه سعی کنیم بر پای خود بایستیم و به نیروی خود متکی باشیم. اما در عین حال با هر کشوری که قصد تجاوز یا اعمال سلطه بر ما ندارد، روابط دوستانه و متقابل داشته باشیم. اگر در ایران بعضی‌ها می‌خواهند انقلاب را در جبهه‌های مختلف وارد جنگ کنند، و جبهه جنگ و مبارزه با امپریالیسم را تضعیف کنند، تاکنون موفقیتی نداشتند و خط امام خمینی، اولویت دادن به مبارزه با آمریکا، سرکرده امپریالیست‌هاست.

در مورد قصبه فلسطین و استراتژی مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم که از ایشان سؤال شد، اظهار داشتند: کشور ما و سایر کشورهای عربی، زمانی تحت حکومت عثمانی‌ها بود، بعد که فرانسویها و انگلیسیها آمدند، هر قسمت از خاک عرب را بدست یک شاه و قدرت محلی سپرده، سرزمین عربی را به قطعات کوچک تجزیه و تقسیم کردند. ما هر یک به تنهایی فاقد امکانات لازم هستیم، لذا وحدت برای ما، مرحله ضروری مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم است. انقلاب اسلامی ایران بلحاظ استراتژیک و امکاناتی که دارد، میتواند و باید توطئه خیانت‌بار قرارداد کپ‌دیوید را خنثی کند.

برادر ما توضیح داد، در اینجا دو مساله باید بررسی شود: اول - چونگی وصول به وحدت است. آیا شما می‌خواهید وحدت را با همکاری و مشارکت دول مرجع عرب نظیر اردن، عراق، عربستان یا مراکش تحقق بخشید، در حالیکه این دولتها وابسته به استعمارند و هرگز صمیمانه در مبارزه برای آزادی فلسطین شرکت نخواهند کرد، پس آیا نباید مبارزه برای

برای پیروزی انقلاب قاطعیت و روش انقلابی و وحدت لازم است

آزادی این کشورها از بوغ مالک ارجحی انجام گیرد؟ اگرچه مبارزه علیه حکومت‌های وابسته، از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم جدا نیست، لکن اتکا به این دولتها، وحدت واقعی ما را به تاخیر نمی‌اندازد؟ آیا نباید دولتهای انقلابی عرب به امر صدور انقلاب و کمک به مبارزه مردم عرب داخل حکومت‌های مرجع، و نهضت‌های آزادیبخش موجود این کشورها، اهمیت درجه اول بدهند؟

در پاسخ این قسمتها آقای یونس گفتند صدور انقلاب الزاماً با تبلیغات و سروصدا همراه نیست، بلکه برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده و در طول زمان می‌خواهد. نکته دوم که برادر ما در مورد استراتژی مبارزه اسرائیل طرح کرد، این بود که: بنظر می‌رسد که در مبارزه با دشمن دو مشی اساسی وجود دارد: یکی اصالت دادن به ارتش مدرن منظم و به سلاحهای پیچیده، دیگری اصالت دادن به نیروهای انسانی و قدرت بسیج توده‌ها. دولتهایی که مشی اول را تعقیب می‌کنند، برای مبارزه با صهیونیسم، فقط به ارتش منظم خود می‌اندیشند و می‌کوشند تا از لحاظ اسلحه و

اگر انقلاب به نتیجه نرسد، و هدفهای خود را پیاده نکنند، مردم ناراضی می‌شوند و امیدشان را از دست می‌دهند و انقلاب از درون ضعیف می‌گردد.

خود را به اصول انسانی مکتب به جهان ثابت کند. به همین دلیل باید گفت روش مکتبی این است که ضد انقلاب را قاطعانه بکوبیم ولی برای آرا و عقاید افراد و دستجات، آزادی قائل باشیم و خود با قاطعیت انقلاب را پیش بریم تا افکار و روشهای باطل پایگاهی به دست نیاورند و در مقابل وقتی آزادی را پاس نهادیم و اجازه دادیم گروهها با عقاید و روشهای پیششدهای خود بطور منطقی فعالیت کنند، اگر مسئولین عاجز ماندند، در برنامه های خود شکست خوردند، کشور را از هر نیرو و فکر و اندیشه‌ای خالی نخواهد بود. انتقاد سالم و سازنده از ضروریات بوده و قانون اساسی هم آنرا محترم شمرده است. لذا معتقدم نباید همه گروهها و جرائد را با یک چوب راند و با یک چاروب از میان برداشت. اگر گروهها فعالیت ضد انقلابی دارند، درست، در غیر اینصورت این شیوه به ضرر انقلاب است. امروز بعد از یکسال و نیم بیشتر، می‌بینیم زمامداران ماکه در انحراف و خطا بودند و خارج از خط. امام حرکت کردند و انقلاب را به آستانه شکست کشاندند هنوز هم در راه کارند. اگر قرار بود همه خفه شوند کسی حق انتقاد نداشته باشد چه مصیبتی ببار می‌آید. آری بگذارید انقلاب در فضای آزاد تنفس کند و گلهای سرخ انقلاب از هر جا شکوفه زند و تنها علفهای هرز را با داس انتقام الهی قطع کنید.

در پایان این گفتگو صحبت از زمینه‌های همکاری بین ملت‌های مسلمان، و در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، و کمک به آزادی فلسطین به میان آمد. برادر ما بر ضرورت مبادله تجربیات و دستاوردهای مکتبی و اجتماعی و مبارزاتی تأکید ورزید و گفت: در گذشته حکومت‌های دست‌نشانده استبدادی مانع از برقراری رابطه بین ملل مسلمان و جنبشهای آزادیبخش می‌شدند و

با خلع ید از سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم

با خلع ید از سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم

امت

روش شناخت قرآن بر پایه (قرآن)

ویژه دانش آموزان

(محکم و متشابه (۸)

تقسیم بندی دیگری که در مورد قرآن وجود دارد، تقسیم آیات به دو قسم محکم و متشابه میباشد.

هوالدی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و آخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم ذیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویل و ما یعلم تاویل الله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون اما به کل من عند ربنا و ما یدکر الا اولو الالباب (۲۹)

تأویل باید براساس شناختی واقعی استوار باشد و نه براساس خواستها و آرزوهای ذهنی که ناشی از وجود تمایلات بشری است.

متشابه است بیرونی میکند تا با تاویلی مطابق خواست و آرزوی خویش فتنه برانگیزند. در حالی که تاویل این آیات را کسی جز خدا و فرورفتگان در علم (صاحبان شناخت عمقی و واقعی) نمیدانند. اینان - راسخون در علم - کسانی اند که همواره سخنشان اینست که ما به همه آنچه که از نزد خدای ما آمده است ایمان داریم (اعم از محکمات و متشابهات) و فقط خردمندان مذکور میشوند.

در این آیه خداوند تقسیم بندی "محکم و متشابه" را برای آیات قرآن قائل شده و به این ترتیب بیان میدارد که کلیه آیات در داخل این تقسیم بندی قرار میگیرند. هر آیه‌ای یا محکم است یا متشابه در مورد مفاهیم و معانی این دو اصطلاح، مفسرین، علما، معانی مختلفی قائل شده‌اند.

محکمات، آتایی هستند، لا یتغیر که ثابت و پایدارند و اصل مرجع و نایف فروع میباشند. این آیات از اینجهت، ام الکتابیند.

اما متشابهات آتایی هستند متغیر بوده و در واقع در حکم فروع میباشند.

به این ترتیب آتایی که اصول اعتقادی راجع به توحید و معاد و قیامت و مبدء و اصول و صفات خداوندی و سننها و قانوننماییهای عام تاریخی و نیز اصول عام اخلاقی و... را مطرح میکنند جزو محکمات بوده و آن دسته از آیات که به بیان تمثیلهای و تشبیهات و فروع میپردازند جزو متشابهات محسوب میشوند. فی المثل آتایی از قبیل "اللهم سوره السموات والارض...، "الله خالق کل شیء"، "هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهوبکل شیء علم" که بیان برخی صفات خدایی است از محکمات بوده و آتایی از قبیل "یدالله فوق ایدیهم" و یا "والله سمیع علم" از متشابهات میباشند. دو آیه اخیر که بعنوان نمونه از آنها یاد شد، به این دلیل متشابهاند که اگر آنها را بصورت مجرد از آیات دیگر قرآن که در رابطه با خداوند ذکر شده است در نظر بگیریم، این اشتباه ممکن است پیش بیاید که خداوند مثلا "دست" - "ید" دارد و به این ترتیب برخلاف اصول متفق قرآنی خداوند را در مکان قرار دهیم یا اینکه گوئیم خدا "گوش" - "سمیع" داشته و بازم چنین اشتباهی را مرتکب شویم. اصولاً یکی از ویژگیهای متشابهات هم همین است که اشتباه برانگیزند.

رابطه بین محکمات و متشابهات: حال باید به این سؤال پاسخ گفت که

جهت برای فهم و درک صحیحتر و اصولی تر متشابهات حتماً آنها را باید به محکمات برگشت داد تا تاویل شود. چرا که در واقع محکمات جهت را بیان مینمایند و اگر که ما آتایی را بدون در نظر گرفتن جهت و سمت آن بخواهیم تفسیر نماییم قطعاً به بیراهه خواهیم رفت. زیرا نه تنها در رابطه با شناخت قرآن، بلکه در مورد شناخت کلیه پدیده های جهان، عدم آشنایی و شناخت به جهت و سمت حرکت آن پدیده مورد نظر، امکان ساخت عمیق و واقعی آنرا از ما میگیرد. چونکه شناخت ما اینتکام مبتنی بر واقعیات خواهد بود که منطبق بر جهت کلی حرکت یک پدیده باشد و شناختن این جهت کلی هم طبعاً امکان این تطابق را از ما سلب مینماید.

بهر تقدیر برای دوری از اشتباهات در مورد فهم متشابهات برگشت و تطابق دادن آنها به محکمات باید انجام گیرد. توجه به تاویل نزول آتایی که در ابتدای بحث، طرح شد این معنا را برای ما روشنتر میکند:

"جمعی از نصاری نجران خدمت پیامبر (ص) رسیدند و تعبیر قرآن درباره مسیح - کلمه الله و روحه - را دستاویز خود قرار داده و میخواستند برای مسئله تثلیث و خدایی مسیح از آن سو استفاده کنند و آن همه آتایی را که با صراحت تمام هر گونه شریک و شبیه را از خداوند نفی میکند، نادیده انگارند. این آیه نازل شد و به آنها پاسخ قاطع داد. (۲۰)

چنانکه می بینیم وصف "کلمه الله و روحه" در واقع از متشابهات است. در همین رابطه "... هوالله احد" نیز از محکمات محسوب میشود. در صورتی که ما تعبیر قرآن را در مورد حضرت مسیح (ع) به آیه "محکم" فوق یا محکمات دیگری از قبیل بازگشت ندهیم، قطعاً به اشتباهی دچار خواهیم شد که در نتیجه آن نهایتاً به شرک و تثلیث گرایش خواهیم یافت.

برای اینکه بتوان این عمل - یعنی تاویل - را انجام بدهیم و در نتیجه آن معانی صحیح قرآن و آیات آنرا دریافت بایداز علم یعنی شناختی عمیق که دارای نطق با واقعیتها باشد، برخوردار بود. برای روشنتر شدن این مفهوم بار دیگر به قسمتی از آیه "۷ سوره آل عمران نگاه می مینماییم:

"... پس اما کسانی که در دلهایشان کجی و انحرافی است - و به همین دلیل شناختشان از جهان هستی مطابق تمایلات فردی و ذهنی شان است نه براساس آن چیزی که وجود خارجی دارد - از آنچه که متشابه است بیرونی میکنند تا با تاویلی مطابق خواست و آرزوی خویش فتنه برانگیزند، در حالی که تاویل این آیات را جز خدا و فریورفتگان در علم نمی دانند...

چنانکه از این آیه و مفهوم آن روشن میشود تاویل باید براساس شناختی واقعی استوار باشد و نه براساس خواستها و آرزوهای ذهنی که ناشی از وجود تمایلات بشری است.

بعنوان یک نتیجه کوتاه از این قسمت بحث میتوان چنین گفت که متشابهات آتایی هستند که به طرح فروع برداشته و

ایمان به متشابهات، خود راهی است برای آزمایش انسان، چرا که ایمان به متشابهات مستلزم، آگاهی هرچه بیشتر انسان است. در حالی که، ایمان به محکمات که با عقل انسانی کاملاً سازگار است و در نخستین برخورد درک میشود، امری عادی است.

برای اینکه برداشت ما از آنها صحیح باشد، حتماً باید آنها را در رابطه با محکمات که مسائلی عام هستند در نظر گرفت. در غیر اینصورت این آیات "اشتباه انگیز" بوده و ما را به انحراف میکشاند.

لزوم وجود آیات متشابه: ممکن است در نظر نخست این اشکال پیش آید که چرا تمامی آیات قرآن بصورت آیات محکم نازل شده است که اولاً دلیلی برای اشتباه در برداشت از آنها وجود نداشته باشد تا نایباً اختلافی در برداشتها از قرآن وجود نداشته باشد. چرا که اختلاف در تفسیر قرآن ناشی چند بعدی بودن آیات متشابه که یکی از ویژگیهای اینگونه است، وجود نداشته و تمامی مسلمانان نسبت به مفاهیم قرآن از وحدت وانسجام

کامل برخوردار باشند. حل این اشکال نیز با توجه به نظرات و گفته های برخی علما و مفسرین، بطور خلاصه در چند اصل به این صورت است. یکی از مهمترین دلایل این امر تشویق و ایجاد نیاز تفکر و تدبیر در جهان خلفت در میان انسانهاست. محکمات بطور کلی آتایی هستند که کوچکترین نیازی به اثبات نداشته و کاملاً صریح و واضح اند. در وحدانیت و یگانگی خداوندی نمیتوان کوچکترین تردیدی داشت. همچنین در مسائلی از قبیل مبدء خلقت و معاد و قیامت و بهشت و دوزخ و... چنانکه می بینیم در هیچ جای قرآن سعی بر اثبات وجود خدا، یا وجود معاد و قیامت نشده است. هر جا سخنی از این قبیل مسائل واقعی یاد میشود، اینها اصول عام جهان شمولی هستند که هیچگونه شک و تردیدی درشان نمیتوان داشت. در حالی که قرآن بوسیله متشابهات سعی بر این دارد که به انسان شناخت بهتر و عمیقتر و علی بنویسیت به واقعیتهای جهان هستی بدهد. اینهمه سفارش و تاویل قرآن نسبت به جستجو در طبیعت، در تاریخ، در پدیدهها و اصولاً در کل جهان بهمین سبب همانطور که در مباحث گذشته هم گفته شد، بخاطر عمق بخشیدن به شناخت انسانی است.

این تعمیق شناخت توسط آیات متشابه صورت میگردد. انسان هر چه بیشتر در این قبیل آیات تفکر و تدبیر نماید، بیشتر احساس نیاز در خود احساس میکند نسبت به اینکه بازمه باید تفکر بیشتری نماید تا معانی عمیق تر این آیات را درک کند. حال آنکه در همان وحدانیت خداوند، چنین چیزی نیست. البته نه به این معنا که این آیات (محکمات) احتیاج به تفکر و تدبیر ندارند، باید در همه قرآن کاملاً عمیق

انسان. چرا که ایمان به مسایهات مسلمون آگاهی هرچه بیشتر انسان است. چه ایمان به محکمات که با عقل انسانی کاملاً سازگار است و در نخستین برخورد درک میشود، امری عادی است. در صورتیکه متشابهات از بیچیدگی بیشتری برخوردارند و برای ایمان به آنها باید تفکر و تعمق بیشتری مینمود. (۳۲) به این ترتیب نکته دیگری که مطرح میشود اینست که مردم، هر یک به اندازه شناخت و آگاهی خود قادر باشند برداشتهایی از قرآن

در این موارد بعداً صحبت خواهیم نمود.

۲۹ - آل عمران ۷ / ۳۰ - نقل از "فی ظلال القرآن" ۳۱ - این معنا را مؤلف قاموس قرآن نیز در ج ۴ کتاب خود بیان نموده است. ۳۲ - محمد عمده در تفسیر المنار این دلیل را ذکر مینماید. ۳۳ - در مورد اقسام متشابهات رجوع شود به "مفردات راغب" ادامه دارد

با تصفیه شده ها چه باید کرد؟

گفتیم: حق با تست موارد زیادی از این نوع مداخلات و اعمال نظریه های عناصر فرصت طلب مشاهده شده است و اینها وظیفه عناصر مومن و انقلابی انجمنها و کمیتههای پاکسازی است که با قاطعیت تمام این عناصر را از درون خود حذف کنند و در کار خود جز مصلحت انقلاب و رضایت خدا و حق و عدالت در نظر نگیرند که بیعدالتی در چنین مواردی زبانههای سختی متوجه انقلاب و عاقبت همان افراد می کند. در همین زمینه دوست ما اضافه کرد: راستی تکلیف کارکنان تصفیه شده چه می شود؟ این افراد را بدون دستمزد و کار و راهنمایی و کنترل بحال خود رها می کنند. آیا نباید از عواقب این طرز عمل نگران بود؟ اولاً افراد مزبور وعائلههای آنان چگونه زندگی و امرار معاش کنند؟ الا آن که مملکت به بیگاری دچار است و با وجود صدها هزار جوان بیگار، این افراد چگونه موفق به یافتن کار خواهند شد؟ آیا مشکلاتی که در این راه دچارش می شوند، بر ناراضیاتی حاصله از تصفیه شدن نمی افزاید و گینه و خصومت در دل آنان بدید نمی آورد؟ و آیا آنان را در معرض لغزیدن بدمان ضدانقلاب قرار نمی دهد؟ حتی اگر از ترس دست به چنین اقدامی نزنند، ناراضیاتی آنان بصورت انتقاد و شکایت دائم در انبوس و تاقسی و در مغازه و حمام و محل و مجلسی و در برخورد با هر شخص و عابری بروز می کند. عاملی می شوند در خدمت شایعه سازی، ناراضی سازی و کمک می کنند به ایجاد حس بدبینی در مردم. ابتدا در خانواده و زن و فرزند و خویشان خود و سپس در دوستان و همسایگان و دیگر مردم. این بدبینیها و به یاس و بی تفاوتی مردم منجر می شود و در موقع خطر بجای آنکه جانب انقلاب را بگیرند، بی طرف می مانند یا بهرنحوه که شده دشمن را یاری خواهند کرد. راستی مسئولین امور به این مسائل اندیشیده اند؟ گفتیم: آنقدر که بادم می آید در اوایل دادگاههای انقلاب هر عنصر ضدانقلابی را که محاکمه و محکوم می کردند و اموالش را مصادره می نمودند، هزینه زن و فرزند او را منتقل می شدند و با کمال دقت و وسواس مواظب بودند تا عواقب جرائم آن شخص دامن اعضای بی گناه خانواده او را نگیرد. قطعاً این شیوه اسلامی و انسانی هنوز هم

نموده و به همان میزان شناخت خود را ارتقا دهند.

- اقسام متشابهات: چنانکه از مجموع نظریات مختلف قرآن درباره متشابهات استنباط میشود، این آیات از چند نظر تقسیم میشوند که بطور اجمال اهم آنها چنین است: الف - از نظر چگونگی بیان مطالب. ۱ - داستانها و حوادث تاریخی و ذکر مصداقها و نمونه ها. ۲ - مثالها و تشبیهات. ۳ - استعاره ها و مفاهیم سمبلیک. ب - از نظر معانی الفاظ. ۱ - الفاظ مفرد (توجه به معانی مختلف یک واژه از قبیل سمع، بصر، عین بد). ۲ - الفاظ مرکب (در نظر گرفتن معانی آیات). ج - از نظر شرایط نزول آیات. ۱ - مکی و مدنی بودن و توجه به سیر نزول آیات. ۲ - توجه کیفیت و کمیت شرایط. د - از نظر ایهام و بیچیدگی که باره ای از این جنس آتایی با بیشتر شناخت بشری بتدریج از حالت متشابه درآمده و به حکم تبدیل میشود. از قبیل کیفیت خلقت آدم - شیطان - روح - ملک - وحی جن - و... (۳۳)

برای فهم و درک صحیح تر و اصولی تر متشابهات، حتماً باید آنها را به محکمات برگشت داد تا تأویل شود، چرا که در واقع محکمات جهت را بیان می نمایند و اگر ما آیه ای را بدون در نظر گرفتن جهت و سمت آن بخواهیم تفسیر کنیم قطعاً به بیراهه خواهیم رفت.

در این موارد بعداً صحبت خواهیم نمود. ۲۹ - آل عمران ۷ / ۳۰ - نقل از "فی ظلال القرآن" ۳۱ - این معنا را مؤلف قاموس قرآن نیز در ج ۴ کتاب خود بیان نموده است. ۳۲ - محمد عمده در تفسیر المنار این دلیل را ذکر مینماید. ۳۳ - در مورد اقسام متشابهات رجوع شود به "مفردات راغب" ادامه دارد

می کند. اسلام اسرا یا عناصر ضدانقلاب و کسانی را که مومن به اسلام و انقلاب نیستند، از روی جهل و یا از راه غرض و داشتن خصلت های غیرتوحیدی، تحت نظر و تربیت خود نگاه میدارد تا ضمن کار کردن و کمک به تولید اجتماعی، با حق و انسانیت و اسلام آشنا شوند. بهترین نحوه نگاهداری متناسب با شرایط زمان پیامبر، که نهادهای عمومی وجود ندارد، سپردن آنان به خانواده های مجاهدان مسلمان است که مستقیماً در پی کار شرکت جسته، با اسلام آشنا و بدان مومن اند. با این شیوه اولاً این افراد، آواره و بی سرپرست نمائند، به سرکشی و بیگاری دچار نمی شوند. ثانیاً تحت مراقبت هستند و از اقدامات احتمالی آنان بر ضد انقلاب جلوگیری می شود. ثالثاً با اسلام و انقلاب آشنا شده، آماده برای قبول آن می گردند، رابعاً با شیوه برادرانه و انسانی که نسبت به بداندان رفتار می شود و مورد تأکید اسلام و شخص پیامبر است، خصومت و کینه و بدبینی از دل آنان بیرون می رود و محبت اسلام و مسلمانان حایش را می گیرد. با غلام در خانواده، چون عضو مساوی با دیگران رفتار می شده، از یک غذا بر سر یک سفره چون برادر و فرزند خانواده می نشسته و استفاده می کرده، و مانند بقیه کار می کرده و کمترین تفاوتی در حقوق با دیگر اعضا نداشته است. جز آنکه آزاد برای رفتن بهر جا و هر کار نموده، تا وقتی که از جانب وی بیبی نیست و آزاد می شود. این شیوه بصورت دیگری که متناسب با عصر ما باشد قابل اجراست. اردوهای کار یا نهادهای جهادسازندگی و نظایر آن می توانند این قبیل افراد را بپذیرند و بکار و آواز کنند تا اولاً بیگار گردند، ثانیاً اگر قرار است حقوق و ممر معاش آنان قطع نشود، در عوض کار مثبت و تولیدی انجام داده باشند. ثالثاً در این اردوها زیر مراقبت اعضای مکتبی و انقلابی این نهادها با رفتار اسلامی و با اندیشه های توحیدی آشنا گردند و رابعاً مراقبتی هم از آنان بعمل آمده و جلوی بعضی اقدامات احتمالی و زیان بخش هم گرفته شده است. بهر تقدیر قطع کامل حقوق و دستمزد تصفیه شدگان و رها کردن آنان در جامعه فعلی بدون مراقبت و سرپرستی، بهیچوجه نه با اسلام و عدالت و انصاف و نه با مصلحت انقلاب سازگاری دارد.



۲۱ رمضان شهادت امام علی آموزگار اسلام انقلابی

با دشمنان احساس کرده بودند، علی به خلافت رسید و آنچنانکه سنت خداسانت حق به صاحب اصلی خویش بازگشت و علی در این تاریخ وارث خرابه‌های گردید که حاصل سالها کجروی و انحراف اشرافیت کتیف بنی امیه بود.

بازگشت علی به صحنه به منزله برپایی انقلابی تازه بود که با قصد ریشه کن ساختن تمامی مظاهر شرک و نابودی طبقات و یکسان نمودن جامعه پای به میدان می‌نهاد. انقلابی که حیات دوباره توحید را نوید و بانگ مساوات و برابری را در سرزمینهای تحت ستم سرمیداد. انقلابی که زیر و رو کننده نظام موجود جامعه و دگرگون کننده تمامی نهادها و معیارها می‌بود. و علی که با خواست توده‌های محروم به خلافت رسیده بود برای بنا نهادن پایه‌های نظام حکومتی خویش آنان را دعوت به همکاری میکند و توده‌ها نیز که برای اولین بار پس از پیامبر فردی را می‌دیدند که در اوصداقت، ایمان، قاطعیت و عشق به عدل و توحید موج میزند گوش بفرمان وی نهادند. آری توده‌ها همواره رهبران صادق و فداکار و مردمی خویش را تشخیص داده و در پشت سر وی قرار میگیرند و در راه وی به هرگونه ایثار و فداکاری تن میدهند و علی که نیز که خود برخاسته از خلق است و با مطالبی که نسبت به خود غفلت نسبت به سرنوشت آنان، جلو چشمان نافذ و تیزبین وی را نمیگردد و پیوسته در جهت تحقق خواسته‌های آنان گام برمیدارد بطوریکه میتوان گفت حکومت علی، آغاز حکومت مردم است، حکومتی که با بها دادن بسیار به توده‌ها، آنان را در راه سهرم خود جای میدهد و بالطبع هر حکومتی که رنگ مردمی نداشته باشد توده‌ها را به عنوان نقطه اتکا خویش قرار دهد دارای دشمنان بیشتری است زیرا پیکان زهرآکین ضد خلق همواره خلق را نشانه می‌رود.

حکومت علی، حکومتی است که توده‌ها را در برپایی مردم خویش جای میدهد.

نداشتن معیار دهنده، قادر به تشخیص صحیح اوضاع و احوال آشفته آنروز نبودند علی آموزگار توصیه شده پیامبر که اسلام - شناس ترین و قرآن فهم ترین فرد زمان خویش بود بدلیل توطئه شیخین برای کسب مقام خلافت، نتوانست به حق مسلم و از پیش تعیین شده خود دست یابد، زیرا در مجموعه‌ای که حق و باطل مزوج با یکدیگرند در کوتاه مدت حق، کناره گیری میکند، آن چنانکه علی ۲۵ سال حاشیه نشین گردید. و این زمان آغاز سومین دوره مشخص زندگی علی است. علی در این هنگام از حق بلا- تردید خویش در برابر تجاوز کاران و انحصار طلبان داخلی صرف نظر نمود تا وحدت دورنی جبهه انقلاب در برابر دشمنان خارجی به مخاطره نیفتد، وی در اینجا پیشنهاد فرصت طلبانه‌ی چون ابوی سفیان را برای رسیدن به قدرت و بازگویی خلافت رد مینماید و زنجیر دردناک و طاقت فرسای سکوت را یک ربع قرن بر دور خود می‌بچسبد تا مکتب به تزلزل و ناپایداری دچار نگردد. آری اسلام تازه با گرفته آنقدر که مدیون سکوت و بردباری علی است، مدیون شمشیر و جهاد او نمیشد.

این ستم تاریخی که خلافت غصب را جایگزین امامت حق نموده و باعث کنار رفتن امام علی از صحنه سیاست گردید، بمنزله پیروزی طبقه بود بر است، دارالخلافه بود بر مسجد، اشرافیت قبیله‌ای بود بر شرافت انسانی و جاهلیت کهنه و مرتجع بر انقلاب نوین توحید. علی خود در اینباره میگوید: پس صبر کردم در حالتی که چشمانم را خاشاک و غبار و گلوم را استخوان گرفته بود میراث خود را تاراج رفته می‌دیدم.

بازگشت علی به صحنه خلافت نوید دهنده برابری و حیات دوباره توحید بود.

ابوبکر و عمر حاکم بر دمشق بود و در دوران خلافت عثمان حکومت فلسطین و حصر را نیز غصب کرده بود بعنوان دشمن شماره یک و عمده ترین گرفتاری علی چهارم نمایی میکند و علی که نمیتوانست از حق سخن گوید و باطل را به حال خویش رها سازد، دیگر برایش کج رویهای معاویه که برای رسیدن به قصد ناپاکش و به چنگ آوردن سروری سیاسی و اجتماعی به هر توطئه‌ای دست میزد و در پی برهم زدن حکومت علی اخلاص مینمود، قابل تحمل نبود، برای نابودی این کاخ سبز نشین در صفین رویاروی وی قرار گرفت زیرا که هدف علی همبستگی جهان اسلام بود نه تقسیم آن با معاویه، سپاه علی حرب را به مرز پیروزی رسانیده بود اما در اینزمان معاویه که سنگینی شکست را بر پهلکهای چشمان خویش احساس کرده بود و ظفر بر علی را نا ممکن میدید، برای فرار از تیغ علی همچون تمامی اسلام پنهانان و مروجین اسلام طبقاتی، قرآن بر سر نیزه کرد چنانکه امروز نیز عمده ترین حربه برای مقابله با اسلام خود اسلام است و سبایان علی که قدمی بیش تا پیروزی فاصله نداشتند با دیدن قرآن ها بر سر نیزه دست از حرب برداشته و علی را مجبور به ترک مبارزه و تهدید به مرگ کردند، اما کوشش علی برای بازگرداندن آنان در حالیکه فریاد می‌کشید: " جای تعجب و حیرت است، سوگند به

بقیه از صفحه ۱

خدا اجتماع ایشان بر کار ناحقشان و تفرقه و اختلاف شمار کار حقتان دل را میمیراند" بی ثمر بود و کاغذ پاره‌های قرآن معاویه به قرآن ناطق چیره شد و علی در زیر فشار سپاهیانش مجبور به قبول حکمیت که پلید ترین توطئه معاویه بود، گردید.

حکیمیتی که از هر جهت حکایت از نا - برابری میکرد زیرا شخصی مکار و حیله گر چون عمرو بن عاص را بعنوان نماینده معاویه برابر فرد ساده لوحی چون ابوموسی

علی آنچنان فقیرانه زیست تا خود را با محرومترین انسانی که ممکن بود در قلمرو حکومتش باشد شبیه سازد.

اسعری قرار میداد. حبله معاویه کارگر افتاد و این حکمیت موجب بروز اختلاف در لشکر علی گردید و گروهی به نام خوارج با نقی بیعت و علم کردن شعار "لا حکم الا لله" رویاروی علی قرار گرفتند و وی را مجبور به تن دادن به نبرد نهران نمودند. نبرد نهران نشانگر اوج کارآئی و سازماندهی نظامی علی بود که پیروزی قاطع وی را در بر داشت. علی در جریان این نبرد میگوید: آری حکم و حکومت خاص پروردگار است ولی شما از این حق گوئی جز ناحق اندیشه دیگری ندارید. "کلمه حق براد بها الباطل. در هر سه نبرد صفین، جمل و نهران این اسلام پنهان بودند که در مقام دفاع از اسلام طبقه خودشان بر علی که

آیا فقط لیبرالها مقصردند؟

دست در دست دولتمردان بر کشور حکومت می‌کردند و یا در تأیید کامل دولتمردان سخن می‌گفتند، نشانه یک تغییر کیفی و واقعی در دیدگاهها و خط مشی آنان است؟ با آنکه چون اینک امام بر سازندگان و محافظه کاران خروشیده‌اند و آنان هم تبعیت کرده حمله را آغاز کرده‌اند؟

انتقاد از خطاهای زمامداران در یکسال و نیم گذشته و ضایعات و صدماتی که تحت حکومت دولت و شورا به انقلاب وارد گردید، فقط یک مرحله از کاری است که باید انجام می‌گرفت. اما گام مهمتر برای جلوگیری از تکرار چنان وضعی، ریشه‌یابی و رفع و زدودن عواملی است که موجب روی کار آمدن چنان دولت و حکومتی را فراهم ساخته و آن نوع سیاستها را بر کشور و انقلاب حاکم کردند.

آیا اکنون که بر گذشته پورش می‌بریم و آنرا نفی کرده و باطل می‌شماریم، اکنون که می‌خواهیم بر اساس پیامهای امام طرحی نو دراندازیم، طرحی انقلابی و مکتبی چه تضمینی وجود دارد، که باز هم سیاست دیرین تکرار نگردد و افرادی از آن قماش و با آن نوع بینش و روحیه بر سر کار نیایند؟ آیا افراد جدیدی دست در کار تشکیل دولت‌اند یا همان‌ها که در ترکیب دولت سابق شرکت داشتند؟ اگر امام می‌گویند آنان یا تجربه نداشتند و یا روحیه انقلابی باید دید اکنون این دورا بدست آورده‌اند؟ چه ضمانتی هست که دولت آینده دارای همان نوع خصلتها و بینشها نباشند؟

بازگشت علی به صحنه خلافت نوید دهنده برابری و حیات دوباره توحید بود.

دولت روی اعتمادی که به امام خمینی دارند، هر دولتی را ایشان تأیید کنند، پشتیبانی کرده، زبان از سوال و انتقاد فرو می‌بندند. چنانکه دولت موقت را بهمان دلیل که مورد حمایت و تأیید امام بود، بنحوی سابقای حمایت کردند. ضعفها و کچی‌ها و انحرافات آنرا نادیده گرفتند، به این امید که فردا کاری را که دیرروز و امروز انجام نداده، بدفع مردم و انقلاب انجام دهد.

مفهوم پیام امام و خواست امت بسیار روشن است، این پیام یک دگرگونی کامل را در ساخت دولت طلب می‌کند. با تغییر چند مهره و جمع کردن افرادی از همان تیب و با همان روحیه و بینش، چیزی عوض نمی‌شود. کسی نمی‌گوید اینها آدمهای بدی هستند، بد و خوب بودن آنان مسئله دیگری است. انقلابی بودن غیر از خوب بودن بمعنای متعارف است. همه میدانیم که دولت لیبرال مورد حمایت همجانبه سرمایه‌داران و فئودالها و نیز مرجعین قرار داشت، زیرا این جریانات دولت را سنگری برای حفظ موقعیت و دفاع از منافع خویش و حمله به نیروهای اصیل مکتبی قرار داده بودند. همان جریان فکری ارتجاعی اجازه نمی‌داد انحرافات دولتمردان از خط

محور دین و اسلام مجسم بود شمشیر کشیدند. شمشیر ارتجاع بر نهال تازه رسنه توحید این مصائب و سختی‌ها در طول مدت ۵ سال خلافت علی موجب پراکندگی و عدم تمرکز فکر و عمل وی برای تثبیت حاکمیت قاطع اسلام بر جزیره العرب گردید و علی را از آنچه که در سر داشت باز میداشت و جلوی فریاد رهایی بخش او یعنی عدلو داد را که خطاب به همه گروههایی بود که ستم می‌دیدند و

دحرومیت می‌کشیدند و استعمار میشدند میگرفت. زندگی علی پس از ۲۳ سال مبارزه مکتبی، دوشادوش پیامبر و ۲۵ سال تلاش برای وحدت جبهه داخلی و ۵ سال کوشش برای برقراری قسط و توحید ناب به پایان خویش نزدیک میگردد، پایانی که بشریت را از داشتن منکامل ترین عنصر عصر خویش با تمامی نیازی که به وی حس میشد محروم گردانید.

مخالفتان علی که سراسر وجودشان از باطل رنگ گرفته بود پس از اینکه از همه توطئه‌ها و حبله‌ها و ایجاد مشکلات و مانع گوناگون در سر راه وی بهره‌ای نیافتند تصمیم به قتل وی گرفتند زیرا برای از میان برداشتن علی راه دومی وجود نداشت. برای انجام این مقصد پلید، خزنده شومی از خوارج بنام عبدالرحمن بن ملجم از مکه با رسالت قتل علی پای به کوفه نهاد تا تقدیر علی را با مرکب خون قلم زند.

هنوز شب نوزدهم رمضان، سحر لیل

مردم روی اعتمادی که به امام خمینی دارند، هر دولتی را ایشان تأیید کنند، پشتیبانی کرده، زبان از سوال و انتقاد فرو می‌بندند.

انتقال و امام فاش گردد و به جریانات فکری اصیل و انقلابی برجسب ضدانقلاب می‌زد.

آیا این جریان واپس‌گرا که سرعت در هم‌جا رسوخ و نفوذ کرده‌است، ریشه‌کن شده و آیا دگربار در تعیین و معرفی دولت جدید و در پرورش نهادن روی انحرافات و ضعفها همان نقش دیرین را بازی خواهد کرد؟

متأسفانه مقدمات کار تعیین دولت چنانست که بنظر می‌رسد کمترین توجهی به ضوابط تعیین شده از جانب امام، نشده است. آیا برآستی دست‌درکاران، دولتی انقلابی و مکتبی معرفی کرده‌اند؟ یا آنکه دو جناح حاکم از ناچاری و بمنظور رسیدن به توافق دولتی را که بیشتر مورد قبول طرفین است، تشکیل داده‌اند؟! در حقیقت نزاع و تضاد موجود بین دو جناح هیئت حاکمه تنها عامل موثر در تعیین نوع و ترکیب دولت است.

با وضعی که موجود دارد و با توجه به تمایلات و خواسته‌های، این دو جریان تشکیل دولتی بر اساس ضوابط اعلام شده از جانب امام غیرممکن بود. زیرا هر دو جناح خود در دولت و حکومت سابق که تا این لحظه شرکت دارد، شرکت مستقیم و فعال داشته و

افزافه بر آن تمایل هر طرف به اینکه دولت درست تابع آنان باشد، مانع دیگری است در راه تشکیل یک دولت انقلابی و مکتبی، زیرا هیچیک از طرفین حاضر نیستند وجود دولتی مستقل از خود را بپذیرند و تحمل کنند. هر طرف مصرانه میخواهد دولت کامل" وابسته و تابع او باشد و چون ادامه اصرار و لجاجت در معرفی دولتی یک‌طرفه ابعاد ناگواری پیدا می‌کرد، موقتا" روی یک دولت (میان) و معلول بهر دو طرف توافق گردانند. معلوم است که تحت چنین شرایطی تنها ضابطه تعیین و تشکیل دولت این بوده و هست که تحت نفوذ کامل یک طرف دعوا نباشد. از این رو یقین بود که نخواهند توانست ضوابط تعیین شده از جانب امام را رعایت نمایند. تازه هر طرف هم کموفقی می‌شد نظر خود را بنور کامل اعمال کرده دولتی صدرصد تابع خویش روی کار می‌آورد، باز هم آن دولتها

می‌توانستند حائز شرایط یاد شده در پیام امام باشند.

رای‌گیری برای تعیین نامزد نخست‌وزیر در حزب جمهوری نشان داد که جوان‌ترها تمایلات متضادی با خواست و تمایل رهبران دارند. آنان به نامزدی رای دادند که استقلال عمل بیشتری در برابر دو جناح حاکم دارد و لذا چنین عنصری نمی‌توانست مورد توافق قرار گیرد.

آیا با توجه به مضمون پیام امام و خواست ملت به داشتن یک دولت جوان و انقلابی، بهتر نبود که در تعیین و تشکیل دولت بر خلاف گذشته رای و نظر نیروهای جوان را در نظر می‌گرفتند؟ آیا کسی به این نیروها که در جهاد، در سپاه، در گروهها و انجمن‌ها و پراکنده و صادقانه مشغول کارند مراجعه کرد و از تمایلات آنان جویا گردید؟ آیا کسی از مردم، مردمی که انقلاب را با خون شهدای خود سرپا نگاه داشتند، در باره دولت آینده سؤال کرد آیا تجربیات تلخ این مدت کافی نبود تا سبب شود مصلحت انقلاب و اسلام را بر مصالح شخصی و گروهی ترجیح دهیم؟ آیا صدمات و لطامتی که متحمل شدیم و خطرهایی که گرد سر انقلاب پرواز می‌کنند، نباید موجب شود تا بر بینشهای استکباری خودمحوری، قدرت‌طلبی و کیشهای شخصیت و تمایلات انحصارگرایانه و افکار قشری و ارتجاعی پشت‌با بنزیم و آیا جز این است که این بار هم همانند دفعات قبل از پیام امام و خواست ملت بصورت ظاهری پیروی می‌شود و حقیقت محتوا و مقصود اصلی آن نادیده گرفته می‌شود. زیرا بعضی میل ندارند ذره‌ای از اختیارات جوانان رزمنده و توده‌های انقلابی و مومن حساب بازکنند.

آیا باید فرصت گرانبهای دیگری یکسال یا بیشتر تلف شود تا آزموده‌ها مجددا" آزمایش شوند و حقایق آشکار گردد و ضربات مهلک دیگری بر پیکر انقلاب وارد شود، تا مجددا" به این نتیجه برسند که انتخاب درستی انجام نداده، دولتی انقلابی و مکتبی روی کار نیاوردند.

ولی غافل از این حقیقت تلخ نباشید که اگر این بار چون گذشته دولتی ضعیف، غیرانقلابی و غیرمکتبی روی کار آید و همان بینشهای لیبرالی و یا ارتجاعی حاکم گردد ثمره خون هفتاد هزار شهید است که بر باد می‌رود و چنانکه امام خمینی گفتند، آنروز بجای آنکه هر روز برای چندین شهید تازه عزای بگیریم، خدای نکرده باید در عزای انقلاب به سوگ بنشینیم! برای پرهیز از این فاجعه دردناک و شکست بزرگ باید همه عوامل و شرایطی که در روی کار آمدن دولت موقت انجامید و سیاستهای یکسال و نیم گذشته را حمایت و تقویت می‌کرد، تغییر کند و این کار جز در اثر آگاهی مردم و اتحاد نیروهای انقلابی وفادار به انقلاب میسر نخواهد بود.

امام بابانگ توحید پر لب و بادلی غرق در تقدیس ریش، به دبندار خدای خود شناخت.

القدر را نژادیده بود که شمشیر زهر آلوده عبدالرحمن خارجی بر فرق مطهر علی فرود آورده شد. علی که برای اقامه نماز پای به مسجد کوفه گذارده بود بدست یکی از نمازگزاران پشت سرش، ناجوانمردانه ضربت خورد و کوشش حجر این نزدیکترین یار امام که از جریان توطئه باخبر گشته بود مانع از شگاف برداشتن فرق علی نگردید زیرا جهش تقدیر یک قدم از پرش حجر بن عدی سریعتر بود و حرکت حره، راه را بر قاتل نیست و امام بابانگ توحید بر لب و با دلی غرق در تقدیس ریش سرخود را شکافته دید. آری سر علی در دعوت به صلاه از دم تیغ خارجی گذشت، اما این صربه باعث نشد تا علی بر جای نشیند، علی برخاست و با شدت خویش درد را به تسخر گرفت اما صلابت ضربه بسیار کاری‌تر از آن بود که علی آنرا مانند تمامی ضربات کاری گذشته نادیده انگارد و به هیچ

بدینترتیب علی بنده خاص خدا در دو شب بعد بانگ رستگاری و فلاحه به خدای خود که معرفتی کامل و عمیق از وی و



بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

نامه به امام خمینی رهبر سازش ناپذیر

بقیه از صفحه ۱

دشمنان ما ربوده گشت و بیانگر خستی نرفته نسبت به زمامداری یافتیم که با محافظه کاری و بینش غیر انقلابی و غیر مکتبی خود، انقلاب خونبار امت مسلمان را در معرض نابودی کامل قرار داده اند.

پیش از این پیام، نامه‌های آماده برای تقدیم کرده بودیم که در آن ضمن یک ارزیابی و جمع بندی از عملکرد یکساله و نیم انقلاب بعد از پیروزی مرحله‌ای، به نتایج رسیدیم که قسمت عمده آنرا در پیام سراسر خشم و اندوه آن رهبر بزرگ منعکس دیدیم.

با شنیدن این پیام یک بار دیگر اطمینان یافتیم که موضع ما در برابر انقلاب بزرگ خلق مسلمان، از آغاز تا کنون در مجموع همان بوده است که اصول مکتب و مصالح خلق ایجاب میکرده است.

نتایج بسیاری از نقطه نظرهای تحلیل‌هایی را که از ایام پیش از پیروزی نسبی و بعد از آن تا به امروز در هر فرصت و موقعیت خاصی در برابر سرنوشت انقلاب و اشکالات، انحرافات، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت و شرط‌ناویم و پیروزی آن تقدیم امام و ملت مبارز ایران کردیم، اکنون در پیام‌های اخیر و بویژه در آخرس آن منعکس می‌بینیم.

از نخستین روز اعتقاد خود را نسبت به موارد زیر بیان داشتیم:

۱- نهضتی که بدست توده‌های مسلمان و جوانان متعهد انقلابی به سرورسیده است، فقط بیاری آنان ادامه می‌یابد. بر خلاف اعتقاد رجال، مردم مسلمان و با ایمانی که نایستی داشتند شاه و رژیم سلطنتی دو هزار و پانصد ساله را سرنگون سازند، صلاحیت جایگزینی و حفظ پیروزی بدست آمده و اداره مملکت را هم دارند. ما عقیده نداشتیم که مردم باید انقلاب کنند و شهید دهند و حکومت را ساقط کنند و سپس قدرت را تقدیم رجال و بزرگان قوم کرده، خود به‌خانه‌ها برگردند و گوش فرمان رهبران تازه رسیده بشنوند.

۲- رجال و سیاستمدارانی که فاقد تجربه انقلابی و بینش مکتبی و روح انقلابی هستند، نمیتوانند این نهضت اسلامی و انقلابی را رهبری کرده، مرحله مبارزه با امریکا و دشمنان بیستار داخلی و استقرار نظام قسط اسلامی را با موفقیت به پایان رسانند. عقیده داشتیم که انقلاب ما بیک دستگاه رهبری متمرکز، قاطع و انقلابی و مجزبه به بیش مکتبی احتیاج دارد تا هر مانعی را با قاطعیت از پیش پای نهضت بر دارد و برنامه‌های انقلابی و تدوین شده خویش را با کمک توده‌های مردم با سرعت و قاطعیت پیاده کند و بدست همین مردم شهید پرور و مجاهد از انقلاب در برابر دشمنان دفاع نماید.

۳- عقیده داشتیم انقلاب در برابر دو تهدید کوتاه مدت و دراز مدت قرار دارد: الف - دشمن در کوتاه مدت میکوشد با استفاده از زمینه‌های که اغتشاشات و کشمکشهای داخلی و گروهی و جنگهای مسلحانه و بحران اقتصادی و نارضایتی عمومی فراهم می‌آورد، با یک توطئه نمودی قدرت را از انقلاب گرفته به مزدوران خود بسپارد یا با حکومت‌های غیر انقلابی و محافظه کار و طرفدار سازش و مماشات به توافق رسیده، منافع خود را حفظ و نفوذ خود را مجدداً تحکیم بخشد و انقلاب را در مرداب سازشکاری دفن نماید.

دشمنان انقلاب که امریکا در رأس آنان قرار دارد، بزودی متوجه شدند که مانع اصلی در راه اجرای این طرح فوق میلیونها مسلمان جان برکف و رهبر سازش ناپذیر آنان امام خمینی است.

لذا همه قدرت خود را برای خنثی کردن این مانع بکار بردند، برای این منظور اقدامات فراوانی را همزمان آغاز کردند و بهر گاری دست زدند، تبلیغات جهانی علیه امام و ملت مسلمان ایران، تحریک جنگهای داخلی، تشدید تضادها و کشمکشهای گروهی، کمک و حمایت از گروه‌ها و جریان‌ها ضد خمینی، سعی در بسازش کشیدن امام، لجن مال کردن نهادهای انقلاب، تصفیه رهبری، حمایت از دولت‌مردان محافظه کار و افراد سازشکار دشمن ابتدا میکوشید که امام را بامزوی کردن، بی اعتبار کردن، ساکت و خاموش ساختن از صحنه خارج سازد تا قدرت بکسره بدست دولتهای محافظه کار و طرفدار مصالحه بیفتد و راه سازش و توافق هموار شود.

وقتی از پیشبرد این هدف ما بویس



کردید و دولت موقت سقوط کرد. لانه جاسوسی اشغال گردید، گروهانها آزاد نشدند و کمیسیونها و دلالان داخلی و بین‌المللی سازش، شکست خوردند و امام مجدداً فعال تر از گذشته در صحنه حضور یافتند، طرح نابودی رهبر انقلاب و توده‌های مسلمان را پیش کشیدند. بنظر ما توطئه اخیر هدفی جز معدوم کردن امام و ضربه زدن بر محبتی مردم مسلمان و مبارز نداشت و حتی نمی‌خواستند در این مرحله قدرت را بکسره قبضه کنند.

تا این لحظه دشمن در وصول به هدف کوتاه مدت خود ناکام مانده است. اگر چه همه شرایط و موجبات برای پیروزی وی فراهم بوده است، تنها و تنها دلیل ناکامی دشمن تا امروز وجود و حضور شامت که جلوی سازش را گرفته‌اید و مردم را در صحنه هوشیار نگاه داشته‌اید و تسلط کامل دولت‌مردان طرفدار سازش بر انقلاب جلوگیری نموده‌اید.

در غیر اینصورت یعنی در نبود امام باید اعتراف کرد که پیروزی دشمن تقریباً مسلم بوده، زیرا ظرف حکومت دولت موقت و شورای انقلاب و بعد از آن تا به امروز، همه به نفع برنامه‌های دشمن بوده است و آنان بدست خود و با سیاستهای غیر انقلابی و سازشکارانه و غیر مکتبی خویش راه تسلط مجدد و پیروزی امریکا را فراهم کرده‌اند.

ب- در دراز مدت هدف امریکا و اروپا اینست که نهضت بعثت محروم بودن از یک حکومت و رهبری انقلابی و مکتبی، بدو طریق با شکست مواجه شود:

اول - وضع بحرانی فعلی ادامه یابد، نارضایتی مردم از بحران اقتصادی و اغتشاش و جنگهای داخلی و تورم و گرانی و کشمکشهای گروهی و جناحهای رقیب در حکومت و افزایش یابد. عدم قاطعیت دولتها در برابر دشمنان انقلاب، عدم اجرای برنامه‌های انقلابی بفع محرومان، حفظ نهادهای نظام شاهنشاهی و تسلط مجدد سرمایه‌داران و متحرکان و فرصت طلبان بر امور مملکت، همه و همه باعث خاموش شدن امیدها و انگیزه‌های میلیونها مردمی شوند که ستون فقران انقلاباند، نهادهای انقلابی نظیر سپاه پاسداران و کمیته‌ها و جهاد سازندگی از انگیزه و امید و از وحدت و انسجام محروم گردند و از هدف‌های اصلی و اولیه خود منحرف و دور شوند، در نتیجه مردم منغفل و خانه‌نشین و دچار یاس شده، این روحیه در افراد نهادهای انقلاب هم رسوخ و تسلط پیدا کند.

در این میان دشمن عوامل خود را در موسسات دولتی، ارتش و ادارات که در اثر مخالفت و ممانعت دولتهای غیرانقلابی تصفیه و پاکسازی نشده‌اند، سازمان دهد و در اولین فرصت و پس از آنکه امام از صحنه حیات انقلاب غایب شوند، با یک سلسله کودتا و ضدکودتا، حکومتی دست‌نشانده و مزدور روی کار آورد.

دوم - با استفاده از زمینه‌های مساعد فوق و در اثر منزوی شدن نیروهای انقلابی و وفادار به امام و خط انقلاب و متلاشی

شدن این نیروها، پس از امام قدرت بدست حکومت‌های بظاهر اسلامی ولی محافظه‌کار، سازشکار، مرتجع و غیرمکتبی بیفتد و عملاً در سیاست داخلی و خارجی راه حکومت‌هایی نظیر سادات در مصر یا صاالحق در پاکستان را پیش گیرند. در اینصورت امریکا نیازی به کودتا نخواهد داشت.

۴) در اجرای این سیاستها علیه انقلاب اسلامی ایران، همه دول استعمارگر و توسعه‌طلب جهان همراهند و اروپا و ژاپن هم متفق امریکا هستند و همه یک سیاست را دنبال می‌کنند. بازیهای سیاسی گول‌زننده هرگز ملاک تشخیص نجات پلید آنان نیست زیرا عقیده داریم انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی هم‌اکنون بزرگترین و خطرناکترین دشمن امریکا و همه استعمارگران محسوب می‌شوند، زیرا نمونه رهبری امام و انقلاب ایران و سازش‌ناپذیری آن نمنتهی سلطه مجدد آنانرا در ایران دشوار کرده، که به انقلاب ایران قدرت صدور و نمونه - سازی در سراسر جهان بخشیده است. لذا باید مطمئن بود که دشمن هرچه در قوه دارد، برای سرکوبی انقلاب و بیرون راندن امام از صحنه بکار خواهد برد. دشمن بیش از هر چیز از روح سازش‌ناپذیر امام و از رسدای مذهبی و انگیزه‌های خدایی و ایمان این ملت هراس دارد، لذا روی کار آمدن یک دولت غیرانقلابی - اگر چه مسلمان - برای او یک پیروزی است.

لذا عقیده داریم که چشم‌های امید امریکا و اروپا در داخل به نیروهای محافظه‌کار و طرفدار مصالحه و مخالف صدور انقلاب دوخته شده است و از هر نوع نزدیکی و همکاری بین دولت ایران و دولتهایی نظیر پاکستان و با دولتهای استعماری اروپا حمایت نمی‌نماید. دلالان بین‌المللی دشمن، از زمامداران ما اسبچه‌های مثبت و امیدوارکننده زیاد شنیده‌اند. آنان این فکر را که از طرف بخشی از مسئولان و دولت‌مردان و بعضی گروه‌ها و اشخاص تقویت و تبلیغ می‌شوند، حمایت و تشویق می‌کنند که:

اولا - مردم بیش از هر چیز به رفاه اقتصادی احتیاج دارند و باید بحران بسرعت رفع شود و بیکاری و گرانی از میان برود و آسودگی، شادی و لذت و رفاه جای آنرا بگیرد. بعد توضیح می‌دهند که:

علت بحران اقتصادی در اینستکه امریکا و اروپا ما را محاصره اقتصادی کرده‌اند و در نتیجه آن ابزار و قطعات یکدک برای صنایع مونتاژ ما نمی‌دهند، خواربار و دارو و کالاهای دیگر نمی‌فرستند و بالاخره پولهای ما را در بانکهایشان توقیف کرده‌اند. برای غلبه بر مشکلات داخلی، راهی جز رفع محاصره اقتصادی وجود ندارد، برای رفع محاصره اقتصادی باید به اختلافات خود با امریکا و اروپا پایان دهیم، اختلافات ما با آنها عمداً بر سر اشغال سفارت و گروهانگیری است، پس با آزادی گروهانها و رفع محدودیت در روابط با امریکا و اروپا، مجدداً اقتصاد ما برهه می‌افتد و از بحران نجات پیدا می‌کند و همچنانکه رسماً رئیس دولت اظهار کرده‌اند: ۱- کمیته‌های امریکایی مجدداً برای فعالیت به ایران بر می‌گردند و یک تولید می‌شود. ۲- وسایل و قطعات یکدک صنایع و کالاهای مورد نیاز و مواد اولیه ارسال می‌کنند و بدیهی است که از آن پس امریکا هم علیه ایران تبلیغ و تحریک نخواهد کرد.

نتیجه این سیاست حفظ و تحکیم مجدد وابستگی اقتصادی و بدنبال آن سیاسی ما با امریکا و اروپاست. زیرا صنایع ما وابسته می‌ماند، تولید ما وابسته می‌ماند و هكذا. بدیهی است که امریکا و اروپا بشرطی حاضرند کمکها را از سر گیرند که انقلاب ایران به خارج صادر نشود. در منافع آنها را در حوزه‌های نفتی خلیج فارس، در پاکستان، عراق، مصر، اسرائیل، در فیلیپین و لبنان و فلسطین و در هیچ جای دنیا بخطر نیاندازد والا باز هم محاصره اقتصادی را از سر خواهند گرفت. اینها فقط جزئی است بی‌آمدهای یک چنین سیاستی خواهد بود. پیروی از این سیاست، بمعنای صرفنظر کردن از هدف استقلال است.

ثانیا - مردم به امنیت احتیاج دارند. برای تأمین امنیت باید همه قدرتها در دست دولت متمرکز شود، تعدد مراکز قدرت از بین برود، مسئولیت حفظ امنیت به ارتش و پلیس سپرده شود. با توجه به روشی که تاکنون در تصفیه ارتش و پلیس و

تغییر نظام ایندو بکار رفته است، معنای این سیاست اینستکه سپاه پاسداران و کمیته‌ها و توده‌های میلیونی مردم مسلمان، همگی بی‌چون و چرا از دولت و ارتش و پلیس آن اطاعت کنند و قدرت عمل مستقل آنان برای مواقع خطر از بین برود و نتوانند بموقع و مستقلاً، از انقلاب در برابر دشمن دفاع کنند. معلوم است که تا وقتی ما از داشتن یک ارتش و پلیس و ژاندارمری کاملاً مردمی و اسلامی مطمئن نشده‌ایم، پیروی از این سیاست تاچه حد برای امنیت انقلاب خطرناک است.

نمونه حکومت و کشوری که بر اساس روشهای فوق بر بحران اقتصادی و سیاسی و هرج و مرج ناشی از انقلاب غلبه کرد و به اصطلاح به رفاه و امنیت رسید، سادات و مصر بعد از ناصراست.

۵) در مقابل این نقطه‌های امید، دول استعماری چنانکه گفتیم، امام و خط انقلاب را سرخشان در برابر خود می‌یابند. اگر سیاستهای زمامداران و غالب مسئولان حکومت برای دشمن امیدبخش و برای انقلاب یاس‌آور بوده است، در عوض بیداری و هشیاری و آمادگی میلیونها امت مسلمان برای فداکاری و جانبازی و شهید - پروری مایه امید انقلاب و یاس دشمن است.

علاوه بر این، نهادهای و نیروهایی که صادقانه در خط اسلامی انقلاب و رهبران امام خمینی حرکت می‌کنند، مایه امید انقلاب و یاس دشمن‌اند. نهادهایی چون سپاه پاسداران، کمیته‌ها، جهاد سازندگی، بسیاری از جوانان متعهد و مسلمان که در گروه‌ها و انجمن‌ها و خارج از آن وفادار به انقلاب و اسلام هستند، همگی تا وقتی بوسیله جریان‌ها خارج از خط انقلاب (محافظه‌کاران - فرصت‌طلبان - قشرون مذهبی و ... منزوی و متلاشی و مایوس نشده‌اند، امیدهای انقلاب برای حال و آینده هستند.

از بعد از اشغال لانه جاسوسی امریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که خط سازشکاری و فرصت‌طلبی از خط انقلاب بیشتر متمایز شد، این نیروها موجودیت مستقل از جریان‌ها وابسته و غیرانقلابی پیدا کردند. تجربیات بعدی بیش از پیش این حقیقت را ثابت کرد که در جبهه انقلاب دو جریان متفاوت زیر یک پوشش قرار داشته‌اند:

الف - انقلابی‌نماها یا خمینی‌نماها که شامل افراد و گروه‌های محافظه‌کار، فرصت طلب، سازشکار، قشری و مرتجع و متناقض می‌شود.

ب - پیروان صادق خط انقلاب و حامیان واقعی امام خمینی. البته گروه‌های دیگری هم وجود داشته و دارند که هر یک بدلیلی و از روی یک تحلیل و انگیزه خاص عملاً در جهت تصفیه رهبری و در خارج از خط انقلاب عمل کرده و می‌کنند.

۶) عقیده داریم که تداوم انقلاب اسلامی و حفظ نهضت در خط اصیل انقلاب و رهبری امام، مستلزم رشد و تقویت و وحدت پیروان صادق انقلاب است. بطوریکه اگر این نیرو بسرعت متشکل نشود و این جبهه موجود نیابد، آینده انقلاب در غیبت رهبر بنیاد، در مخاطره است و شانس پیروزی دشمن در یکی از دو مسیر و سیاست یادشده افزایش می‌یابد.

امام در پیام شب هشتم رمضان خود، بزرگوارانه و چنانکه شایسته اولیاء خدا و مومنان راستین است، از اینکه اداره کشور و زمام انقلاب را در یکسال و نیم گذشته به اشخاص غیرانقلابی و غیرمکتبی سپرده‌اند، احساس پشیمانی و غبن می‌کنند. کاش یک ذره از این احساس مقدس در وجود دولت - مردان ما جوشش داشت. امام که حتی یک لحظه از توضیح، راهنمایی، هشدار، سرزنش و نصیحت آنان خودداری نکردند، بارها جلوی فاجعه‌ها را گرفتند، اعتراض به خطا، قصور و کوتاهی می‌کنند اما آنان که خود مسئول مستقیم این ضایعات دردناک هستند، هنوز هم حاضر به اعتراف نمی‌باشند و هنوز را مصون از هر ضعف و اشتباه دانسته، زمامداری و حکومت رهبری را منحصرآ شایسته و در صلاحیت خویش می‌بینند.

باید بگوئیم که شنیدن پیام صادقانه و ملاحظه خشم خداگونه و اندوه عمیق امام از اوضاع اسفبار کشور تاچه حد قلبهای امت جان‌برکف را بسختی بدرآ آورد. آنچه ملت ما را بیشتر نگران می‌کند، اینستکه این بار هم چون گذشته پیام امام

از جانب کسانی که وظیفه و مسئولیت دارند عملاً ناشنیده بماند و بجای اجرای صمیمانه آن، باز هم به تظاهر و لفاظی و سخن‌پرانی و ظاهر سازی بسنده کنند. حضور فعال امام بعد از فترت بیماری، حمایت انقلاب و ملت ما میمون و تشریح بوده است. زیرا مردم با بسیاری حقایق آشنا شده، ویژگیهای اساسی انقلاب با شناختند. ای پدر و امام بزرگوار، در این حقیقت تردید نیست که سرنوشت انقلاب به وجود و اراده و عمل شما وابسته است. زمامداران از دولت موقت تاکنون با وجود برخورداری از همه‌نوع امکانات و حمایت میلیونها مردم، کاردت امام امت، برای ملت و انقلاب چه کردند که در خور انقلاب اسلامی ایران باشد؟ آنچه انجام دادند، از یک دولت معمولی در یک نظام غیراسلامی و غیرانقلابی انتظار می‌رفت.

اصلی فداکاری صدها هزار شهید، معلول، شکنجه‌دیده، اکنون در لحظه سرنوشت‌ساز خود قرارداد. اگر راهی که زمامداران تاکنون پیموده‌اند، ادامه یابد، چنانکه خود فرموده‌اید، انقلاب نابود است. انقلاب را فقط یک تصمیم انقلابی از جانب شما نجات می‌دهد و در مسیر درست خود قرار می‌دهد.

ما از اول گفتیم و فریاد کشیدیم که خط زمامداران و دولتها همان خط امام خمینی

نیست. در حقیقت می‌دانستیم و می‌نوشتیم که این سیاستها بر خط امام خمینی تحمل شده است و لذا به خود حق میدادیم بر آن سیاستها خنده بگیریم. اما بنحوی که رهبری و انقلاب تصفیه نشوند. ولی بدلیل همین تلاش‌ها برای جدا کردن خط اصیل امام از سیاستهای غیرانقلابی زمامداران، ما را به انواع اتهامات و برجسها متهم ساختند و ضدانقلاب و ضدامام و منافق خواندند و از جانب کسانی که خط امام را منطبق بر خط ارتجاع و دولت‌مردان می‌گردند، متهم بدراست‌روی و اتخاذ سیاست بی‌بانی و سازشکاری از ارتجاع شدیم. لکن انگیزه ما چیزی جز دفاع از حقیقت و از صلحت انقلاب و خط واقعی امام نبوده و نیست.

ما می‌گفتیم که روش دولت موقت و ترکیب بعدی دولت چه در مقابله با ضدانقلاب و گرفتن فرمان عفو برای ضد - انقلاب، تضعیف دادگاهها و نهادهای انقلاب و آزادگذاشتن ساواکیها، سرمایه - داران، فتوادها، میدان‌دانان فرصت‌طلبان قشرون و جلوگیری از تصفیه ارتش و ادارات و عدم حمایت جدی از مستضعفان و سازشکاری در روابط خارجی و در رابطه با دشمن ... هیچیک در خط امام نیستند.

پدر و امام بزرگوار، کسانی که بارها امتحان بی‌کفایتی داده‌اند، نمی‌توانند اجرای پیام شما را برعهده گیرند، تنها امت شهید پرور و جوانان متعهد و مسلمان و انقلابی صلاحیت دارند این مهم را برعهده بگیرند.

ما از ملت قهرمان و مبارز و از همه نیروها و جوانان وفادار به خط امام درخواست می‌کنیم مسئولیت تاریخی خویش را در این لحظات حساس درک کرده، با اتحاد خویش اجرای فرامین امام را برعهده گیرند.

امام به این حقیقت تصریح کردند که انقلاب به رهبری انقلابی و جوان و قاطع و مکتبی نیاز دارد، به چنان رهبری که دستگاههای دولتی و ارتش و موسسات و نهادهای را از وجود ضدانقلاب، فرصت‌طلبان و منافقان پاک سازد. دست سرمایه‌داران و فتوادها را از صنایع و کشاورزی کوتاه، کارگران و دهقانان را به حقوقشان برساند، بازار را از وجود تاجر محتکر و رباخوار و متجاوز و سودجو پاک کند و تجارت و معاملات و بانکداری را بمعنای واقعی اسلامی سازد.

کنوز را که امروز تیول صاحبان ثروت و مستغلات و سرمایه و پول است، به صاحبان اصلی آن که مستضعفان و امت انقلابی است واگذار کند. تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را از مرحله حرف به مرحله عمل وارد کند و آنچه اساسی خارجی ایجاد کند که معرف واقعی انقلاب و اسلام باشد.

کوتاهی در انجام این وظیفه بزرگ، مسئولیتی سخت در برابر خدا و تاریخ و ملت قهرمان ایران دارد.

جنبش مسلمانان مبارز ۵۹/۴/۳۵

برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم وحدت همه نیروهای پیرو خط امام ضرورت فوری دارد

انتقال پایتخت اسرائیل به بیت المقدس وقهرمانیهای خلق فلسطین



حبرگزاری فرانسه: بیت المقدس - روز چهارشنبه پارلمان اسرائیل با ۶۵ رأی موافق در برابر ۱۲ رأی مخالف لایحه تعیین بیت المقدس بعنوان پایتخت همیشگی اسرائیل را تصویب کرد. مناخیم بگین در پارلمان این کشور اعلام کرد که تمام اعضا اتحادیه ملل در نیویورک بایستی بدانند که بیت المقدس پایتخت همیشگی و غیر قابل تغییر اسرائیل و ملت یهود است.

یونایتد پرس، بیت المقدس. دومین زندانی فلسطینی که از دوازده روز قبل به همراه ۷۷ نفر دیگر در یک زندان اسرائیل دست به اعتصاب غذا زده بود، در گذشت. طرفداران زندانیان در شرق بیت المقدس پس از این واقعه دست به اعتصاب عمومی زدند. اما پلیس اسرائیل منازعه های آنان را دوباره کشود. روز قبل از این واقعه نیز یک زندانی دیگر پس از آنکه بزور به او غذا خوردند در گذشت.

صهیونیسم اسرائیل و امپریالیسم امریکا که دستهای جنایتکارشان تا مرفق بخون رزمندگان دلاور و قهرمان خلق فلسطین آلوده است، این بار با خشم و خروش انقلابی و مقدس فرزندان فلسطین در درون شکنجه گاههای خود مواجه شده اند. صهیونیستهای فاشیست که بخمال خود برای نابودی خلق فلسطین در نابلس و رام الله و بیت المقدس به قلع و مع و ترو و شکنجه آنان دست میزنند، اینک در درون زندانها و شکنجه گاههایش اراده انقلابی خلق را می بیند که برای نابودی صهیونیسم و امپریالیسم و بازگشت به خانه و وطن خویش چون گوه استواری و

بقیه از صفحه ۲

معیار انتخاب دولت

وابستگی غذایی و کشاورزی به امپریالیستها گمک می کند. ۷) سیاست خارجی باید بر اساس حمایت جدی و عملی از جنبشهای آزادیبخش و مبارزه جهانی علیه امپریالیسم و ایجاد زمینه وحدت با ملل مسلمان آزاد شده استوار باشد. تشکیل و موفقیت یک چنین دولتی مستلزم رعایت نکات زیر است. اول - اگرچه قانون اساسی فعلی نارسائیهای جدی دارد که باید در اولین فرصت رفع و اصلاح شود، اما به عنوان یک قانون مرحلهای باید مینا و مورد قبول همه ارگانها و قوای سه گانه قرار گیرد و رئیس - جمهور، دولت و مجلس و دیگر ارگانها از حدود وظایف و اختیارات مندرج در قانون مزبور پافرازا نگذارند. دوم - مراکز قدرت فعلی از هردو جناح حاکم از اعمال فشار و نظر در تشکیل و ترکیب دولت آینده خودداری کرده، اجازه دهند یک دولت مستقل از نیروهای فشار، و متشکل از جوانان انقلابی تشکیل شود.

امپریالیسم چه میکند؟

آسوشیتد پرس - بانگوک. یک سخنگوی سفارت امریکا در تایلند گفت: امریکا روز یکشنبه بر اساس طرحی که تحویل اسلحه به دولت تایلند را تسریع میکند. ۶ نفر بر زهی در اختیار این کشور قرار میدهد. این سخنگو افزود دو کشتی که ۱۶ نفر بر دیگر را حمل میکند توسط دولت تایلند از امریکا خریداری شده و در اواخر همین ماه و ماه آینده به تایلند تحویل داده خواهد شد. وی گفت اگر کشور امریکا مخالفت نکند، ۴ تا ۸ تا ۴۸۰ نیز به تایلند داده میشود. دولت تایلند پس از ورود نیروهای ویتنامی به کشورش در ۲۳ ژوئیه از امریکا خواست که ارسال اسلحه به این کشور را تسریع کند.

یونایتد پرس - تل آویو - به گفته منابع نظامی یک هلیکوپتر جدید ضد تانک ساخت امریکا به نیروی هوایی اسرائیل اضافه شده است. این هلیکوپتر که قادر به حمل ۴ موشک ضد تانک میباشد دارای ۲۹۰ کیلومتر سرعت میباشد. نیروی هوایی اسرائیل از یک هلیکوپتر نوپ دار دیگری که ساخت امریکا است نیز استفاده میکند.

تاس و اشنگتن ایالات متحده سیاست اعمال فشار نظامی به جمهوری اسلامی ایران را همچنان ادامه میدهد و برنامه هایی را جهت مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس تشریح میکند. منابع وزارت دفاع امریکا گفتند اسکادرانی متشکل از ۵ کشتی مخصوص پیاده کردن نیرو که در راه آنها نوا هلی کوپتر بر حامل ۱۸۰۰ تنگنادر امریکائی قرارداد برای پیوستن به نیروی دریائی امریکادر دریای عرب از مدیترانه گذشته و در فاصله بسیار نزدیک سواحل ایرانی دست بسد مانورهای میزند. هدف از این مانورها تمرین رهبری عملیات پیاده کردن سرباز و تسخیر نقاط حساس و تخلیه محل، طرف یک مدت کوتاه است.

آسوشیتد پرس، واشنگتن - وزارت دفاع امریکا روز جمعه بطور غیر منتظره ای فروش ۶۷ تانک پیشرفته ام - ۶۰ را به مصر اعلام کرد. پنتاگون به نامدای که جهت کسب اجازه به کنگره امریکانوشته بود گفته است که قصد دارد ۶۷ تانک " ام - ۶۰ " را به ارزش ۱۰۴ میلیون دلار درازا ۱۳۰ تانک " ام - ۴۸ " که نسبتاً قدیمی هستند در اختیار مصر قرار دهد.

ادموند ماسکی وزیر امور خارجه امریکا در کنگره امریکا گفت: اگر ما خواهان ادامه رهبری جهانی امریکاستیم باید هزینه هایی را جهت تحقق آن متحمل شویم.

آنچنانکه از اخبار فوق بر می آید، امپریالیسم جهانخوار امریکا با از دست دادن برخی از پایگاههایش مانند ایران در صدد است تا پایگاههای خویش را در تمامی مناطق جهان اضافه نموده و پایگاههای قبلی خود را تقویت سازد. تا با تسلط یافتن بر چه بیشتر بر مناطق حساس و حیاتی هرگونه حرکت حق طلبانه خلقهای انقلابی جهان را که برای رهایی از بند اسارتش انجام میگیرد شناسائی نموده و سرکوب کند تا مبادا منافع اقتصادی و سیاسی شومش به خطر افتد و به قول خودش برای تسلط بر جهان می باید که از صرف هزینه های هنگفت دریغ نوزد. اما آیا این استراتژی باطل امپریالیسم تا به کی میتواند مفید و کار ساز واقع شود؟ ما را اعتقاد بر این است که تمامی اعمال امپریالیستها برای بقا و حفظ موجودیت خویش صرفاً موقتی و کاذب میباشد زیرا هر نیروی تا به حق و ضد تکاملی محکوم به فنا و نابودی است. بوسیدگی درونی امپریالیسم و توخالی بودنش را قیامهای قهرمانانه خلقهای ویتنام، کوبا و ایران به اثبات رسانیدند و از این پس نیز دیگر خلقها هم بانگ بوسیدگی جهانخواران را سر خواهند داد.

سرکوب و حشینه سیاهپوستان قهرمان

یونایتد پرس، جاناتوگا. پس از ۴ روز شورش های نژادی در شهر جاناتوگا واقع در ایالت تنسی امریکا نیروهای پلیس مناطق سیاهپوست نشین را ترک کردند و حفاظت شهر به گشتی های محلی که تحت نظارت کشیش های سیاهپوست خدمت خواهند کرد سپرده شد. بدنبال درگیریهای شدید پنجشنبه گذشته که طی آن ۹ نفر از افراد پلیس به ضرب گلوله سیاهپوستان از پای درآمدند جسی جکسون یکی از مدافعان حقوق مدنی سیاهپوستان وارد جاناتوگا شد و ضمن دعوت مردم به آرامش از اینکه انتظامات شهر به خود اهالی سپرده شده است ابراز رضایت کرده و آنرا یک پیروزی برای مردم سیاهپوست دانست.

یونایتد پرس، تنسی - چهارشنبه پیش پلیس ضد شورش امریکا در ناحیه جاناتوگا از راهپیمائی ۱۵۰ سیاه پوست جلوگیری کرد. این تظاهرات هنگامی آغاز شد که یک هیئت منصفه صد در صد سفید پوست ۲ تن از کولکوس کلانها را که به ۴ سیاهپوست تیراندازی کرده بودند تبرئه کرد. در طرف دوماه گذشته این سومین بار است که رفتار دولت امریکا با سیاهان به خشونت کشیده میشود.

دولت و پلیس جنایتکار و بی رحم امریکا بار دیگر ماهیت سرکوبگر و ضد مردمی خود را با سرکوب و کشتار سیاهان قهرمان میامی و دیگر ایالات به اثبات رسانیدند. برای جهانخواران و مزدوران مسلسل بدست - شان تفاوتی نمیکند که تظاهر و اعتراض بر علیه شقاوتها و جنایتهاشان در کجا انجام گیرد. در بیرون از خاک خود ویا در درون مرزهایشان. زیرا واکنش آنان همه گاه و همه جایکی است: سرکوب - کشتار - خونریزی.

حمله به مراکز بخش امت در شهرهای آمل، بابل و ...

برادران و خواهران مسلمان و مبارز اینک این رسالت بیشتر بر دوش شما سنگینی میکند که به باری دیگر برادران و خواهران مسلمان با افراد ساده و قریب خورده برخوردی آگاهی بخش کرده از محرکین آنان که خود را حامیان مردم میدانند سؤال کنید آیا این است شیوه تبلیغ اسلام راستین؟ هرگز! و آیا این طرز عمل در منطق و مرام توحیدی و انسانی قابل توجیه است؟ حاشا و کلا. با توجه به اقدام مثبت دادستان کل مبنی بر تعیین قانونی شدن حمله و تصرف دفاتر گروهها و جرائد - امدهواریم بعد از این ناظر اینگونه حوادث و صحنهها نباشیم و اختلاف آراء و عقاید در بحث آزاد و منطقی و باشیوه ای اسلامی حل و فصل شده تفاوت نهایی بعهده مردم و تاریخ گذاشته شود.

هوسطمان مبارز
لطفاً وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شنبه شماره ۲۸۶۴ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.
متشکریم
خواهران و برادران مبارز خارج از کشور برای ادامه نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسالی را هر چه زودتر پرداخت نمایید.
باتشکر - امور مالی و توزیع

نشریه
جنبش مسلمانان مبارز
ماضن پرهیز کامل از رودرو شدن با این نوع افراد ساده و تحریک شده و ممانعت از تشدید تضادهای درون خلقی به گواهی کلیه اعلامیه ها، بیانه ها و موضعگیریهای خودوفاداری خویش را به مبانی انقلاب اسلامی به اثبات رسانیده و از هرگونه ممانعت و سازشکاری با جریانهای لیبرالی و ارتجاعی که ماسک خمینی نمائی سعی در انحراف اذهان توده ها از خط امام دارند پرهیز نموده و خواهیم کرد هرگز چنین حملاتی ما را از وفاداری به اصول مکتب باز نداشته و نخواهد داشت و مطمئن هستیم که توده های مردم پشت سر رهبر خویش سرانجام دست رد بر سینه فرصت طلبان خواهند گذاشت و بیرون راستین راه امام را خواهند شناخت.

درد بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران